

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۴ صفحه

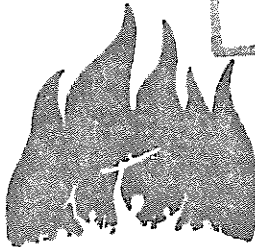
۹۲

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

کارگران، زحمتکشان، خلقهای قهرمان ایران!

سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم



ره نمود به رقمای هوادار در باره برگزاری سالگرد قیام ۲۲ بهمن

برای برگزاری هرچه باشکوهرتر سالگرد قیام تاریخی خلقهای قهرمان ایران لازم است رقمای هوادار، بهنگامات زیر توجه کنند:

قبل از هر چیزی حرکت آرایین درک که قیام باشکوه ۲۲ بهمن، متعلق به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران است و نه جناحهای حاکم و روبریونیستها و دیگر مرتجعین رقمای هوادار باید با تمام موا در جهت برگزاری این روز تاریخی خود را آماده نمایند. آنها باید نشان دهند و این ایده را در وسیعترین شکل ممکن بدون طبقه کارگر و زحمتکشان بر سرند که فقط کمانی حقیقی باشد.

۱۴ صفحه در صفحه ۱۴

سندی دیگر از خرید قطعات یدکی از آمریکا

۱۵ صفحه



مصاحبه "مجاهد" با قاسملو: ضربه‌ای بر جنبش انقلابی

۲۵ صفحه

قیام بهمن و ضرورت رهبری پرولتاریا

هم اکنون دو سال از قیام خونین خلقهای قهرمان ایران میگذرد، قیامی که جانمایا سالان در از مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم منفقور بهلوی و علیه فقر و ستمی بود که در این مدت از سوی مرتجعین و استعمارگران داخلی و خارجی بر خلقهای ستمدیده ما تحمیل گشته بود. عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ای که منجر به قیام قهرمانان بهمن ۵۷ گردید از حومه این سخن بیرون است و باید در جای دیگری بدان پرداخته شود. آنچه که در اینجا مورد نظر ما است تکیه بر روی تشبیهی از آموزشها و درسهای این قیام و با اعتقاد ما گرانمایا ترین آنست، این آموزش و این درس - آموزی که البته به هیچوجه سالک تاریخ و تجربه نادری نیست و بسنه بقین میتوان گفت عماره و چکده تمام انقلابات بیروز و غیر بیروز در عرصه امپریالیسم در آن نهفته است، عمارت است از ضرورت قطعی رهبری پرولتاریا در انقلابات دمکراتیک در عرصه امپریالیسم، ضرورتی که بدون تأمین آن کوچکترین سحنی از بیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن نمی تواند در میان باشد.

۲۸ صفحه در صفحه ۲

انقلاب خلق

گنا ایسالوادور، رئیس کمیته دیگر

بزرگترین امپریالیسم آمریکا

۲۸ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله

صورت فوق هما نظور که میدانیمنامی از خصلت تاریخی ارتجاعی بورژوازی در عصر امپریالیسم و عدم ظرفیت و پتانسیل این طبقه در انجام انقلاب دموکراتیک در این عصر است، آغاز دوران امپریالیسم و گدندیدگی سرمایه، به معنی پایان دوران انقلابات بورژوازی - دموکراتیک طراز کهن و به عبارت دیگر پایان رهبری بورژوازی برای انقلابات و به معنی آغاز دوران انقلابات دموکراتیک طراز نوین یعنی آغاز دورانی است که امر رهبری پرولتاریا برای انقلابات، به عنوان امری ضروری و مسلم مطرح میشود. از اینرو انقلاب دموکراتیک در کشورهای وابسته به امپریالیسم، به عنوان جزئی از انقلاب اجتماعی به مفهوم علمی کلمه و مرحله ابتدائی و مقدماتی انقلاب سوسیالیستی در این کشورها و در همین رابطه به عنوان جزئی از انقلاب پرولتاری جهانی محسوب میگردد.

ضرورت رهبری پرولتاریا و حزب او در انقلابات دموکراتیک بخاطر تحقق پیروزی آنها است، اگر در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال بر اساس اصل فوق امری ناگزیر و قطعی است، این ضرورت در مورد انقلابات دموکراتیک جوامعی چون ایران که دارای ساخت اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری وابسته است و در آن بورژوازی در کلیت خود اعسار از کمپرادورولیبیرال، ارتجاعی بوده و در کمپ ضد انقلاب قرار دارد، به مراتب قطعیت و حتمیت بیشتری پیدا میکند.

در قیام بهمن ۵۲، علیرغم تمامی دلاوریها و جانبازیهای خلق و علیرغم آنکه با راهبسی انقلاب بردوش کارگران و زحمتکشان قسرا داشت و آنها با اعتمایات، تظاهرات و قیام مسلحانه و شکوهمند خود نتوانستند، رژیم سلطنتی پهلوی را سرنگون نمایند، معذابه خاطر نبود صف مستقل پرولتاریا و تشکیلات رزمنده آن (حزب کمونیست)، این قیام نتوانست به حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان ونا بودی سیستم سرمایه داری وابسته وسلطه ونفوذ امپریالیسم بر ایران منجر گردد. ضعف پرولتاریا و عقب ماندگی نیروهای کمونیستی و متقابلا نفوذ گسترده خرده بورژوازی مرفه سنتی و رهبری آن در میان توده ها موجب گردید تا خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی لیبرال در کنار یکدیگر بر مواج جنبش توده ها سوار شده و آنرا از مسیر خود منحرف سازند و درست در شرایطی که توده ها خواستار نابودی ماشین دولتی و ارتش، این ارکسان اصلی سرکوب امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاهان بودند، از درسا زش با امپریالیستها درآمده و با ممانعت از مسلح شدن توده ها و جلوگیری از نابودی ارتش و دیگر ارکانهای اداری رژیم شاه و اوج خیانت خود را به توده ها و

قیام قهرمانان آنها نشان دادند. ضعف پرولتاریا و نبود صف مستقل آن موجب گردید تا بورژوازی لیبرال با حمایت همه جانبه خرده بورژوازی مرفه سنتی به قدرت خزیده و همراه با یکدیگر قدرت سیاسی را قبضه کنند و به این ترتیب راه را برای ادامه سلطه و نفوذ امپریالیسم و پاسداری و حفظ سیستم سرمایه داری وابسته هموار نمایند. نبود این صف مستقل و عدم حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان موجب گردید تا میلیونها نفر از توده های زحمتکش ما از دست یافتن به اساسی ترین خواسته های خود محروم مانده و همچنان در اسارت ما حیوان سرمایه و استثمارگران و در فلاکت و بدبختی روز افزون خود باقی بمانند.

اکنون در ارتباط با مسائل و ملاحظات فوق الذکر و در ادامه توضیح این اصل اساسی که بدون رهبری پرولتاریا برانقلاب دموکراتیک، نمیتوان زد کوچکترین سخنی از پیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن در میان ما باشد، باید بگوئیم که شرط اساسی تامین رهبری پرولتاریا بر انقلاب مسلح شدن آن به ایدئولوژی ظفر نمون ما و کمیسر و تشکیلات پولادین آن یعنی حزب کمونیست است. حزب کمونیست بزرگترین و برنده ترین سلاح پرولتاریا در مبارزه سرشویت - ساز او علیه سرمایه داری و دیگر مرتجعین است و به قول رفیق لینین: "پرولتاریا بی سلاح در مبارزه برای حاکمیت بجز با زمان، سلاح دیگری ندارد" و طبیعتی است تا زمانی که پرولتاریا از داشتن چنین سلاحی محروم است، هیچ وظیفه ای اساسی تر از تامین این سلاح در برابر وی قرار ندارد.

جوهر اصلی آموزش و درس آموزی از قیام که در بالا از آن سخن گفتیم نیز در همین نکته یعنی در مسلح ساختن پرولتاریا به تشکیلات و گردان رزمنده اش حزب کمونیست ایران، خلاصه میشود و این وظیفه ای است که بردوش شما مسی کمونیستهای راستین ایران سنگینی میکند، وظیفه ای که پاسخگویی به آن با توجه به افزایش روز افزون آگاهی توده ها و فرو ریختن توده آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد مبارزه طبقاتی اهمیتیت صدچندان میابد، هم اکنون پس از گذشت دو سال از قیام خونین ۲۲ بهمن، در شرایطی قرار داریم که ویژگی آنرا وجود بحران شدید اقتصادی و فقر و فلاکت توده ها تشدید و رافزون مبارزه طبقاتی، وجود بحران در بالا ونا توانی هیئت حاکمه در تثبیت قدرت سیاسی و سرکوب متشکر جنبش توده ای، مطرح شدن آلترناتیوهای ارتجاعی، دموکراتیک - بیکیرو کمونیستی در سطح جامعه و فرو ریختن روز افزون توده توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و اقبال فزاینده آنها به سمت آلترناتیو های انقلابی، تشکیل میدهد.

امروز توده ها با ناباوری و عدم اطمینان از رژیم جمهوری اسلامی و وعده و وعیدهایش، بسا

جنبشانی باز، نظاره کرد قیق حرکات، برنا مه ها و اقدامات جریانات مختلف سیاسی و از جمله کمونیستها هستند. آنها در صحنه سیاست و در هر کجا حضور دارند، از مشکلات خود ونا توانی رژیم و موضع گیری نیروهای سیاسی سخن میگویند. آنها در همان زمان که از خود و طبقه خویش، از جنگ، از گران، از گر و کانها و دهها مسئله دیگر حرف میزنند، در عین حال تشنه آگاهی اند. در جستجوی آن چیزی هستند که با تکان آن فداکارها و جانبازهای عظیم آنها باریگر پشتوانه قدرت - یا بی بورژوازی و دیگر نیروهای ضد انقلابی، آن گونه که در قیام ۲۲ بهمن صورت گرفت، قرار نگیرد در چنین شرایطی کمونیستها وظیفه دارند که در میان توده ها و بویژه طبقه کارگر حضور فعال داشته باشند، در باره مسائل جاری جامعه بسا آنها سخن بگویند، بحران اقتصادی و علت فقر و فلاکت شان را برای آنها توضیح دهند، دشمن واقعی شان را به آنها بشناسانند. کارنامه سیاست و دوا له رژیم جمهوری را در زمینه های مختلف برای آنها بازگو کنند و مهمتر از همه با شرکت در مبارزه طبقاتی، در ارتقاء سطح مبارزه و سازماندهی توده ها، نقش بیشتر خود را ایفا کنند، در برابر آلترناتیوهای ارتجاعی و دموکراتیها نا پیگیر، برنا مه خود را به تفصیل ارائه دهند و برای آنها توضیح دهند که تنها راه پیروزی بر امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی پاسدار منافع آن، راه سرخ کمونیستها و ضرورت رهبری پرولتاریا برانقلاب است.

اما واقعیت اینست که وظایف و سترگ فوق، وظایفی نیستند که بتوان در شکل کنونی نیروهای کمونیستی بدانها پاسخ داد. انجام این وظایف بصورت حتی محدود آن، نیازمند متحرک شدن و وحدت جنبش کمونیستی و در یک کلمه ایجاد حزب کمونیست است. پاسخگویی به وظایف فوق هر چند وظیفه یکا یک نیروهای کمونیستی بوده و هر گونه بی توجهی و برخورد انفعالی بدان انحرافی بس عظیم بشمار می رود، ما در در شما می این وظایف، دادن پاسخ مشخص به مسئله وحدت جنبش کمونیستی و فراهم ساختن ملزومات تشویریک و عملی ای است که این وحدت نیازمند آنست. تا آنجا که ملزومات تشویریک این وحدت مربوط میشود، ما به سهم خود و علیرغم تمامی ضعفها و نارسا ئیها، از ما هها پیش کوششی را آغاز کردیم که نتایج آن در قطعنا مه های کناره دوم سال که امید داریم همین روزها در سطح جنبش انتشار یابد، انعکاس یافته است. ما با دعوت از تمامی نیروهای جنبش کمونیستی جهت برخورد فعال با این قطعنا مه ها و دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های مختلف نقش خود را در تدوین تشویر انقلاب و در زدودن تشخت سیاسی - ایدئولوژیک و

بقیه در صفحه ۳۱

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دموکراتیک ضد امپریالیستی
خلقهاست

جنبش کارگری



کارگران کارخانه لیاند موتورز، در مقابل توطئه اضافه کاری مدیریت

دوستان کارگر

کارگران کارخانه ما که زیر فشار کار انسانی و فحشی مواد اولیه زندگی خودکمترشان خمشده است مدتهاست که با شکل مختلف دست به اعتراض زده اند و خواهسته خود را برای جبران کمیسرود دستمزد منصفانه برای طرح طبقه بندی مشاغل مطرح کرده اند. مدیریت کارخانه و شورای اسلامی که ما هیئت مدتها رگری خود را تا بحال بخوبی نشان داده اند قبلا گفته بودند که با اجرای طبقه بندی مشاغل

خواستگاری کارگران را برآورده خواهند کرد. حتی چند وقت قبل بر شش ماهه طبقه بندی را هم همین کارگران بخش کرده بودند، ما روز دوشنبه ۵۹/۱۰/۲۹ متوجه شدیم که تمام اینکارها بسرای سردانندن ما بوده است چرا که در این روز مدیریت و شورای اسلامی کارخانه اعلان کردند که از این به بعد به منظور (ظاهرا) کمک رساندن به کارگران هر روز به مدت دو ساعت و نیم اضافه کاری در نظر گرفته میشود. یعنی اینکه بموضع کار تا ساعت ۲۹

اجتماع کارکنان جنگ زده شیواز مشت مدحکمی بر دهان رژیم جمهوری اسلامی

بدینال دستگیری (ربودن) ۴ نفر از نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران توسط رژیم جمهوری اسلامی (۲ نماینده اروما شهرویک نماینده شیواز) بسته نمایندگان شورای هماهنگی ما هنوز، امضا، امضا، تهران و یک نماینده از طرف کارکنان جنگ زده ساکن اراک در دستگیری که در ۵۹/۱۰/۲۴ به منظور تصمیم گیری هر مورد نمایندگان زندانی، در شیراز تشکیل شده بود شرکت کردند.

نمایندگان شهرهای مختلف در مورد علت تشکیل میتینگ، ضرورت تشکیل اجتماعات مستمر، افشای بر خورده های هنگامی استنادار شیراز و ایامی مماثلی که بر سر خا نواده کارکنان جنگ زده در تهران و ... آورده اند سخن گفتند. آفرین سخنران نماینده شورای هماهنگی تهران بود که با طعنه های بسیار در مورد رژیم و مقامات شرکت نفت را افشا نمود. این نماینده فاش کرد که چگونه برق و سوخت را به روی خانواده کارکنان جنگ زده قطع کرده و یکبار نیز بمبسی خواستند یکی از کارکنان را با خنجر از پستی در آورند.

همین نماینده در قسمتی دیگر از سخنان

ضمن تشریح علل دستگیری نمایندگان و معرفی دست اندرکاران توطئه دستگیری نمایندگان گفت: "از زمان دستگیری نمایندگان تا کنون ما اطلاع دقیقی از وضع و حال آنها نداریم. در حالیکه به سراسر ایران اجازه میدهند از طریق راه دیوبند خا نواده های خود بیا مبرستند، به خا نواده های نمایندگان زندانی اجساد زده هیچگونه ملاحظاتی نمیدهند."

این نماینده در ادامه سخنانش گفت ما از اینها بیش از این انتظار نداشته و نداریم. ولی آن کسانی که توطئه دستگیری همکارانمان را ریخته اند با بدبختی ما با اتحاد دو یکبار چگی خود، آنان را وادار خواهم ساخت همکارانمان را آزاد سازند و دولت این کار را با خفت و خواری انجام خواهد داد."

سخنان این نماینده با استقبال گرم و پر شور کارکنان روبرو گردید. در ادامه ضمن خواندن قطعه های سینه ما ده ای که موره تا شید کلیه کارکنان قسار گرفت، اعلام کردید مسئولیت هرگونه بی آمدن در صنعت نفت در صورت عدم آزادی نمایندگان سنان بشبه در صفحه ۲۹

همدردی با خانواده های مصیبت دیده کارگران خرم آباد

بر اساس نوشته کیهان ۵۹/۱۱/۹ در یک حادثه رانندگی ۱۵ تن از کارگران زحمتکش خرم آباد جان خود را از دست داده و عده ای دیگر نیز مجروح شده اند. اعلام عزای عمومی در خرم آباد پس از این حادثه، نشان آتش است که حتی دشمنان طبقه کارگر (که خود مسبب ستمهای هستند که بر این طبقه میروند) جرات ندارند که نقش این طبقه دورا نسا ز رانان دیده بگیرند. ما ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خا نواده های این کارگران، رفقای هوادار در محمل را به کوشش در راه رفع نیار مندیهای خا نواده های مصیبت دیده فرامی خوانیم.

درود پر کارگران مبارز اتوبوسرانی اصفهان

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان از روز یکشنبه ۵ بهمن دست از کار کشیدند و به گفته خبرنگار کیهان " با امضای طوماری خواستار برکناری مدیر عامل شرکت واحد اصفهان، تشکیل شورای واقعی کارگری، به کارگری کارگران اخراجی و پرداخت پاداش ۶ ماهه خود شدند. عده ای از کارگران در گفتگویی خبرنگار کیهان گفتند که علت واقعی اعتصاب ما نه خواستن پاداش است، نه عیدی بلکه بخاطر اعمال غیر انسانی شرکت واحد و شوهین و تحقیر چند تن از کارگران به وسیله وی است. خواستار برکناری وی هستیم."

این کارگران مبارز و زنده به وعده آیت الله خادمی که گفته است به سر کار برگردند تا طرف ۲۰ روز بکارشان رسیدگی شود اعتناشی کرده اند و به تهدید استانداردی که خواسته است آنها را از قانون زمان جنگ بفرستد. کارگران تسلا ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه هنوز به سر کار ننگشته و بر خواسته های حق طلبانه خود ایستادگی میکنند.

ما ضمن حمایت از این کارگران مبارز و درود به آنان تا کیدمی کنیم که رژیم جمهوری اسلامی که طرفدار سرمایه داران است هرگز نمی تواند جلوی رشد فرا بنده مبارزان طبقه کارگر را بگیرد. مبارزه متشکل طبقه کارگر اگر در پرتو آید ثلوی این طبقه به پیش رود بدون شک پیروزی قطعی را نصیب خود خواهد ساخت.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



در سپه‌های جنبش کارگری

نگاهی به تجارب یکساله و نیمهٔ کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۲)

شیوه اصولی در برخورد به اتحادیه‌های منطقه‌ای چیست؟

همه که تشکیلاتی نظیر کانون شوراهای شرق در واقع زمینه‌تلاشی خود را در درون خود دارند، از طرف دیگر با بدیهه‌ای اتحادیه‌های منطقه‌ای بعنوان تشکیلات گذر او در واقع بسه عنوان پله‌ای برای رسیدن به تشکیلات مناسب با وضعیت سرمایه‌داری و وضعیت جنبش، نگرش، میزان رشد و تمرکز سرمایه‌داری در ایران تا آن حد است که در عمده‌ترین بخشهای صنعت نظیر ماشین‌سازی و نوبیل‌سازی، راه‌آهن و حمل و نقل، نفت، معادن و غیره، رشته‌های صنعتی موجود آمده است. بنا بر این زمینه اتحادیه‌های کارگران در بخشهای صنعتی، معمران زیادی از بسبب ترسناک‌رانی که در کارخانه‌ها بران ناسیوال کار میکنند و ترسناک‌رانی که در کارخانه‌های کوچک با سایر کارخانجات کار میکنند، رشته اتحادیه‌های مستقیمی وجود دارد. بنا بر این بطور کلی می‌توان گفت که خصیصه فعلی جنبش کارگری ما کانون است یعنی ایجاد اتحادیه‌های رشته‌های صنعتی است.

ترکب به سمت ایجاد سندیکاها می‌توانستیم بنا بر بدیهه‌های لاکینتی (نظیر رهبران رفورمیست که تنها تحت فشار ضرورت مطلق قدم به سمت سندیکا رند) یا تبدیل به بدیهه سنت با انقلابی انجام می‌پذیرد، یا بدره‌سر فاسریک و هر کارخانه‌ای علیه روحیه جرده‌کاری و وضعی‌گری مبارزه کرد. این تصویر انتزاعی و بریده از حیات نیست. مسئله بر سر انطباق ساخت تشکیلاتی سندیکاها با ضرورت‌های مبارزات طبقه کارگر در عهد کنونی است. ("برنامه‌های عملیین المللی سندیکاها" (سرخ)

امروزه اگر چه زمینه‌های تشکیل اتحادیه‌ها با سبب رشته صنعتی، هنوز در برخی موارد نظیر حفاط‌ها، کتابخانه‌ها، آجرپزی‌ها و غیره موجود است، ولی بطور کلی بعنوان کف ارتباط عمومی زمینه‌ای ایجاد سبب

تشکیلات کارگری فراهم بوده و میبایست بهیچ‌ای ایجاد چنین تشکیلاتی رفت. اما همانطور که گفتیم اتحادیه‌های منطقه‌ای نظیر کانون شوراهای شرق تهران، کانون شوراهای متحد، اتحادیه‌های گیلان و غیره نمیتوانند بعنوان پلی برای رسیدن به اتحادیه‌های رشته‌ای مورد استفاده قرار گیرند و با بدیهه‌های از اینها بعنوان هسته‌های اولیه اتحادیه‌های رشته‌ای سود طبیعی است که در صورت حصول به این مقصود دیگر نیازی به اتحادیه‌های منطقه‌ای نخواهد بود، اما تا قبل از بنموقع نمی‌بایست برخوردی انحلال طلبانه نسبت به اتحادیه‌های منطقه‌ای داشت.

کانون شوراهای شرق چگونه بوجود آمد؟

همانطور که گفتیم بعد از قیام مبارزات کارگران علیه غم‌انگت نسبی همچنان استعمار میباید. مسئله ضرورت ایجاد اتحادیه‌های کارگری بخصوص در میان اقشار بی‌شروع میانی کارگران، طرح میگردد. تلاش همین بخش از کارگران باعث ایجاد اتحادیه‌های نظیر کانون شوراهای شرق میشود. هسته اولیه این کانون بوسیله نمایندگان کارخانجات فیلیپین، صنایع چوب، باسیس، برلیمد، هوست، حفاظ و فردهیکری تشکیل می‌شود که هنگام مراجعه به کمیته ما برای حل و فصل اختلافات خود با کارفرماها پیش، بایکدیگر آشنا میشوند و جلسات اولیه خود را در خانه کارگر (که آن زمان در دست کارگران بود)، برگزار میکنند و طرح اولیه‌ای برای ناسیس کانون شوراهای ترتیب میدهند.

در جریان انتخابات موقت که از نمایندگان حدود ۳۰ کارخانه بعمل آمد، چند عنصر فدکا رگر در هیئت مدیره آن انتخاب شدند (از جمله رئیس هیئت مدیره) که پس از مدتی اقلیتشان تعقیبه شد و کانون به دست عناصر مریا زوعنا صبر سندیکا لیست (که کرچه در سایر نهادهای کارگری رمان نادرکت داشته و تجارب سندیکا شکی دانستند، ولی بجز خصوصیات رفورمیستی و بنا بر پاسبیل انقلابی، نسکان نسکان از بی سیاستی کانون روان بودند)، افتساد

ولی بطور کلی با بدیهت که در کانون بسبب تعداد محدودی از نمایندگان مبارز، بقیه‌ها رای خود کمی در کارخانه‌های خود نبودند و هنگامیکه در بیشتر اهداف کانون با مقاومت عنا صرفند کارگران مواجه می‌شدند، عالیا دست به عقب‌نشینی می‌زدند. نمایندگان مبارز هم بدین روشی نسبت به ضرورت تشکیل کارگران و بیشتر با مریا زوعنا طبیعتی نداشتند. بنا بر این نمایندگان بسبب تنها بی‌هیچوجه قادر به ارتباط گیری با توده کارگران و جذب آنها ن بودند، نبودند، از طرف دیگر چون توده‌های وسیع کارگران عقب مانده و میانی هنوز به درک ضرورت ایجاد اتحادیه نرسیده بودند و تحت تاثیر تشکیلات زرد رزمان شاه نسبت به هر تشکیلی بدبین بودند، میتوان گفت که تشکیل کانون عمدتاً نتیجه خواست و اراده نمایندگان آن بود. کارگران از آنجا شیکه کانون را در جریان مبارزات خود نمی‌دیدند و با عملکردهای آن هم آشنائی پیدا نمی‌کنند علی‌رغم آنکه طی یک دوره تبلیغات کانون، با آنها آشنا میشوند، ولی مع ذلک آنها جدا از خود میبینند.

بطور کلی سطح مبارزات جنبش کارگری چنان است که کارگران هنوز به ضرورت ایجاد صف مستقل خویش نرسیده‌اند علاوه بر لایه‌های زکی از کارگران که به لزوم بوجود آمدن تشکیلات عالیه‌تر کارگری پی برده‌اند و همواره خود را در مشکلات کانون شریک میدیدند، در رابطه با کانون ما به‌دو دسته دیگر کارگران نیز بر-

می‌خوریم:

الف - دسته اول، کارگزارانی هستند که برای مبارزه متحدانه بر علیه کارفرمایان و برای آگاه شدن از مسائل صنفی و سیاسی در رابطه با وزارت کار، بیمه، سود و بیمه، اضافه کاری و غیره جذب کانون میشوند. اما این کارگران غالباً به کانون بعنوان یک ارگان دولتی می‌نگریستند و توهمشان نسبت به رژیم از یکطرف و روشن نکردن واقعیت امر (اینکه کانون تنها از کارگران نیرو می‌گیرد) برای کارگران از جانب کانون، از طرف دیگر موجب ادا مه وجود این دید غلط در میان نشان میشود. مثلاً برخی از کارگران با مراجعه به کانون از کارفرمایان خود شکایت کرده‌اند و انتظار رسیدگی فوری داشتند با اینکه فکر میکردند نمایندگان کانون از دولت حقوق میگیرند، البته طرح باره‌ای از مسائل از جانب کانون، نظیر اینکه کانون قبلاً در "کمیته ما م" بوده است، به این تصور کارگران دامن میزد. زمانی که این تصور فرو میریخت، این عده از کارگران نسبت به کانون دچار بدبینی میشدند که پس "اینها از کجا حقوق می‌گیرند؟"

ب - دسته دوم، کارگزارانی هستند که هم بیشتر بخش کارگران را تشکیل میدهند و هم از نظرهای عقب مانده طبقه میباید شد و لذا نسبت به عملکردهای کانون بی‌تفاوت بودند، کسب بقید در صفحه ۲۸

خلق ها و مسئله ملی



یاد پیکارگر شهید، پیشمرگه قهرمان، رفیق صادق بهمنی (جمال) گرامی باد!

مرده ای تو؟ نه نه!
زنده ای تو به باد
کی تو را خلق مرا موش کند؟
تو همچنان بیخه فکندی با سرگ
و تا متن تو آتش بی پایان نبود
بلشویک و ارباب یسد جنگید
بلشویک و ارباب یسد جنگید
چه کند بدل چون آتش ما آتش تیر؟



دلبران کرده ستان! رزم آوران خلق کسرد!
بیکرهای خونین هم زمان ما پرچم سرخ مقاومت
ما ست همچون رودخانه ها ایستادن ما را همیشه
نیست، همچون کوهساران پا برجا خواهیم ماند،
همچون دریاها طغیان خواهیم کرد، همچون
طوفان پرستگوان خواهیم تاخت، ما فاتحان
قلعه های رفیع حماسه ها، ما از شیوا آتش و خون
و مقاومت، ما از کاروان عاشقان رهائی از
بندگی و بردگی، ما جوشیده از دل خلق قهرمان
کرد هستیم، بیاید لاله ها را با خون خویش سیراب
سازیم، بیکار ما خونین، ما افتخار آفرین است،
پیشمرگه را توقف برهیز از نبرد، ذلتی بیست
نیست، این بیام کاک صادق بهمنی بود، کاک
صادق بر چون خویش غلطید، ما مگر پیشمرگه
می میرد؟

در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده زحمتکش در
سنندج بدنیا آمد، بعد از اتمام کلاس در دبستان
همراه با خانواده اش به مریوان رفت و تحصیلاتش
را تا کلاس دوم نظری در آنجا ادامه داد، رفیق
صادق برای کمک به خانواده تنگدستش در حین
تحصیل کار میکرد، بدین ترتیب از همان اوان
زندگی، با فقر و استیصال آشنا شد و اولین شگرفه
های آگاهی انقلابی و شورهایش از استثمار و استعمار
در وجود پیرتلاطم و جوان نه زد،
عشق به زحمتکشان، انگیزه برای رفتن او
به دانشسرای مقدماتی گردید و پس از اتمام
دانشسرا قدم در راهی گذاشت که انقلابیونوسی
همچون صمد آغازش کرده بودند، و در میان
زحمتکشان "آلان" (زادگاه کاک فواد) حین
تدریس برای فرزندان زحمتکشان آلان به آگاه

تشییح جنازه با شکوه رفیق شهید صادق بهمنی در "گوله ساره" و "طا"

ظهور روز ۱۸/۱۰/۵۹ بیکریخون خفته رفیق
شهید کاک صادق بهمنی (جمال) بردوش زحمتکشان
و پیشمرگان انقلابی قرار گرفت و در محبت اهالی
منطقه و پیشمرگان قهرمان گوله ساره، پیکار و
رزمندگان بد قبرستان محل انتقال یافت و طی
مراسم باشکوهی به خاک سپرده شد مراسم که
هولخطه آن بیانگر بیوند عمیق بینرزمکشان
انقلابی و زحمتکشان آبادی بود، ساعت ۴ بعد
از ظهر مراسم در مراسم دیگری از طرف سازمان
در مسجد آبادی برگزار شد، در این مراسم
شما بنده سازمان، ضمن سخنرانی حول زندگی و
تاریخچه مبارزاتی رفیق شهید و قدرانی از
مکارتی و فداکاری اهالی محل، بر همه بستگی
زحمتکشان و پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت
جهت تشییح و تمییح مراسمات خلق کردند تا
کرد، در قسمت بعدی مراسم، شما بنده گمان
پیشمرگان گوله ساره و رزمندگان ضمن سخنرانی
از یادداشتها رکاک صادق تخلیل کردند،
همانروز در آبادی "طا" به محض بازگشت
پیشمرگان از "گوله ساره" مردم زحمتکش آبادی
جمع شده و با تاشرف و آوان در مراسم یادبود
رفیق صادق شرکت کردند، طی این مراسم رفیق
پیشمرگه ای که در طول درگیری، همراه رفیق
زخمی شده بود در مورد چگونگی درگیری و جان
بازی و قهرمانیهای رفیق صادق صحبت کردند،
روز بعد نیز در نماز جمعه شما بنده پیشمرگان
سازمان در مسجد سخنرانی کرده و ضمن گرامیداشت
یا رفیق، اوضاع سیاسی کشور و کردستان و
وظایف انقلابیون و زحمتکشان را برای اهالی
"طا" تجرید و تخلیل نمود.

کردن، اهالی زحمتکشان محل پرداخت،
رفیق صادق در نماستان ۵۸ به همراه چند تن
از رفقای مبارز با سازمان سیاسی گرفتند و
این هنگامی برده گاه و در اتحادیه دهقانان
مریوان و در آنجا دو شکل نمودن دهقانان
نقش بسزائی داشت، در روز اول رژیم فتنه خلقی
جمهوری اسلامی به کرده ستان، صادق تنگ دست
گرفت و در کناره اتحادیه دهقانان به عنوان
پیشمرگه مبارزه مسلحانه با نیروهای سرکوبگر
رژیم پرداخت، بعد از شکست مفتضحانه رژیم در
کرده ستان و بازگشت پیشمرگان قهرمان به شهرها،
رفیق مجدداً به کاک و مسلمی خود ادامه داد،
در زمستان ۵۸ طبق تصمیم سازمان بعنوان
پیشمرگ در منطقه "سرکه ور" و "سرکه ور" بیسن
شهرهای ارومیه و آشنویه به کار سیاسی -
تنکیلاتی در میان زحمتکشان و مبارزه مسلحانه
با مزدوران رژیم پرداخت، استعداد در کار
سیاسی - نظامی و روحیه خودهای انقلابی او
در جوش خوردن با زحمتکشان باعث شد که رفیق
صادق به مدت مسئول دسته ای از پیشمرگان
سازمان ارتقاء یافت، بعد از ما رفیق صادق
در مریوان و سپس در کاکساران سازماندهی شد،
صمیمیت عمیق رفیق صادق با زحمتکشان برای
روستایان دهات حوزه فعالیت او، از او چهیره
آشنائی ساخته بود، بیروچوان آبادیها همیشه
عجیبی از رفیق پیکارگر ما بدل داشتند، رفیق
صادق بهمنی همچنان به مبارزه با مزدوران رژیم
مشغول بود تا اینکه روز ۱۷/۱۰/۵۹ وقتی که
بسی از هزار نفر از مزدوران جاش ویا سدار و
بقیه در محله

مقاومت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی پیکار و گوله ساره

در این روز یک ستون ارتشی شامل ۵ تانک
و نفربری، چند خودرو، یک سرباز حامل کالیبر ۵۰
و در حدود ۱۰۰۰ جاش ویا سدار با تدارک وسیع
از چند طرف به روستای "گوله ساره" و "مانان"
حمله کردند، نیروهای ضد خلق در این دوروسا
با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی گوله
و پیکار رو برور شدند، درگیری ا ساعت ۱۰ صبح
آغاز گردید، بعد از چند ساعت نبرد، پیشمرگان
انقلابی با طرح کوبی از کشتار اهالی بی
دفاع آبادی دست به عقب نشینی تاکتیکی زدند
و به ارتقا عات بالان رفتند و مجدداً نیروهای
دشمن را زیر آتش بی امان خود قرار دادند، در

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



خلق ها و مسئله ملی

همان حین جاشا و پاسداران وارد آبدیهی "کوله ساره" و "ماسان" شده و اهالی زحمتکش را مورد شدیدترین آزار و اذیتها قرار دادند و در این پنجره خانه ها را کلوله باران نمودند. در این شبردع ساخته پیشمرگان انقلابی با نیروهای ضد خلق، عده زیادی جاش و پاسدار کشته و زخمی شدند. که از آن ر دقیق آن اطلاعی در دست نیست. با رسیدن پیشمرگان کمکی بیگانه و کوملسه و رزمندگان نیروهای ضد خلق عقب نشینی کردند مزدوران رژیم همچنین اموال اهالی زحمتکش را غارت کرده و چند دستگا ضبط صوت و ۴ هزار تومان پول و یک جیب شهاب زاز اموال اهالی ماسان را بغارت بردند آنها همچنین وحشیانه دای های متعلق به بهداری "کوله ساره" را غارت کردند و با این اعمال خود کینه و نفرت ر زحمتکمان را به رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی دوچندان کردند. لازم به توضیح است که پیشمرگان حزب با وجود اینکه در منطقه بودند در درگیری شرکت نکردند. همچنین در این درگیریها یکی از پیشمرگان انقلابی بیگانه بنا مکاک صادق بهمنی (جمال) بشهادت رسید و پیشمرگه انقلابی دیگری از بیگانه زخمی شد. بیروز با جنبش مقاومت خلق کرد.

ضربات سنگین پیشمرگان کومله به یک ستون از نیروهای دشمن

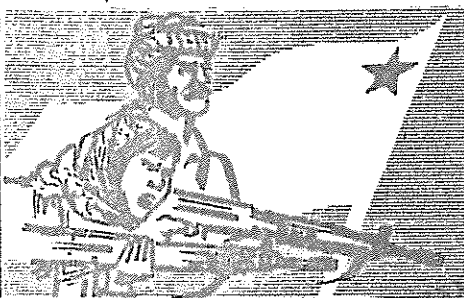
۵۹/۱۰/۲۲ - یکدسته از پیشمرگان کومله (پل شهید جلال) در جاده سنندج - کامیاران، در بین فرودگاه و پایگاه گزنده بکمین دشمن نشستند. نزدیکیهایی ساعت ۴ دو خود روجا مسلح ارتشی و پاسدار روجا بکمین پیشمرگان افتاده و آنها را با اسلحه سبک و سنگین مورد حمله قرار دادند که در نتیجه هر دو وسیله نقلیه منهدم و عده ای از سر نشینان آن کشته و زخمی شدند. پیشمرگان بهنگام عقب نشینی با یک ستون از نیروهای دشمن که بقصد تعقیب آنها حرکت کرده بود، درگیری شدند و آنها را از بیگانه رانسی از گلوله سلاحهای سبک و سنگین خود گرفتند. درگیری دوساعت دیگر ادامه یافت و سرانجام پیشمرگه های سرکوبگر رژیم با دادن تلفات سنگینی مجبور به عقب نشینی شدند. در این نبرد چند خود روم منهدم گردید و بیش از ۵۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. در جریان درگیری ۲ تن از پیشمرگان زخم سطحی برداشت. این پیروزی موجب بالا رفتن روحیه مردم و شور و هیجان آنان شده است و از نبردهای کم نظیری است که طی چند ماه اخیر در این منطقه بوقوع پیوسته است تا جاییکه دستگا هه های تبلیغاتی رژیم مجبور شدند که به بخشی از شکست خود اعتراف نمایند. (خبرنامه ۱۰۶ کومله)

بقیه از صفحه ۵ یادیکارگر...

ارتشی به منطقه "کوله ساره" حمله کردند. رفیق صادق بعد از ۲ ساعت مقاومت دلیرانه و پس از زدن ضرباتی بردشمن در حالیکه همراه ۴ رفیق هم رزمش در محاصره تعداد زیادی از نیروهای دشمن افتاده بود قهرمانانه جنگید و در میدان نبرد کلوله ای برق قلب آتشین او که یک کمونیست بود و دلش همیشه برای زحمتکشان می تپید، نشست. رفیق صادق بهمنی (جمال) بشهادت رسید و شهیدی بر کاروان شهیدای جنبش مقاومت خلق کرد افزودند گشت.

بعد از اتمام نبردنا برای عه و فرار دشمن، اهالی زحمتکش آبادی و پیشمرگسان قهرمان به محل شهادت رفیق شتافتند و پیکر خونین او را همچون پرچمی سرخ بردوش گرفته و با چشمانی پر از اشک و دلپاشی آکنده از کینه و نفرت به دشمن طبقا تیشان رهسپار آبادی کوله ساره شدند.

یادش را کرامی داشته و راه سرخ و خوسین اش را استوار تر از پیش ادا ما خواهیم داد!



بقیه از صفحه ۳۲ بنی صدر...

امپریالیستهای جهان بخوار غریبی گردیدند؟ بنی صدر صحبت از "تغییر بنیادهای اجتماعی" میکنند تا "دیگر در این کشور جایی برای مستکبر و مستضعف نباشد" چگونه میشود عوامی امپریالیستها و سرمایه داران خونخوار بود و در عین حال مخالف "مستکبر" چگونه میشود سرمایه داری را با تمام قوا حفظ کرد و در عین حال طرفدار از بین رفتن نظام طبقاتی و آشتی ناپذیر میان سرمایه داران و توده های ستمدیده؟ بنی صدر مانند حزبها عوام فریبی میکنند و همه آنها دشمنان قسم خورده خلق ما هستند. مگر بنی صدر از زمانی که به ریاست جمهوری رسید غیر از وعده و وعیدها و دیگری هم کرده است؟ چه کسی بود که به توده ها گفت با رفیقانکی وضع زحمتکشان خوب خواهد شد؟ چه کسی بود که به کارگران گفت اگر چلو غورشت نمی شوا شیبند بخورید، نان و پیپسی کولا بخورید؟ آری بنی صدر هم عوام فریبی بیش نیست و امروز کرایس چنین صحبت میکنند میخواهد حریف خود را در موضع ضعف بنیاندازد و خود در راس لیبرالها، سوار بر جنبش توده ها بشود و جنبش را با زهم به شکست بکشاند. اما این با رجشش انقلابی زیرکانه ای سنگین خود بینی صدر، لیبرالها و حزبی ها را یکجا نابود خواهد کرد.

بقیه از صفحه ۳۲ آزادی...

بلکه پس از خود عوامی امپریالیستهای ایران بسه حساب ایران و اریزخواهد شد بنا بر این فعلا هیچ چیز در دست ایران قرار نگرفته است. می بینیم که تنها مورد داعای رژیم چگونه تو خالی از آب در می آید و کوس رسوائی مرتجعین را به صدا در می آورد. نبوی که از این رسوائی کلافه شده میگوید: "بندقد هم، دیگر مثل کا سپها چرتکه نیندا زید که چقدر گرفتیم چقدر گرفتیم". (هما نجا) چرا که برای مصالح دولت مکتبی و حزبیها خوشایند نیست! آری می بینیم که رژیم کام چگونه پول و ثروت این کشور را به امپریالیسم می بخشد، ولی مسئله اساسی تر اینست تا نشان دهیم که اولاً تبلیغات رژیم دروغی بیش نیست و ثانیاً رژیم به هیچوجه نمی تواند به مبارزه ضد امپریالیستی دست بزند. رویزیونیستهای خائن اشغال سفارت را "نمونه برجسته از اقدامات فدا امپریالیستی" رژیم حاکم قلمداد کرده و میکنند، اما امروز دیگر حقایق عیان گردیده است. نه رژیم ارتجاعی حاکم و نه رویزیونیستهای شوکر صفت هیچکدام نمیتوانند این حقیقت را بپوشانند که بورژوازی حاکم بنا به ماهیت فدا انقلابی خود هرگز نمی تواند ضد امپریالیست یا دشمنای سفاکت گیری یعنی "انقلاب دوم" رژیم که امروز اینگونه خفت بار به پایان میرسد گواهد دیگری بر این مدعاست.

تمامی خواستهای ایران گردیده، اما مفاسد سازشنا مه ایران با امپریالیسم بوجی ایستادن سلیبنا را بر ملا نمود. نه تنها کمونیستها و انقلابیون عمق متعفن سازش را بر ملا کردند و نشان دادند که تنها مورد داعای رژیم مبنسی بر گرفتن ۸ میلیار ددلار نیز دروغی بیش نیستند بل حتی آنقدر آش شور بود که امپریالیسم آمریکا و لیبرالها نیز با موضع گیریهای خود به واقعیت این دروغ اعتراف نمودند. در این زمینه کارشچین استقبال از جاسوسان در "ویسبادن" آلمان گفت: "بوسیله ما، بین ۱۱ الی ۱۲ میلیار ددلاریول ایران پس از تصرف سفارت (سابق) مسدود شده بوده است و حال آنکه دیروز به ایران کمتر از سه میلیار ددلاریول خودشان را پس داده ایم" (تا کید زماست) به عبارت دیگر رژیم جمهوری اسلامی از مجموعه طلب ایران از آمریکا و دارائی های شاه که به مبلغ ۲۴ میلیار ددلار مسرد "کمتر از سه میلیار ددلار" بدست آورده است یعنی اگر چه رژیم حاکم از داعای ۲۴ میلیار ددلار بدست برداشت و فقط ۸ میلیار ددلار تقاضا نمود، اما واقعیت این بود که از این مبلغ هم فقط ۲/۷ میلیار ددلار به ایران تعلق گرفت و مابقی را شرکت های امپریالیستی که پس از سفارت گیری "متضرر" شده بودند استخوان باج بالا کشیدند. تا گفته نماند که سهم ایران هم فعلا و اریزنگشته

ترور و ربودن دانش آموزان انقلابی بدست مزدوران ارتجاع

ترور نیروهای انقلابی و عنا صرفعال، بخش مهمی از سیاستهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد. چند هفته بعد از شهادت دانش آموزان انقلابی "مژگان اسدی" بدست فالانژهای مزدور رژیم در خرم آباد، فالانژها به چند دبیرستان دخترانه حمله کرده و چند دختر دانش آموزان انقلابی را به زور با خود میبرند. و در روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱ نیز یکی از دوستان مجاهد بنام "بهارا کردستانی" هتروجوی سال چهارم هنرستان در خیابان توسط عظیم مرادی (فالانژی که در سرکوبهای خرم آباد نقش فعالی دارد) با شلیک کلوله بشهادت میرسد در جریان تشییع جنازه شهید، فالانژها به صاف دانش آموزان مبارز حمله میکنند که با شعار مرگ بر ارتجاع و "و این سندجنابت آمریکا است" پراکنده میشوند.

یادشهادت انقلابی، مژگان اسدی و بهرام کردستانی این وارثان بحق "۱۳ آبان" ها و رزمندگان دلاور جنبش دانش آموزی را با ادا مه را هشان گرامی بداریم!

یورش به خوابگاه دانشجویی و پشتیبانی توده ها از دانشجویان

روز یکشنبه ۲۹ دی با ردیگر مزدوران ارتجاع او با نشان، فالانژها، پاسداران سرما به یکی از خوابگاههای دانشجویی (ساختمان شماره ۵ خوابگاه دختران خیابان ۱۶ آذر) با برتا مسه قبلی یورش آوردند.

ابتداء دستهای از این مزدوران بالباس شخصی و در نقش حزب الهی ها وارد ساختمان شده و دروازه پشت بستند، آنان با وحشیگری به ضرب و شتم دختران دانشجویان پرداختند و از هیچ عمل کشیفی ابا نکردند و خود سرانه به تک تک آنها هجوم آوردند.

مردم به محض اطلاع از یورش این مزدوران در برابر در خوابگاه جمع میشوند و بشدت صدای اعتراضان را بلند میکنند و بزودی در خوابگاه را بزور گشودند و به کمک دختران دانشجویان فتند و در درون ساختمان بین مردم و دانشجویان انقلابی از یک سو و دستهای مزدور از سوی دیگر زد و خورد در گرفت. مردم تک تک فالانژها را بیرون میکشیدند و شروع به بدن آنها میکردند.



در برابر این حرکت مردم عده ای که هواداران مجاهدین هم در میان نشان بودند، پیشنهادی - کردند آنها را به کمیته تحویل دهیم، لیکن مردم عادی اصرار میکردند که باید خودمان حساب آنها را برسیم.

در این وقت پاسداران سر رسیدند آنها بظاهر خود را از قضا پایی خیر نشان میدادند (با سداران ستاد عملیاتی ناحیه ۶ - منطقه ۹ و منطقه ۱۰) تعدادی از مردم نا آگاه به خیال آنکه پاسداران در مقابل فالانژها خواهند ایستاد از آمدن آنان استقبال کردند، اما بزودی توهمن این دسته شکست. پاسداران به درون ساختمان رفتند و شروع به همدستی با فالانژها کردند. این سرکوب - کران مبارزات انقلابی که در این مدت خوب درس سرکوب را آموخته اند با خوشونت به بیرون کردن دانشجویان از ساختمان مشغول شدند و وقتی که مردم متوجه جریان شدند، با خشم در مقابل پاسداران به مقاومت برداشتند، توده های که به چشم خود نقش مزدوران ارتجاع را میدیدند به روی ماشینهای کمیته ریختند و با سنگ لنگد به جان ماشینها افتادند، آنها فریاد میزدند که فالانژها را باید به ما پس دهید و خودمان آنها را تشییع کنیم، اما پاسداران میکوشیدند هم - دستان خود را از چنگ مردم برهانند و فسراری دهند، بویژه مردم زنحوه برخورد ما شین پاسداران با دختران دانشجویان شکنین بودند و زنی چادری فریاد میزدند که این اسلام است من مسلمان نیستم. و مرد دیگری علیه اسام شعاری داد، پاسداران خواستند این شخص را دستگیر کنند که با مقاومت شدید مردم رو برود و ناچاراً او آزاد کردند.

در این زمان از جلسوی خوابگاه شعار مرگ بر جفا قدارا و ج گرفت. البته بیشتر هواداران مجاهدین میخواستند این شعار را بدهند و از دادن شعاری مستقیم علیه پاسداران خودداری میکردند. دم بد ما مناعترا ض وسیعتر میشد پاسداران مزورانه سعی میکردند با کندن دروغ و تهمت و افترا، توجه مردم را از خود دور کنند، آنها با جفا قدارا روی دست گرفته میگفتند این جفا قدارا

مال چینی هاست و آنان را برابره کسی که می - برسند چه خبر شده، می گفتند پیکا ریهسا را میخوایم دستگیر کنیم، لیکن این دروغگوئیها بیشتر مردم را به خشم میاورد. شعار مرگ بر جفا قدارا، حامی سرمایه دار - جوب، جمعا ق، شکنجه، دیگران شرنا رد، جمعیت را فرا گرفت. مردم از سکنی گزیدن دانشجویان در خوابگاه دفاع میکردند و میگفتند حق آنهاست که در اینجا زندگی کنند.

پاسداران دیگر قدارا نبودند به حالت معمولی در برابر مردم ایستادند و شروع به تیراندازی هوائی کردند. در این وقت ما از درون جمعیت فریاد زدیم مرگ بر ارتجاع که خیلی سریع این شعار میان توده ها رفت و همه کیر شد، البته نیروهای کمونیست میکوشیدند جلوی شعارهای انحرافی را بگیرند و توده ها از شعارهایی که مستقیماً علیه ارتجاع بسود پشتیبانی میکردند، البته فالانژها هم سعی در خیابان شعار میدادند که با واکی دیس - جنبشی امروز با... و وقتی شعار مرگ بر ارتجاع پیچید آنها شعار دادند سا واکی دیروز، پیکاری امروز!

اما چیزی که از همه جالب تر بود بر خورد مردم نسبت به اکثریتی ها بود اکثریتی ها همه جا میکوشیدند که جلوی مبارزه توده ها را بگیرند آنان از اینکه مردم علیه ارتجاع شعار میدهند سخت برآشفته و هراسان بودند، با همه نیروها اینجا و آنجا سرک میکشیدند و انشما بس میکردند که این شعار را ندهیم، و در برابر سعی میکردند شعار مرگ بر آمریکا را رواج دهند و مشخص بود که چگونه با این شعار سعی میکردند توجده مردم را از مبارزه علیه ارتجاع و امیریا لبسم معرفی کنند اما مردم با سخ دندان شکنی به اکثریتی ها می - دادند، آنها میگفتند مگر این ارتجاع نیست که دست به حمله زده است؟

ایا دی رژیم به علت آنکه نتوانستند در حمله به خوابگاه دختران دانشجویان را از پیش رو بردارند با ردیگر روز سوم بهمن خوابگاه دانشجویان را مورد حمله مجدد قرار دادند که با ردیگر با مقاومت توده ها رو برودند.

پوزش:

کزارشی داستیم از مبارزات دانش آموزان انقلابی دبیرستان "افتخاد" در ساوان (بلوچستان) بنقل از نشر بلوچ نشریه تشکیلات بلوچستان ساوان، و نیز گزارشی از مبارزات دبیرستان دخترانه ولی الله نصر (تهران). متاسفم که به خاطر کمبود جا امکان استفاده از آنها را نیافتیم. با درود به رفقای کمونیست و انقلابی در جنبش دانشجویی و دانش آموزی!

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

خاطره نبرد سیاهکل را گرامی می‌داریم

ده سال از نبرد قهرمانانه فرزندان انقلابی خلق در جنگل‌های سیاهکل میگذرد در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی از فرزندان کمونیست خلق سیاهکل به انقلاب سرخ توده‌ها جلوه‌ای از عشق و کینه طبقاتی را در برابر ارتش تابعدان مسلح شاه جلا بزمایش گذارند. از دل این نبرد انقلابی سازمان چریک‌های فدائی خلق متولد شد و با انقلابیونی چون رفقا احمدزاده، ناسبدل مفتاحی، جمید مومنی و... در بستر مبارزات خلق با گرفته و به تبلیغ قهر انقلابی در برابر قهر ضد انقلابی مزدوران امپریالیسم پرداخت. آن رفقای شهید با مرزبندی قاطع با فرمیسم، با استواریت و روبرو شدن انقلابیون جان برکف آن با استواری سرگ سرخ را پذیرا گشتند و لسی خاطره آن به مثابه جلوه‌ای از دموکراتیسم انقلابی در تاریخ مبارزات خلق ما با قسی خواهد ماند.

مبارزه خرد و ریزوینیستی رهروان انقلابی "سیاهکل"، از دستاوردهای جنبش نویسن کمونیستی بشمار میرود، دستاوردی که با طر غلبه خط مشی غیر پرولتری چه گوارا - رژی دبره بر مبارزه رفقا، نتوانست در کلیه سطوح تعمیم پیدا کند و به رندا بده‌های پرولتری در جنبش کمونیستی کمک نماید.

آن رفقای انقلابی گرچه در پرتوشمی غیر- پرولتری چریکی مبارزه میکردند اما با مرزبندی با ریزوینیسم مدرن و حزب توده ضرورت و لزوم انقلاب را تبلیغ کرده و با خط کسی قاطع بسا سازندگاری و فرمیسم به تبلیغ مبارزه قهرآمیز انقلابی می پرداختند. آن رفیقان، رهروان صادق انقلاب بودند و امروزه مرتدان ریزوینیست "اکثریت" (فدائیان) هرگز نمیتوانند خود را ادا بدهنده راه خونین آنها جا بزنند. قلب آن رفقا در راه‌های زحمتکشان می طپید، آنسان ریزوینیست‌ها را دشمنان طبقاتی توده‌های زحمتکش میشردند و با ارتجاع و امپریالیسم بمبارزه انقلابی می پرداختند، درحالیکه ایمن مرتدان خیانتکار به در یوزگی بسورژواری ارتجاعی پرداخته و از مرز مجیزگویی نوسیا ل امپریالیسم روس گردیده‌اند.

تجلیل از نبرد سیاهکل و انقلابیون جان بر کف آن مانع از آن نیست که به انحراف رفقا ارضی پرولتری اشاره کنیم آن رفقای شهید با پذیرش و تبلیغ مشی غیر پرولتری چریکی و با برخورد نامخلقی به جنبش انقلابی خلق‌های

جاوید باد یاد دکتر تقی ارانی چهره درخشان حشمت کدوآیستی

رفیق تقی ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ بدست دژخیمان رژیم استبدادی رضاشاه حلاله در سیاهکل زندان به شهادت رسید.

رفیق ارانی از جمله دانشجویان انقلابی کدپس از تحصیل در اروپا با ارتجاعی از آشکار ما رکیستی و اندیشه‌های انقلابی به ایران بازگشت و به انتشار آثار و افکار ما رکیستی همت گذاشت. دکتر ارانی در گروهی روشنفکری به فعالیت پرداخت. کد به گروه ۵۳ نفر معروف شد. در این گروه افراد مختلفی از با یکسایه طبقاتی متفاوت وجود داشتند و از ایرج اسکندری (از رهبران خائن حزب توده در حال حاضر)، عبدالصمد کامبخش، بزرگ علوی، بیزدی و... تا کمونیست‌هایی چون ارانی را در خود جای داده بود. این گروه هرگز نتوانست از چارچوب فعالیت‌های فرهنگی و انتشار فرهنگ انقلابی و ما رکیستی خارج شود و مجموعه متضادی بود که نمیتوانست بسیمت زحمتکشان و طبقه کارگر سمت گیری عملی نماید. دکتر ارانی با انتشار نشریه "دنیا" به افشای دیکتاتوری رضاخانی و نشر اندیشه‌های انقلابی پرداخت ولی انتشار آن متوقف گردید و گروه ۵۳ نفری اسرکوب دژخیمان رضاخان قلدروا جسد، و همه اعای آن دستگیر شدند. رژیم استبدادی رضاشاه جلا دنان را بیزیر شکنجه برد. در مقابل پایداری و استواری انقلابیونی چون رفیق ارانی که تا آخرین قطره خونش از آرمان‌های والای طبقه کارگر دفاع کرده بودند بزدلانی چون عبدالصمد کامبخش با رژیم همکاری کرده و از درخیا نت در آمدند.

رفیق تقی ارانی در بیدارگای رضاخانی رژیم استبدادی جا کمر آیه محاکمه کشیده و بدفاع ارتجاعی بد انقلابی خود و آرمان‌های زحمتکشان پرداخت. او بر علیه نظام محاکمه ارتجاعی و توانین آن بسیا خاست و در بیدارگای اعلام کرد: "فقط آن ثانوشی مقدس است که حافظ منافسج توده‌ها باشد." او با بیان اینکه جقدر برای یک جامعه شکنین است که طرفداری از رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات دارد، "ماهیت ارتجاعی رژیم و بسته‌ها را افشا کرد و

ایران، با نفی کارآگاهانه سیاسی در میان طبقه کارگر و ترفنی تشکل پیشا هنگ طبقه کارگر (حزب کمونیست) و قدم برداشتن در جهت ایجاد آن، طبقه کارگر را از پیشا هنگ انقلابی خود محروم ساختند و این بینش اثر منفی خود را در جنبش کارگری ما بجای گذاشت. درهمین سالگشت نبرد سیاهکل با درودهای کمونیستی به آن رفقای شهید، یاد آن نبرد پرشکوه را گرامی میداریم.



دفاع از خود را به دفاع از زحمتکشان و رنجبران تبدیل کرد و نای جان بر عقابند انقلابی اش با فشاری کرد. "حزب خائن توده" که برای کسب آبرو خون شهیدان را دستاویز مقاصد خود می‌نماید به عبث میگوید خود را ادا بدهنده راه ارانی معرفی نماید. ریزوینیست‌های خائن حزب توده با نسبت دادن مجله "دنیا" ی خود به ارانی نمیتوانند یک دنیا فاصله‌ای را که بین آن "دنیا" ی انقلابی ارانی و "دنیا" ی ارتجاعی کارگزاران نوسیا ل امپریالیسم روس وجود دارد محو نمایند. آنان شهروان راه رفیق ارانی بلکه ادا بدهندهندگان صفراء ایرج اسکندری و... و کامبخش‌های خائن هستند. این مرتجعین در تئوری و عمل با اندیشه و عمل ارانی شهید در تضاد آشتی ناپذیر بسر میبرند. برک برک آثار ارانی سخن از منافع آنی و آتی زحمتکشان میگوید و لحظه به لحظه حرف و عمل حزب خائن توده جز در دشمنی با طبقه کارگر، جز علیه کمونیست‌ها و جز بفتح ارتجاع و بسورژواری نیست این خائنین به عبث میگویند تا با انتساب حدود به اندیشه و عمل رفیق ارانی، کسب اعتباری برای خود بنمایند. توده‌ها این واقعیت را سه چشم خود می بینند که از راه‌های ارتجاعی توده‌دریائی از خون انقلابیون فاصله است.

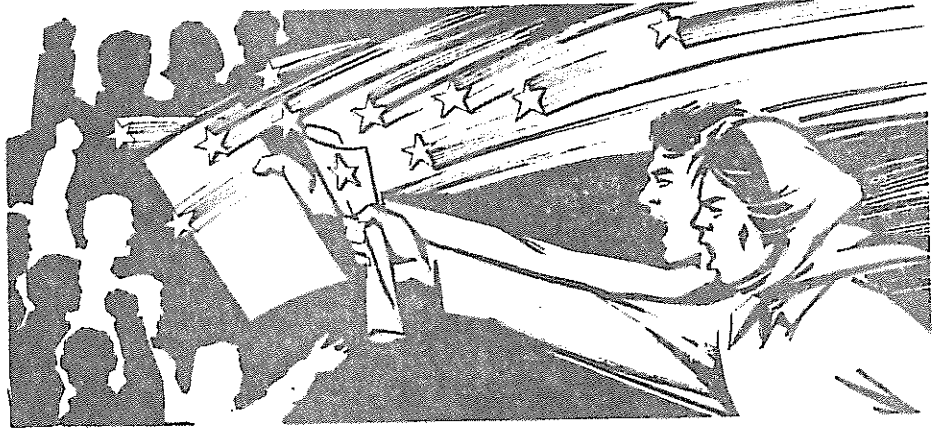
از رفیق شهید دکتر تقی ارانی آنتسار ارزنده ما رکیستی از جمله "مجموعه مساللات فلسفی" و... بیاد کارمانده است.

در چهل و یکمین سالگرد شهادت رفیق ارانی یادش را گرامی میداریم!



از انتشارات جدید سازمان

درد بزرگهای انقلاب، پیام آوران آگاهی و انقلاب



ادامه دارد... اما بیخه تنها نمی از حقیقت است .
 ارسوی دیگر: مدای کامیابی آهنگیستن
 انقلاب می آید، نسیم بر طنین انقلاب زبیدن
 گرفته است، سپیده دم انقلاب، "شب را بسختی
 نهیدید می کند و هم اینک مشعلهای روشن آکا هستی
 و ستاره های سرخ انقلاب، "شب را آنچنان
 فروزان کرده اند، که "شب بخود می لرزد، آری
 بیاران! همه کمونیستها و انقلابیون در شب تیره
 حاکمیت ارتجاع، پیام آورشقی سرخ صبح دم اند،
 دشمنی "شب با انقلابیون از همین روست یک
 اعلامیه، یک نشریه، یک بحث آکا هکرانه، مطلق
 است که دل تیره "شب را میدرد و نوید صبح
 پیروز زحمتگان را سرمی دهد "شب"، "روزیم خشن
 ناه"، "جمهوری اسلامی، و هر رژیم ارتجاعی دیگر
 انقلابیون را سخت دشمن میدارد و از بیجا نشان
 به خلق بخود می لرزد و انقلابیون را با تیرباران
 شکنجه و زندان یا سخ میگوید حرم انقلابیون این
 است: آکا ه و متشکل کردن توده ها و اعلان جنگ
 بدام میریالیسم و ارتجاع!
 ارتجاع و امیرالیسم از پاشیدن بسند
 انقلاب در میان توده ها شدت جلوگیری میکنند
 این بزرگیست؟ همان اعلامیه ها شئی است که زیر
 لباس خود مخفی میکنند و شبها هنگام مدرخانه های
 زحمتگان میافکنند، همان نشریاتی است که
 در خیابانها، در یک فرصت مناسب، علفی می -
 فروشند و در همان تعارها شئی است که بسرای
 سوسن بر دیوار دستگیر میشود، شلاق میخورد
 و زندان میکند، زمان ناه را بخاطر آوریسم:
 رفسی معصوم خانی سنها بخاطر داشتن اعلامیه در
 برکنجه کسه مسود و تشنه نیست، او نموند
 بسنگ انقلابیوستی است که بخاطر داشتن
 اعلامیه و کتاب مکنجه شدند، اتاق حسینی جلاد را

"این امر (بخش) اهدیت فوق العاده ای، هم
 برای نظراتها و هم برای قیام خواهد
 داشت، رساندن سریع و صحیح نشریات،
 اعلامیه ها و فراخوانها و غیره، اختصاص
 ترتیبی تا این کار بدون اصطکاک انجام
 گیرد و شبکه کامی از ما موران برای این
 منظور ترتیب شود، این کار یعنی انجام
 بخش اعظم کارندارکاتی برای نظرات
 آبی و برای قیام... بهیچوجه نباید
 اجازه داد که این دستکا به بخش، غیرفعال
 بماند. باید کوشید که این دستکا هتسا آن
 درجا زکا ملیت سا خند شود که بتوان در عرض
 یک ساعت تمام جمعی کارگری سنت بطور -
 سوک را با خبر ساخت و با ملاحظه بسج کرد"
 (لنین - نامه بدیک رفسی در مورد وظایف سازماندهی ما)
 از کسو: بسنگ در شبی سره سر میجریم،
 سرما بداران و طبقات مرفه بهمدستی بسا
 امیرالیسم، ساید سوم خویش را بر سر امیرالین
 بسا خسته خونین ما ن کسترا نیده اند، رنج و
 رحمت بر شانه های سترگارگان و زحمتگانشان
 بخت سنگینی میکنند، غارت و استعمار چگون
 جافی کارگان و زحمتگانشان را میگوید و
 رنجور میسازد، بساخ حق خواهی - همچنانکه
 در روم کارگان سکارا صفهان، دورود، ما هتشر
 و... دیدیم - سلیمک مسلهای آمریکا شسی
 با سداران ارتجاع را بدنیال دارد، از کیلان
 با خورستان و آذربایجان تا بلوچستان و...
 هرکا دکه زحمتگانشان بسا خاستند، در خونشان
 غلطیدند، چرا که این حکم ارتجاع و امیرالیسم
 است، خلق کرد، سرکمن، و... مدعا شهید دلاوری
 انقلاب دمکراتیک خویش منهن نثار کرده اند با رازی
 سرمایه داری و اسد و ارکانهای سرکوب مدخلیفین

بخاطر داریم، باها بی اوریسم چرکین شده، سنها
 سوخته و شلانی که با هم، قاصتتهای افراشته و
 عزیزان انقلابیون را تکم - تکه میگرد، آهنگ
 مانیفست را از کجا آورده ای، آهای این اعلامیه های
 کمونیستی را چه کسی بسودا دما هها انفرادی
 مدعا ضربه شلاق، آپولو، آویزان کردن و سب
 (۱۵-۱۸ سال و با حبس ابد) اگر برکنجه رنده سی -
 مانندی بخاطر داشتن اعلامیه یا کتب سازماندهی
 کمونیست و انقلابی، سراسر جوانع طبقاتی جنس
 است، ارا لسا لو دورتا کره جنوبی و اوزگوشماک
 و آرزو نشین تا با کستان و تا بلند و اما بسا
 چند مدعا را انقلابی و کمونیست گشته ندانند،
 بزندان افشا ده و شکنجه شده اند، آسهم بخاطر
 اعلامیه، بخاطر کاشتن بذرها ی سرخ انقلاب و
 اما هیچ افتخاری با لانرا را این کاشتن بسند
 انقلاب نیست چون نسیمی وریدن و بسدر انقلاب
 پاشانند، چون ستاره سرخی شب را شگفتی و
 نور افشانند، بسا آوریسم بلشویکیها شئی را کسه
 ایسکرا را در میان توده ها بخش میگردند،
 لادوکتسغولی ها را که بخاطر این بخشگه
 میشوند و هزاران بلشویکی که به سبیری
 میشدند، بسا آوریسم همه کمونیستها و انقلابیون
 را که در راه افشانند بذرا انقلاب در اندوسوری،
 ویتنام و... بسها دت رسیدند، بسج بخش
 اعلامیه و نشریه امری است بسا بزرگ، سرکمر
 آتا را انقلابی جهان اگر بسا ن سوده ها شروند،
 بسا هیسای روی کا غدیش نیستند، ما رکه بس
 لنینسیم، این ایدشولوزی رها شئی بسط
 کارگرا بدبا توده ها در هم آمیزد و رفسی بخش
 یکی از پلهای بزرگ ارتباط این ایدشولوزی
 رها شئی بخش و توده های میلیونی هستند،
 توده ها و بخصوص کارگان، کسترا ری هستند
 عظیم، سوک و اعلامیه ها و نشریات ما، بیاران
 بدرها شئی هستند که با بدردل این کسترا
 عظیم و عزیز پرورده شوند و آنکا ه جنگل سرسبز
 انقلاب بسر برخواهد افراشت، اعلامیه های ما و
 نشریات ما، بیاران جرعه های هستند که
 شعله های انقلاب را مشتعل میسازد، آری
 همین نشریات ما، از همین اخترها سب که خریش
 بر میخیزد، خریش انقلاب و طبقات استعمارگر
 را میسوزاند و خاکستر میکنند، آری بیاران بسا
 ویران کنند و دنیا ی کهن هستیم، بسا آنگه
 با اسلحه و با قهر، نظا میوسیده کهنه را در هم
 بشکنیم، سلاحها، همین شب ناه ها سب سلاحی
 که همیشه و همه وقت کارما هدید و دشمنان را
 وای رفیق کارگری که با وجود آنکه روبرو بسا
 - های عوامل جا سوسان کارما می بسا بدب،
 با اینهمه کارخانه را پرازا اعلامیه بسکتی و انکار
 آتش را در لانه زشور فرو کرده بسا، دشمنان
 را میلرزانی و بسکا بیوا میداری، وای رفیق
 دانش آموری که در کیف مدرسه اب، سر برده انقلابی

به استقبال جنبش او بگیرند توده ها بش تانیم

"چراغی" که به خانه رواست، به مسجد حرام است!

کیهان ۸ بهمن در صفحه اول خودتیر زده است که "وزارت امور خارجه تا یکه شکنجه کروکا نهارا قویا تکذیب کرد."

ما نمیکوشیم چراغ آنها را شکنجه نکرده‌اند، آخر موضوع بالاتر از این حرفهاست، شکنجه را کسان دیگری در رژیم‌ها با یدیبینند، تا وقتی کمونیستها و انقلابیون هستند، تا وقتی کارگران و زحمتکشان آگاه هستند، تا وقتی خلقهای بیچاره گرسنه و در ترکمن و عرب هستند، آنها را با یکه شکنجه کرد، تا وقتی جوانان رزمنده‌ای هستند که نشریات و شعراهای انقلابی را به میان توده‌ها می‌برند آنها را با یدشکنجه کرد و شلاق زد و پشت کمرا اینها را با یدازداج شلاق سیاه کرد، گلوی اینان را با یدفشرده تا خون از بینی شان بیرون زند، اینها را با ید در زندانهای تاریک و نمور انداخت، اینها را با یددشتا مه‌های وقیحا نه‌داد، برای اینان با یدصحنه‌های "رعب‌آور" اعدا م‌ترتیب داد، به‌خانه‌های اینها با یدهجوم م‌برد و موجب وحشت خانوادها شکان کردید، مادران و خواهران اینها را با ید در هوای سرد برتبه‌های ازین برد، مسالادزان مجاهدین را با یدمورد ضرب و شتم قرار داد و ساعتهای متوالی در مستراح زندان، زندانی‌ها کرد اشرمتان با داد!

آری ما هم تصدیق میکنیم که شما کوچکترین "اسائها دبی" به آمریکا شیها نکرده اید شما تنها آنها را شکنجه نکرده اید بلکه بخت خودتان در هتلهای درجه یک سکونت داده اید، میدان با ری و تفریح در اختیارشان قرار داده و فیلمهای هولیودی ریگان را محض خوش آیندشان بنمایش گذارده اید انواع "پذیرا شیها" دیگر، چون ما هیت شما بورژواشی و خدا انقلابی است دشمن شما رهیک شما کمونیستها و نیروهای بقیه در صفحه ۲۳

نوشته و بدهند، در صورتی که چنین افرادی درست گفته باشند و از تشکیلات مربوطه تحقیق شود و موردتائید قرار بگیرد با آنها تماس حاصل خواهد شد در غیر اینصورت سا زمان خودش تصمیم خواهد گرفت، طبیعتا ادا مه‌تاس شما با این فکورد ضرورتی ندا رد و فقط سعی شما این خواهد بود که گزارش وی را از یک کانال مطمئن برای سا زمان بفرستید.

رفقا! اگر هشیار اید و با دقت بدان مسائل برخورد کنید قطعا این تلاش مذبحانه ارتجاع کماکان بی شمرمانده و نابت خواهد کرد که تشکیلات کمونیستی ما آنچنان آهینین است که رخنه و نفوذ این خدا انقلابیون بی مقدار در آن میسر نبوده و آنان درس دیگری از ما خواهند گرفت.

با امید به پیروزی!

نا بودی سرما به داری و ابسته سیج کردی بس پیش در کوشش باز هم بیشتر در افشاندن بذر انقلاب! یکه رهنمود انییتی برای پیکهای انقلاب

رفقا! موارد متعددی دیده شده است که عوام میل مستقیم و غیر مستقیم رژیم‌ها کم: با سار رهسای ملبس به لباس شخصی، فالانزهای بی جیپره و مواجب، ایادی سا و اما، جاشیا و... با لباسهای عادی و قیافه‌های ظاهرفریب خود سعی کرده‌اند از طریق رفقای که نشریات سا زمان را می‌فروشند و یا رفقای که به بحث درخیا با آنها و اما کن توده‌ای می‌پردازند، خود را به تشکیلات نزدیک نموده و با اصطلاح ردهایی و نفوذ نمایند! این عمل به چند صورت ممکن است انجام بگیرد:

الف: تعقیب و شناسائی منازل و اما کسن رفت و آمد رفقا و کشف ارتباطات آنها، ب: جازدن بعنوان افراد مبارزی کسیه می‌خواهند با سا زمان تماس بگیرند و یا افراد طرفدار انقلاب،

ج: محمل سازی و طرح این مسئله که مثلا در فلان شهر با رفقای تشکیلات در ارتباط بوده‌اند و تبدیل بیش آمدن مسئله انییتی از آنجا فرار کرده و ارتباطشان قطع شده است...

بنابراین برای خنثی کردن این حیلها رسوای خدا انقلابی ضروریست که رفقای کسیه نشریات سا زمان را می‌فروشند و یا به بحث درخیا با آنها می‌پردازند به نکات زیر توجه نمایند: ۱- پس از اتمام کار (جمع کردن بساط، اتمام نشریات، پایان یافتن بحث‌ها و دور شدن از محل ثابتی که در آنجا به وظیفه انقلابی خود مشغول بوده‌اند) میبایست تصفیه نموده و از اینکه توسط عمال رژیم تعقیب نمیشوند مطمئن گردند و سپس به خانه‌ها یا اما کن مربوطه خود بازگردند.

۲- به افرادی که به اشکال مختلف سعی در نزدیک شدن خودشان به این رفقا دارند بسادگی اعتماد ننموده و سعی کنند فرد مربوطه را کاملا ارزیابی نموده و با طرح سؤالاتی تناقضاتی را که حیا نا در حرفهای آنها مشاهده میشود استخراج کنند.

در اینجا با بد توجه نمود که نمیتوان ایسن حکم را صادر کرد که تمام افرادی که به ما مراجعه میکنند ایدای خدا انقلاب هستند بلکه میبایست در نهایت هوشیاری انقلابی آنان را ارزیابی نموده و گزارش تماس خود را با رفقای دیگر خود مطرح نمایند تا در یک ارزیابی جمعی و آگاهانه به این افراد دبرخورد شود.

۳- اگر افرادی خود را وابسته به تشکیلات (مثلا در یک شهرستان) معرفی نمودند در نقسسا میبایست از آنها گزارشی بخوانند تا مشخصات خود و جمع مربوطه خود و رفقای همکلاسی اش و همچنین وظیفه‌ای که به عهده داشته‌اند و بسا تشکیلاتی که به آن تعلق داشته‌اند را در آن

چون بسبب ساعتی، ساعت مرگ سرما به را نزدیکتر میکند، رفیق زحمتکش، دانشجو... که در زندانها طعم "مدل" جمهوری اسلامی را با شلاق و شکنجه می‌چشند، اعلامیه‌ها می‌مانند، بیدارگاہی و انقلاب است و چنین است که رفقای بیگانه کرد لا و مسعود صالخی طلب نجما لدینی و رفیقی حمیدرضا خاتمی و محاهد عباس معانی و... فقط بجرم فروش نشریه و بخش اعلامیه ترور می‌شوند با زهم غریب و زجوهاشی که با پای عضدی و سولی گذاشته‌اند، یعنی سالی لاجوردیها و کجوفیها و ما تا الله تعالی بهیسا و خلق لبینهای جلاد، شکنجه کنان فریاد می‌زنند، آهای این بیگانه را، این رزمندگان، این انقلاب این راه کارگر، این کاراقلیت و این محاهدرا از کجا آورده‌ای؟ اما نه ترور، نه شکنجه و نه زندان باهای شما راست نخواهد کرد و با زهم زحمتکشان بی‌مخگاه، هتگاهی که می‌خواهند بسوی کار بیرونند، بر رسته‌های در، تراکتها و اعلامیه‌ها را خواهند یافت و با زهم کارگران در کارخانه‌های خود، ری دیوار، بیبا نیها و اعلامیه‌ها را خواهند خورند و با زهم دیوارهای پر از شمارا توده‌ها خواهد شد و دیدید و زحمتکشان درخیا با آنها، با جوانان انقلابی مواجه میشوند که با فریاد میگویند، بیگانه رزمندگان، مجاهد و... و با در موقعیتهای نامناسب جوانی را خواهد دید که آهسته می‌گوید بیگانه نمی‌خواهد شما ره... و با زهم زنداننها بر خواهد بود از انقلابیوتی که با خود بذر انقلاب به همراه داشته‌اند، انقلابیوتی که گاه با فریب دادن با زجوهاشی احمقان از جنگشان کربخته‌اند و کما دلورا آنها را بدلولویشان دفاع کرده‌اند و اندولی در هر صورت چه بنا به شرایط مشخص خود را غرضی غیر سیاسی خوانده که "بسته اعلامیه" را در گوشه خیا با یافته است و چه در شرایطی خاص از ارمان زحمتکشان قهرمانان دفاع کس کرده باشند در هر صورت هرگز هیچ رازی را بدشمنان نگفته‌اند هرگز رازی را به دشمنان نشان نداده‌اند، شکنجه شده‌اند، اما دژخیسان رتبا فته‌اند که اعلامیه‌ها را چکسی به آنها نهدا داده است و با زهم شکنجه دیدگان باللبیسه اسرار نگه‌دارند بر شکنجه و زندان پیروز میشوند و با حاکم ارتجاعی و زندان و حبسهای طولی - المدت آن پیوز خندخواهند زد.

یاران! اکنون در هنگام اعتلا جنبش در هتگاهی که توده‌ها بیش از پیش سیاسی شده و می‌خواهند مسائل انقلاب را حل کنند، نقش بیگانه‌های انقلاب بسیار وسیع تر بر جسته گردیده است. کوشش بیشتر بیگانه‌های انقلاب، فریبی است نیز که بر دشمن طبقاتی کشتزار توده‌هایی بسبب آمده بذر انقلاب است، اگر ما کونا هی کنیم، دشمن برای مدتی دیگر در آن خن و خا نخواهد سروراند، با غرضی بلشویک و اروپا کوششی بسش ارتیش در بخش شرکت کنیم و فرا موش نکنیم که بخش خودتداری است عظیم برای قیام بدون شرکت فعال ما در بخش نشریات انقلابی در میان توده‌ها، نمی‌توان توده‌ها را در جهت

دوسیاست رویزیونیستها در قبال مجاهدین: دریوزگی - چایلو سی و کینه تیزی

(۲)

چایلو سی ولجن پراکنی رویزیونیستها علیه به مجاهدین

رویزیونیستهای توده‌ای با چایلو سی تمام در گفتگوشی "دوستانه" با مجاهدین سخن خویش را آغاز کرده اند و گفته اند که هنوز برای ایشان این "فرض" وجود دارد که مجاهدین خدا مهربا نیست هستند و آنها را "دوستان ... " خطاب کرده و تاریخ را به دروغ به گواهی میکنند که این جریان فکری را از ابتدا مثبت ارزیابی کرده و همواره از آن حمایت کرده اند و پس از معذاری مدیحه سرائی چایلو سی، مواضع انقلابی مجاهدین را مورد حمله قرار میدهند و مدعی می‌باشند که مجاهدین را و بیسی و "خلق مسلمانی ها" و "کلاً سرمایه داران و بزرگ مالکان و ... بدلیل مخالفت مجاهدین با رژیم بویژه جناح حزب جمهوری، برای مجاهدین کف زده و هورا می‌کشند! (نقل به معنی از "مردم" بهمن ۵۹ شماره ۲۲۵) و معتقد است که برخورد مجاهدین با فدا نقشاب تغییر یافته است. کنی؟ گنجا؟ و چگونه؟ مملووم نیست و اصلاً مهم نیست! چه اگر برای انبساط حکمی با به خود نمیتوانند از نشریات ما هستند سندی بیا ورد چه با که از کینه گشا دشمنی و دروغ پردازی خود که میتواند چنین نسبتی را به مجاهدین بدهد که گویا آنها مستعدند "بگشای بزرگ مالکان، که در جهت برانداختن نظام جمهوری اسلامی هستند نیرومند و قدر قدرت باقی بمانند! بگذار بتوانند هر چه بیشتر این نظام را تضعیف کنند" رویزیونیستها سپس مدعی می‌گردد که مجاهدین با تغییر سیاست خود در قبال رژیم خمینی سیاسی را دنبال میکنند که آمریکا توسط برزیل در ایران دنبال میکنند و آن سرنگونی رژیم خمینی و حمایت از گروه‌های مخالف است! و سپس نظرات مجاهدین را به زعم خودشان چنین فرموله میکنند: رژیم کمونیستی شما بنده خرده بورژوازی سنتی روسی است، که تاریخ آنرا محکوم کرده است "در نتیجه در نظر این انقلابیون، هر نیرویی که در جهت برانداختن این رژیم، یعنی در جهت تسریع حکم تریس" با شماست با لقمه دارای محتوای "مترقی" است و با یاد از آن پشتیبانی کرد! در نتیجه، شوطه های امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب پرورده اش و لیبرال ها و ما شویست ها سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، برای درهم شکستن این رژیم "وابدگرای محکوم" در نظر مجاهدین خلسق

بالقوه "مترقی" است پس با یدبا هر نیرویی که آماده سراندازی این "رژیم" وابستگرای محکوم باشد همکاری کرد! (همانجا)

رویزیونیستها ارزیابی مجاهدین را از ضعف دوستان و دشمنان انقلاب، همان "ارزیا بیسی کینه تیزی در دشمنان انقلاب و رادیکالیستها را" میخواهند و در سرتاسر این "مقاله" تکیه میکنند که دوستان انقلاب در چشمه متحد انقلاب از دیدگاه مجاهدین و اکی ها، لیبرالها، سرمایه داران غارتگر و ... را در سر میگیرند! و وقتی که مدعی می‌گردد که "سازمان مجاهدین خلق ایران از روند تضعیف رژیم خاک گزونی به وسیله لیبرالها و آمریکا و هر نیروی دیگر استقبال میکنند" (همانجا) و پس از اینهمه افترا، ولجن پراکنی را راندا نیز موعظی، و قیحا نادعا میکنند: "ما نظریه شیوه همیشگی ما است، ما قباله به - مثل نخواهیم کرد، زیرا استیاری به فدا شیمی و جهت زنی، آنهم تنگنار و اما ولجن پراکنی های ساواک، رادیکالیستها و بیسی، کارگزاران است که در بحث سیاسی و در موعظ شعف و غیر ... قابل دفاع قرار میگیرند و غلبه مکتب پذیرد و نظرات منطقی را ندارند" (همانجا) پس برای مجاهدین کرگری میخواهند که "آیا شما شایسته آنرا دارید که بدون توسل به ناسزا و توهین و آنها که ما به اندازه کافی از فدا انقلاب هر روز در یافت میکنیم، پاسخ این پرسش ساده و روشن را بدهید؟" (همانجا) و با بیانی در غضب از پاسخ به "فحش نامه" معروف مجاهدین! خودداری می کنند!

طبعاً پاسخ همه جا شبهه بد این لجن پراکنیها که توسط حزب خائن توده صورت گرفته است، باید توسط خود مجاهدین صورت گیرد لیکن برای از نقطه نظریک سازمان مارکسیستی، دانشمندی سیاستها و شیوه برخورد بورژوازی رویزیونیستها یک وظیفه تاریخی است.

شیوه برخورد رویزیونیستها با کیا ولجیستی است

در ابتدا گفتیم که شیوه برخورد رویزیونیستها با کیا ولجیستی است، به همین معنی که برای آنان هدف وسیله را توجیه میکند، آنان بنا بر ما هیئت بورژوازی خود، از سکا گرفتار هر وسیله ای اعم از دروغ پردازی، شارا راندا نیم، فحاشی، ولجن پراکنی و حتی جاسوسی برای رسیدن به هدفشان استفاده میکنند. آنان نه تنها این شیوه را

در مقابل کمونیستها در پیش میگیرند، بلکه در مقابل انقلابیون دیگر نیز چنین برخوردی دارند و سروری کوتاه برتا ریخته شارا راندا نیم سیاسی حزب خائن توده میتواند، به خوبی محبت نظرات ما را نشان دهد.

حزب توده بنا بر شارا راندا نیم، فریبکاری و دغلیکاری خود مدعی است که از آغاز "حزب طراز - نوین طبقه کارگر" بوده است و در حالیکه گذشته از آنکه یکجمله از موسسین حزب را فنودال زاده ها و جاسوسی نظیر: ایرج اسکندری، شاهزاده قاجار، دکتر احمدش و احسان الله خان طبری از فنودال زادگان بنام، معظف فاتیح جاسوس انگلستان و رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس مظهر - چپاول خلق تشکیل میدادند، خود حزب مریخا اعلام بیداشت، نسبت کمونیستی به حزب توده ایران نسبتی که دسته "سیدضیا" میگویند و ما وارد سازند و بدان وسیله سعی دارند که سرمایه داران و تجار اسرانی را از ما بترسانند، نسبتی است غلط و دور از حقیقت. حزب توده ایران حزبی است مشروطه خواه و طرفدار قانون اساسی " (ر شماره ۲۸۵ سال ۱۳۲۳).

آری حزبی که هدف خود را "مافی هیچ طبقه اجتماعی" نمیداند و اعلام میدارد که "حزب توده ایران، برای سرمایه دار و مالک از دنیا دستور و احادی و جان را فدا می کند" (جزوه - صرف حسابی ما چیست) خود را حزب طبقه کارگر میخواهد و مدعی است که از زمان ابتدا برچم نظرون مل را در ایران برافراشته است. (۱)

حزبی که مضمون فعالیت خود را "اجرای آن مقرراتی" میداند که قانون اساسی ما تاکنون پنج شامه اجرا و حفظ آن سرگندیده نگرداند (دنیای - دوره دوم - سال دوازدهم - شماره ۲۱۵) (یعنی مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه، احمد شاه و محمد رضا شاه) حزبی که میگوید "درگدا مدها دگا تا بهت شده است که مرا مورویسه حزب توده ایران با مقررات قانونی ۳۱۵ انطباق دارد، یعنی به اصطلاح قانون ۳۱۵) مرا مورویسه اش اشتراکی است یا مدلسلطنت مشروطه ایران؟" (مردم پیریا ۶۹) حزبی که شارا راندا نیمه سرمایه داران اصطلاح طلبان خوانده و شما سرنگونی رژیم خود را چپ روانه خوانده (دنیای - شماره ۵۴) حزبی که خواهان آن است که جناح سالمتر و واقع بین تر هیئت حاکمه زمان ما موروا بدست گیرد "در عین حال از اقدامات ترقیخواهانها بیکه بمنظور از بین بردن مناسبیت فنودالی (توسط شاه) و ... میباشد بیشتر میانی میکند (مردم شماره ۶۹) - پیا پی ایرج اسکندری ... و سزدیکی شاه به شوروی را بنفع ایران میخواهند! حزبی که خواهان تبدیل سلطنت استبدادی به سلطنت مشروطه میشود و سرنگونی رژیم استبدادی را با حفظ رژیم

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

سلطنتی شاه ممکن میشمارد (بسوی حزب شماره ۱۱) و بدنبال جلب متحدینی در هیئت حاکمه یعنی جناح "دورا ندیش و سالمتز" میگردد (دنیا شماره ۷ سال ۵۴) و دهها فرصت طلبی و عوام فریبی و شاید دیگر، امروزه بکلی منکراً آنها شده و چنین واقعیتی را اراجیف رادیو بختیا روسا واک و سیا میخوانند! این فرصت طلبان خائن، شارلا - تا نیسم را نه تنها در آستانه نیوسی درگاه روزیم خائن شاه بکار می بردند ولی امروز نفی میکنند بلکه برخورد فدا نقلایی شان نسبت به جنبش خلق را نیز منکر میشوند! آن که قیام تبریز را تحریک مثنی "ما چرا جو" "خرباکر" "ما شوئیست" و "سا واک" قلمداد نمودند! آن که دیروز جنبش سال ۴۲ را کارگزار محافل سیا و فئودالی "و ارتجاعی (منظور خمینی است) خواندند، آن که کدیروز مسازات انقلابی مجا هدین و فدا مبارز را وارونه جلوه داده و اظهار میداشتند "چه بسا گردانندگان روزیم و به اصطلاح مقامات امنیتی، خود در تحریک خشم جوانان دست دارند" (گفتارهای رادیو - ی - فروردین ۵۵) و مبارزات مجا هدین را ترقه بازی و آتش افروزی" که آتب به آتیسباب تروریسم عصبی" میریخت قلمداد کرده و معتقد بودند که مجا هدین مذهبی سرشان در "توبیر" تروریسم بود. (بسوی حزب شماره ۱۱)

آری امروزه مدعی میگرددند که از همان ابتدا از مجا هدین پشتیبانی میکردند! و خمینی را که اکنون فدا نقلایی گشته است، رهبر جبهه متحد خلق خود میخوانند! اینان که تا دیروز از لیبرالهای خائنی چون سنجایی و بازگان و ... میگردند که رهبری جبهه متحد ملی را بدست نیرند، امروزه که هژمونی قدرت در دست حزب جمهوری است، فرصت طلبانه از زاویه تا میسین صاف سوسیال امپریالیسم، لیبرالها را جاده صاف کن امپریالیسم آمریکا میخوانند در حالیکه تا دیروز هر کسی که جبهه ملی و بازگان و امثالهم را لیبرال خائن میخواند، آنرا تراشید و رویش شست" میخوانند و معتقد بودند جبهه ملی نماینده بورژوازی ملی ایران است و لیبرالها را جناحی از حکومت شاهمانندستنی! حمدها و ... تشکیل میدهند (بسوی حزب شماره ۱۱)

حزب توده: "هر که مخالفی رژیم است در خط آمریکاست"

امروزه رویزیونیستها که بدرگاه حاکمیت اسلامی "چشم دوخته اند و آن بی دروغ حمایت میکنند، هر نوع مخالفتی با حاکمیت (بویسزه جناح حزبها را ناشی از پیشرفت خط آمریکاست) میدادند، اینان میگویند: فئودالها و سرمایه - داران بزرگ برای مجا هدین هورا میکنند و کمونیست ها هم، خط آمریکا هستند! زیرا هم آمریکا و هم، بین نیروها هر دو مخالف جمهوری اسلامی هستند!

بر اساس این استدلال شاید تا کنون یکگفت سوسیالیسم و امپریالیسم با یکدیگر فرقی ندارند

چه در جنگ جهانی دوم هم امپریالیستهای خون - خوار آمریکا و فرانسه ... با فاشیسم هیتلری مخالف بودند هم شوروی سوسیالیستی پس ایندو در عمل هیچ فرقی با یکدیگر ندارند! بی شک ذکر چنین منالی خنده و راست، آخر مگر میشود اهدافی را که شوروی سوسیالیستی در جنگ با فاشیسم هیتلری دنبال مینمود با اهداف امپریالیستهای فرانسه و آمریکا و ... یکسان قلمداد کرد؟! آنها یک ذهن علیل و شارلاتان میتوانند چنین تحریفی را بنمایند. در مسورد ایران نیز مسئله روشن است. هم در رودسته بختیار برای تامین منافع فدا نقلایی امپریالیسم آمریکا بر علیه حاکمیت و بویسزه جناح حزب فدا لیت میگردند و هم نیروهای انقلابی بسرا تا مین انقلاب، بنا بودی سلطه امپریالیسم و کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته، بسا حکومت فدا نقلایی کنونی که منافع و دستاورد انقلاب ایران است مبارزه میکنند بر خلاف ترهات رویزیونیستها، با رودسته اولی برای تامین منافع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و دست دوم برای نابود کردن آن به مبارزه علیه جمهوری اسلامی بی میخیزند. در رودسته رویزیونیستها نیز علیرغم هر گونه شعار که بر علیه امپریالیسم بدهند، از آنجا که با دفاع از حاکمیت کنونی، به دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته ایران، این پایگاه اصلی امپریالیسم برخاسته اند، بنا بر این جزو بهترین حامیان امپریالیستها هستند.

رویزیونیستها برای توجیه مواضع فساد - انقلابی خود، نه تنها فرصت طلبانه میکوشند اهداف نیروهای انقلابی و کمونیست را با اهداف امپریالیسم آمریکا یکسان جلوه دهند بلکه در این راه زهیج دروغ پردازی خود را میسوزند و قیاحه مدعی میگرددند که مجا هدین از روند تضعیف حاکمیت کنونی بوسیله لیبرالها و آمریکا پشتیبانی میکنند و بدتر از آن هر سر نیروی را که مخالف رژیم کنونی باشد مترقی میدانند!

بر اساسی چهره کریه شارلاتان نیسم و دروغ - پردازی چگونه میتوانند در لابلای این اراجیسف پنهان بمانند؟ چه مجا هدین چه کمونیست ها در کجا گفته اند، هر نیروی که فدا این رژیم باشد مترقی است؟! این تنها از مغز علی - لیلی رویزیونیستها بر میخیزد که همه جریانهای سیاسی را صرف نظر از ماهیت طبقاتی، اهدافشان و ... تنها با ملاک مخالفت با رژیم حاکم می سنجند. اینان در لجن پراکنی خود و دروغ پردازی هیج - گونه شرم و حیاشی نمی شناسند، شاخه ارتریس - دروغها را نیز برای توجیه مواضع فدا نقلایی خود بکار میبرند و از اینرو است که در نقد بسه - اصطلاح نظرات ما پیرامون جنگ کنونی و قیاحه میگویند "هدف آن (منظور پیکار است) وابسته و متجا وزنشان دادن ایران و مستقل و ملحدوست معرفی کردن رژیم جنا پیکار رسد ام است"

رویزیونیستها نمیتوانند بدون تحریف دروغ پردازی و بکار گرفتن شبهه های ساده دانه و ماکیا ولیستی، مواضع نیروهای انقلابی را مورد نقد قرار دهند. و بجز این همتا، بنا به نظر داشت. رویزیونیستها شی نظیر حزب خائن توده می و سیاست بورژوازی داران را از اینرو مستند البته در شیوه برخورد نیز، به شیوه های بورژوازی و ماکیا ولیستی متوسل میشوند. فرهنگ گنبدیده بورژوازی به آنان حکم میکند بسرا رسیدن به هدف از هر وسیله، از دروغ پردازی و جعل و تحریف نظرات گرفته تا ... استفا ده کنند.

رویزیونیستها "اکثریت" چه می گویند؟

اکثریتی ها که برادر خوانده حزب توده و رویزیونیست نوپا محسوب میگردند، با تقلید و فراگیری درسیای رویزیونیسم از حزب خائن توده موبه موهمان لاطا ثلاث را در مورد مجا هدین تکرار میکنند. اینان برای عقب نماندن از برادر بزرگشان بازم در نامه پراکنی مجدد بسه مجا هدین ضمن چاپلوسی های گوناگون که بسا شید کلمات "مومن" را بکار میبریم، بسا شید گفتگوی منطقی" بر اساس "اعتقاد مشترکمان" که هدف ارتقا آگاهی فدا امپریالیستی "را دنبال میکنند اما مه دهیم و ... از "با وردا شدن به ضد امپریالیست بودن" مجا هدین سخن میگویند (کا رویزیونیستی ۹۳) و گله و شکایت که چرا ما راجز" جبهه متحد را تاج گذاشتید! سپس مدعی میشوند که امپریالیسم آمریکا در استرا - تژی خود "هدف مقدم را سقوط "خط امام" از قدرت و روی کار آوردن لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم قرار داده است" و مجا هدین نیز با افشای خط امام همان کار را میکنند. (هما تاجا) سپس مجدداً "لولو خر خرد" حمله امپریالیسم و ... را علم کرده است که بنا بر آن مجا هدین با بدهدوش با رژیم حاکم به مذا بسه با توطئه امپریالیسم برخزند.

رویزیونیستها از عمیق سرمایه داران امپریالیستی پس از گذشت دو سال بدیرکت تلاش های جناحی از رژیم جمهوری اسلامی، افشا شدند لیبرالها و شناخت امپریالیسم توسط مسردم مهنمان سخن میگویند. (نقل به معنی از کار رویزیونیستی ۹۴)

رویزیونیستها اکثریت به موضع گیری با لحن بدست کنونی مجا هدین درقبال سفارت را که گفته اند کورگانگیری ما نوری برای بدر کردن حریف از صحنه و کوبیدن نیروهای واقعی فدا امپریالیست صورت گرفته است، اشاره کرده و قیاحه میگویند: این همان مواضع میسزان بنویس ها و لیبرالهای دوا تشه است! (نقل بسه معنی از همانجا) و شیاً دا نه میکوشند و نمودار کنند که منظور مجا هدین از نیروهای واقعا ضد امپریالیست لیبرالها هستند. سپس با دروغ - پردازی و وقاحتی که از برادر بزرگشان فسرا گرفته اند، میگویند که مجا هدین با موضع گیری

علیه خط اما مبعنوان خط ارتجاع، بسسرای
امپریالیسم نقش پیشتر ازین نیروی مبارزه
فدا امپریالیستی قائل میشوند! (نقل بمعنی
از همانجا).

در قسمت های قبیل تبلیغات دروغیسن
رویزونیستها را مبنی بر اینکه هرکس مخالف
رژیم جمهوری اسلامی باشد، عملا همدست آمریکا
است، نشان دادیم، اکنون باید دید اشتقات
رویزونیستها به ما هدین از چه زاویه ای صورت
میگیرد.

مبارزه علیه ارتجاع داخلی جدا نیست

رویزونیستها همواره مبارزه واقعی بر
علیه امپریالیسم که لاجرم با مبارزه علیه ارتجاع
داخلی گره میخورد را از یکدیگر جدا نمیکند،
آنان این مسئله را که با یکا اصلی امپریالیسم
در یک کشور تحت سلطه ما ننند ایران، مناسبات
سرمایه داری وابسته و با شین دولتی آن است
را به فراموشی میسپارند، و بر این اساس مبارزه
دمکراتیک را از مبارزه فدا امپریالیستی نیز
جدا میسازند.

از نظر ما رکیبیتها مسئله روشن است. یک
مبارزه انقلابی فدا امپریالیستی تنها بسا
اقدامات انقلابی دمکراتیک صورت میگیرد،
نمی توان توده های دمکرات و فدا امپریالیست
را سرکوب نمود و فدا امپریالیست بود، نمیتوان
با انقلابی ترین نهادهای دمکراتیک ما ننند
شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سربازان
و خلقهای تحت ستم دشمنی نمود و در عین حال فد
امپریالیست بود، نمیتوان حقوق ملیتهای
تحت ستم را زیر پا گذاشت آنان را سرکوب نمود
از مصادره راضی زمینداران توسط دهقانان
جلوگیری کرد و صدای آنان را خفه کرد و در عین
حال فدا امپریالیست بود و با لخره نمیتوان در
عرصه سیاسی و اقتصادی تمامی سیاستهای فسد
انقلابی و ضد دمکراتیک را در پیش گرفت و بسا
فدا امپریالیست بود، رژیم خاکم ما شین دولتی
پاسدای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است
"خط امام" نیز خطی است در بطن خاکمیت کنونی
و جزئی از آن و از اینرو خطی فدا انقلابی است.

رویزونیستها مبارزه فدا امپریالیستی را
بدون مبارزه علیه ما شین دولتی خاکم که بسر
مناسبات سرمایه داری وابسته استوار است ممکن
میدانند. برای آنها مهم این است که رژیم خاکم
یا جناحی از آن فی المثل با امپریالیسم
آمریکا مخالفتهای دانشنا شده است از آن اختلاف
و لوانکه فدا انقلابی باشد، حمایت کنند.

مینمود، اینان حتی خواهان در دست گرفتن
رهبری مبارزه فدا امپریالیستی توسط بازرگان
و سنجایی... بودند، و امروز نیز همچنان نفس
اختلاف حزب جمهوری و خرده بورژوازی مرفه سنتی
با آمریکا برای اینان ملاک حمایت است.
رویزونیستها برخلاف ما رکیبیتها، ملاک حمایت
یا عدم حمایت از حکومت را نه برخورد دولت به
پرولتاریا، توده های ستمدیده و کلا انقلاب،
بلکه دوری یا نزدیکی به امپریالیسم آمریکسا
در نظر میگیرند. از نظر رویزونیستها ی خروشچی
هر حرکتی که در جهت دور شدن رژیم جمهوری اسلامی
از امپریالیسم آمریکا و نزدیک گشتن به سوسیال
امپریالیسم شوروی باشد، مترقی است! علت
حملات رویزونیستها ی توده ای و اکثریتی
بر علیه لیبرالها را نیز باید در همین امر جستجو
کرد. چه رویزونیستها از آنجا که می بینند
لیبرالها نزدیکی بیشتری به امپریالیسم
آمریکا دارند، خواهان افشای آن هستند تا بر
خودشان خط اما مرا از امپریالیستها دور ساخته
و به "اردوی سوسیالیسم" رهنمون سازند. از
اینرو آنان از زاویه ای فدا انقلابی و بسسرای
کشانیدن جناحی از رژیم که دارای برخسبی
اختلافات با امپریالیسم آمریکا است، بسسروی
سوسیال امپریالیسم و طی راه رشد غیر سرمایه -

داری | خواهان افشای لیبرالها هستند، در -
حالی که کمونیستها از زاویه منافع طبقه کارگر
و انقلاب لیبرالهای فدا انقلابی را در کنار
تصامی جناحی های توده ها که افشا میکنند و آنها
را هدف مبارزه انقلابی خود قرار میدهند.

اگر رویزونیستها به گرایش لیبرالیسمی
مجا هدین حمله میکنند، برای جذب آنان بسسروی
جناحی دیگر از فدا انقلاب خاکم را مبارزه فدا
امپریالیستی دورغین از طریق طی راه رشد غیر
سرمایه داری هستند!

اینان مخالفتهای ویا حتی شوطه امپریالیسم
را بر علیه این رژیم به نه ای ساخته اند و بسا
موضع فدا انقلابی خود را در حمایت از آن پویشاند
و بر این مسئله اصلی پرده ها ترمیم میکنند که اگر
امپریالیسم مخالفتهای نیز با جناحی از هیات
حاکم فدا ارد، به بدلیل فدا امپریالیست بسسودن
حکومت با جناحی از آن، بلکه بدلیل عدم توانایی
لازمه این حکومت در سرکوب جنبش انقلابی و عدم
توانایی لازم در بازسازی سرمایه داری وابسته
است، از اینرو است که امپریالیسم آمریکا با این
رژیم اختلافی دارد و برای آن رژیم کامسلا
مطلوبی نیست.

امپریالیسم برای سرکوبی جنبش انقلابی خلق
ایران بهر طریق که بتواند عمل میکند، هدین -
لحاظ از رژیم جمهوری اسلامی در مقابل جنبشی
خلق حمایت میکنند و برای تا مین بیشتر توانایی
از لیبرالها در مقابل جناح حزب حمایت میکنند
و نه ای تا، ایده آل خود را در جایگزینی حکومتی
کارگزار ریحای حکومت نمایی میکنند که مدالیتسه
امروزه با توجه به رشد جنبش انقلابی ایران،
هوشیاری شده ها در مقابل امپریالیسم و

وضعیت بین المللی، امپریالیسم آمریکا قادر به
چنین حرکتی نیست و خط اصلی اش تقویت
لیبرالها و مجبور نمودن جناح دیگر به سازش بسا
خود میباشد، اما در صورت هدف امپریالیسم
آمریکا از هر کدام از آنها کتیکها می که در پیش
گیرد، مقابلها جنبش انقلابی خلق است، چنین
است که برای تا مین این مقصود، حتی رژیم
ارتجاعی وابسته ترکیه را سرنگین نموده و
حکومت ژنرالها را برقرار می نماید، بدین لحاظ
از نظر کمونیستها و انقلابیون، مقابلها توطئه
- های امپریالیسم بر علیه خلقهای ایران بسا
مبارزه علیه رژیم و در شرایط معین سرنگونی آن
میسراست، نه شش سرزدن بزرگ پرچم دروغیسن
جناحی از هیات حاکمه، تنها با اتکاء به بسیج
مستقلانه خلق بر علیه توطئه های امپریالیسم
و تمهیک مبارزات فدا ارتجاعی - فدا امپریالیستی
خلقهای ایران است که میتوان همچنان در راه
انقلاب به پیش رفت.

مهمترین انحراف مجاهدین: ممانعت بالیه

این امر که رویزونیستها ی خروشچی
میگوشند ما هدین را بزرگ پرچم جناحی از فدا
انقلاب بکشند تا از کدام مساله است و موضع ما
در مقابل ما هدین چیست؟

همانطور که قبلا نیز گفتیم انحراف دوستان
مجا هدین مورد ابتکاه شوروی هنوز هم سوسیالیستی
است آن زمینهای است که رویزونیستها بسا
خروشچی را بر آن میدارد که برای ما هدین بسسین
دانه ها شیده و بگوشند آنها را نیز همراه و همپا بسا
"خط امام" به راه "رشد غیر سرمایه داری" گسه
راهی جز راه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم
شوروی نیست، بکشاند، رویزونیستها بسسرای
تقویت و مستحکم کردن جبهه متحد ارتجاع خویش
که البته ویژگی اش با سنگگیری بسسوی شوروی
مشخص میشود، به لحاظ تنزل مجاهدین در این
مورد و همچنین نقش مهمی که در عرصه مبارزه
دمکراتیک ایفا میکنند، حساب می نماید.
اینرو دوستان مجاهدین باید بگوشند تا بسسنا
ارتقاء مواضع خود و قاطعتر نمودن روزبندیها -
یتان در مقابل شوروی امپریالیستی، آنان را
"نا امید" گردانید و نه فقط این، بلکه مهمتر از
آن و در درجه اول، روزبندی خود را در مقابل
قدرت سیاسی خاکم، مستحکم نماید، چه موفقگیری
قاطع شما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیز بسسز
بتدریج آنان را دلسرد و خوار کند، چنانکه گسه
می بینیم حزب خاشن توده، حملاتش را بر علیه
شما افزوده است و ما از شما تقاضا میکنند که گسه
مبارزه با هیات حاکمه را بکناری گذاشته و بزرگ
پرچم جناح حزب جمهوری و "خط امام" گرد آید.
اما مهمترین انحراف که رویزونیستها
میتوانند با تکیه بر آن، به ما هدین فدا بسسنا
حمله نمایند، عدم روزبندی قاطع ما هدین بسا
لیبرالها است، سرتا سر نوشت رویزونیستها ی
فدائی و "حزب توده" مسلوا ز "بل گری" از این
بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱ و رهنمودها

دارند و با یستی چنین روزی را گرامی بدارند کذب آرمائیه‌های انقلابی خلقهای مادریام ۲۲ بهمن وفادار بوده و همچنان پیگیرانه آنسرا دشمنان میکنند، آنها با یدکوشش فریبکارانهای را که رژیم جمهوری اسلامی بمناسبت سالروز قیام مخرج میدهد در وسیعترین شکل ممکن افشا نموده و چهره کثیف آنها برای توده‌های زحمتکشی که تا کنون بدلیل ناآگاهی نتوانسته‌اند بشناسند، افشاء نمایند. با یدبه توده‌ها نشان داد رژیم که در عرض این دو سال، قدم به قدم با جای پای رژیم شاه گذاشته است، رژیمی که مسائلات مستغرا نه و مردمی سرمایه داری و بسته را حفظ و احیا نموده است، رژیمی که سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در مقابل بیورش طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش حمایت کرده است، رژیمی که تنها در خلال این دو سال هزاران تن از زحمتکشان و انقلابیون ما را در کاتان، ترکمن صحرا، انزلی، درود، اندیشک و... بخاک و خون کشیده است، رژیمی که تنها همین مدت کوتاه تن از انقلابیون و کمونیستها بکشتن را که پیگیرترین مبارزان در دوره خفیان و دیکتاتوری شاه و پس از آن بودند، به بند کشیده، شکنجه و اعدام کرده است، رژیمی که هزاران تن از توده‌های زحمتکش ما را بگوشه دم توب سرمایه داری در جنگ ایران و عراق تبدیل نموده است... آری چنین رژیمی حکومتی نیست که وارث قیام مردمی و پرشکوه ۲۲ بهمن باشد و همین دلیل با یدفریبکاری و شاید او را وسیع افشاء نمود، به این ترتیب کمونیستها با حرکت از این درک که این قیام فقط بهمت و با تک قدرت و فداکاری عظیم طبقه کارگر، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران تحقق یافته و از همین رو تا یستی بزرگداشت و گرامی داشت این روز را فقط طبقه کارگر، نه توده‌های تحت ستم، انقلابیون و کمونیستها ندارند، با یدبه استقبال آن رفته و سالگسرد آنرا وسیله‌ای برای افشای گسترده رژیم سرمایه داری و ریزش کمونیستهای خاشاک بنامید، در راه با درک فوق رهنمودهای ما طبقه کارگر و رنجین است:

۱- کلیه رفقای که در راه با سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار (س.د.د.ب) و با در طبقه سمی آنها و هواداران سازمان قرار دارند، با ید وظیفه شما رژیومی بر روی دیوار، بزرگ نویسی یا تکتیر و پخش و فروش نشریات و اعلامیه‌های سازمان را در شما می نقاط فعالانه بر عهده گرفته و در مقامی با گذشته آنرا گسترش و بهبود بخشند.

۲- تبلیغ و توضیح ایده‌های سازمان در میان طبقه و توده‌ها، به جریان انداختن بحث و گفتگو در مجامع توده‌ای حول قضایای قیام و بهای مدهای آن، روشنگری در باره رژیم جمهوری اسلامی و ماهیت سرمایه دارانه و فدا انقلابی آن و افشای کارنامه‌ها و دوسال آن.

۳- افشای خیانت‌ها و تعلق گوئی‌های رژیونیستهای خاشاک حزب توده و فدا شسی "اکثریت" و افشای همکاری بیدریخ آنها با رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش توده‌ای و نیروهای کمونیستی و انقلابی.

لازم به تذکر است که خاشاک "اکثریتی" اخیرا ما موریت یا فتنه اند تا سازمان ما را که در افشای چهره مزورانه این فدا نقذیبون و رژیم جمهوری اسلامی نقش بازی داشته و به اشکال مختلف مورد حمله و اتهامات و قبیحانه قرار دهند. در این مورد کلیه رفقا وظیفه دارند، با هوشیاری و آگاهی کامل مج این خاشاک را در نزد توده‌ها باز کرده و آنها را رسوا سازند.

۴- توضیح این مساله بسیار مهم و اساسی برای توده‌ها که فقط و فقط پرولتاریا و حزب اوست که میتواند انقلاب دمکراتیک - فساد امپریالیستی خلقهای ما را به پیروزی رسانده و آنرا بصورتی سوسیالیسم سوق دهد و در همین رابطه برجسته نمودن وسیع و گسترده آلترناتیو کمونیستی در جامعه و حقا نیت کمونیستها و مواضع آن در این دو سال و توضیح و تبیین حملات و پیورشهای وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کمونیستها و انقلابیون، همچنین در رابطه با مسئله بالانام است ضمن اینکه رفقا با هواداران مجاهدین نهایت همکاری و همفکری را می نمایند (طبقه ۱-۲) دمکراتیکمان کش داشته با سدو این آماجگی را از خود نشان دهند، مواضع متزلزل و شدیدان پیگیر آنها را نسبت به کل رژیم و پیرویه لیبرالها توضیح داده و ایسین مواضع را ستروانه افشا نمایند و وظیفه برجسته کردن آلترناتیو کمونیستی بخصوص در شرایطی که نیروهای چون مجاهدین تا ایسین انداز متزلزل و نا پیگیری نشان میدهند، از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

۵- کلیه هواداران غیرتشکیلاتی و رفقای که بهر دلیل در ارتباط با تشکیلات سازمان نیافته اند به هم خود وظیفه دارند در چهارچوب رهنمودها و شمارهای سازمان که از سوی "پیکار" و سایر نشریات و اعلامیه‌های سازمان مطرح میگردد، با مرتب تبلیغ و کارشودای پر داخته و به اشکال مختلف نظیر تکتیر و پخش نشریات و اعلامیه‌های سازمانی، پیرویه سنا دافشا گرانه شما رژیومی بر روی دیوار و بحث و گفتگو و... نظرات سازمان را بدرون توده‌ها بپزند.

رفقا باید توجه نمایند که این قدمهای کوچک امری ضروری برای تحقق چشم انداز باشکوه فداست. تحقق آن زمان با شکوه سوسیالیسم و آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فقط با پشتکار و پیگیری عظیم تمامی پیشروان طبقه کارگر و آزادیخواهان است. هواداران مدنی و وفادار سازمان، امکان پذیر است. رفقا! بگوئیم سالگرد قیام خوشین بهمن را به عاملی جهت طرح آلترناتیو کمونیستی و افشای مبارزه علیه آلترناتیوهای ارتجاعی و فدا انقلابی و افشای نا پیگیریهای مجاهدین تبدیل نمائیم! پرشکوه با دفا طره قیام خوشین ۲۲ بهمن

بقیه از صفحه ۱۳ و سیاستها

انحراف مجاهدین است. ما میپریم چرا دوستان مجاهد، با افشای بیدریخ لیبرالها در ارتقاء مبارزات دمکراتیک - فدا میپریم لیستی خلقهای ایران نمیکنند؟ ما یددوستان مجاهد بگویند ما (سازمان پیکار) نیز همچون رژیونیستها، به این انحراف مجاهدین حمله کرده ایم پس هر دو یک چیز میگوئیم! نه دوستان مجاهد اگر به فداقت انقلابی وفاداریم، نه در ای در اختلاف پیکاران موضعگیری ما بر علیه تزسزلات لیبرالی شما با موضعگیریهای رژیونیستها در اینها ره شک نخواهیم کرد، اختلاف ما و رژیونیستها نیست در انتقاد از موضوع لیبرالی شما، علمبرغم شما هت ظاهری از رهنمود یک انقلابی و دیگری فدا انقلابی است. رژیونیستها برای ترک صفوف مبارزه و پذیرفتن رهبری جناحی دیگر از فدا انقلاب از شما دعوت میکنند و کمونیستها و از جمله سازمان ما برای گسترش مبارزه علیه کل رژیم جمهوری اسلامی به منظور بشمر رساندن انقلاب فدا رتجایی - فدا میپریم لیستی خلقهای ایران! همانظوری که مخالفت مجاهدین و امپریالیسم آمریکا در مقابل ما مخالفت حزب جمهوری (علمبرغم شما هت ظاهری) ۱۸۵ درجه بسا یکدیگر میفرستد!

باری ما از دوستان مجاهد میپریم چرا در جنبه متحد ارتجاع که ما میپریم، شما کسی از لیبرالهای فدا انقلابی نیست؟ فدا لبتتتتتتتتتتتتت که شما به افشای آن پرداختید، ارتجایی است، لیکن علمبرغم اختلافاتی که لیبرالها با ایسین جنبه دارند، خود نیز جزئی از این جنبه فدا انقلابی هستند. لیبرالها نیز دشمن شما و سایر انقلابیون و کمونیستها هستند، آنان فریبکاران امروزه میخواهند با حمایت‌های تا کتیک و عوامفریبانه از شما، از حیثیت شما سوء استفاده نموده و خود را با ملاح در دل خلق جای دهند!

دوستان مجاهد با دیدگر از شما میخواهیم با تمهیق مبارزه علیه کل حکومت و با افشای لیبرالها و قاطعتر نمودن مرزبندیها با سازمان، اولاد در ارتقاء مبارزات توده‌ها بیش پیش بکشید و تا نیات تبلیغات مسموم کننده و ضد انقلابی رژیونیستها را عقیم سازید!

اگر خواست افشای لیبرالها از سوی رژیونیستها، خواستی است که از خلق مضمند انقلاب بیرون میاید، خواست افشای لیبرالها از سوی ما، خواست کمونیستها و کلیه انقلابیون و توده‌های ستم دیده ایران است که به منظور گسترش انقلاب بر علیه امپریالیسم و ارتجاع میباشند.

(۱) - البته اگر چه حزب توده هرگز حزب طبقه کارگر نبوده است، لیکن تا قبل از سال ۳۲ یک حزب خرده بورژوا - دمکرات محسوب میشد.

درود بر تمامی شهدای به خون خفته خلق برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خرید قطعات یدکی از آمریکا

سراں رژیم از حزیسی ها گرفتند تا لیسرا لها همه منکر و رابط بیسن آمریکا و ایران هستند، همه آنها حاتا میکنند، اما هیچک به توده ها حقیقت را ننگنه اند و بر حسب ما هیت مدخلی انا ن نمیتوانند حقیقت را بگویند:

بنی مدر منحوا هدا دا سهجک "بدون دریافت قطعات یدکی" را منحرفه فرما سعی خودش وانمود کند و رجاشی فریبکا رانه ادعا میکند که در برابرنا نکها و هوا بیما های دشمن ازنا رنک دستی وجوب و جای اسفاده میکنند! اخبار اسنادی که ما و دیگر کمونیستها در رابطها خرید سلاح و قطعات یدکی منتشر کرده ایم و بروز حقیقت خود را بیسر به سوده ها نشان میدهد و در ریزش توهم آنها ن نسبت به این رژیم مدخلی نفس صدالی را ایفا مینماید.

سندرز بر نشان میدهد که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۵۹ (دهم دیماه ۱۳۵۹) تلگرافی از طرف شرکت "وسترن دینا مکز اینترنشنال" Western Dynamics INT'L به نیروی هوایی ایران (خطاب به سرهنگ لسانی) ارسال شده است. در این تلگراف لیست تفصیلی قطعات یدکی آمریکایی جهت تحویل به نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است و بهای آنها از طریق بانک "آستردام - روتردام" هلند قابل برداشت میباشد. شرکت "وسترن دینا میکرا اینترنشنال" در پایان تلگراف اعلام کرده است که کالاهای آماده تحویل اند و هر طور نیروی هوایی ایران صلاح بداند آنها را به خطوط کشتیرانی آریا یا به دفتر خطوط هوایی ایران در لندن یا به جلفا، یا به مرز زرگان یا بندر عباس تحویل خواهد داد.

این تلگراف که مستقیماً برقرار داد سبن نیروی هوایی ایران و آن شرکت آمریکایی است در زمانی ارسال شده که هنوز گروگانها در ایران سوده اند و مذاکرات ادامه داشته است. این قرارداد در حالی اجرا میشود که فریادهای "عدا آمریکا" رژیم کوش فلک را کر کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی خود را امسیرا لیستها روابط پنهانی و سازشهای خاشانه دار و آتنگا دکمونیستها و نیروهای انقلابی را وقیحانه "آمریکایی" مینماید! اربک رژیم ضد انقلابی جز این انتظاری نیست.

خانه گردی شبانه پاسداران در میان دو آب

حوالی شب ۲۵ دسامبر، پاسداران و کمیته‌چی‌های میان دو آب به خانه‌های مردم زحمتکش این شهر هجوم برده و به خانه‌گردی و رفتنیش برداختند. این مرتجعین که کاه دنبال شخص معینی میگشتند، فرد دیگری از خانواده‌وی را به کروگان گرفته و با خود میبردند. این مردوران "مکتبی" از دزدیدن پول و اشیاء قیمتی مردم نیز فروگذار نکردند. رفقای هوادار در میان دو آب با انتشار اعلامیه توضیحی، سورش شبانه مزدوران رژیم را به خانه‌های مردم میان دو آب افشا کرده و با اشاره به جنایات رژیم، مردم را به مقاومت و مبارزه در برابر اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و پشتیبانسی از نیروهای کمونیست فراخوانده‌اند.

DEC 31/80

ATTN: MR. TABATABAI

FYI, FOLLOWING SENT TODAY ---

DEC 31/80

TO: IRANIAN AIR FORCE
ATTN: COL. A. LESSANI, DEPUTY MGR, PURCH AND CONTRACTS
REF OUR REVISED PROFORMA INVOICE NO. 1/80/12 AND CONTRACT F-C1
DATED 26 DEC 80.

GENTLEMEN,
PLS ESTAB 100 PCT IRREVOCABLE, CFMD TRANSFERABLE AND DIVISIBLE L/C
AT SIGHT IN FAVOR OF WESTERN DYNAMICS INT'L, INC, THRU
AMSTERDAM ROTTERDAM BANK, N.V., P.O. BOS 949, 3000 DD
ROTTERDAM, HOLLAND FOR ACCT NO. 423348405 COVERING FOLLOWING-

QTY	NSN	DESCRIPT	MFG CODE	UNIT PRICE	TOTA
L PR.					
200 EA	2620-00-	TIRE NOSE 18X5.5/14PR	25427	DLR 107.	DLR
1400.	052-4222	MAIN TIRE			
200 EA	2620-00-	TIRES NOSE 22X6.6	25472	244.	48,80
0.	159-8647	10/20 PR			
200 EA	2620-00-	MAIN TIRE 37X11.5	25472	469.	93,80
0.	159-8640	16/20 PR			
4 EA	5930-00-	SENSITIVITY SWITCH	04428	283.30	1,133
.20	275-7036				

TOTAL PRICE FOB PORT OF NEW YORK: DLR 145,133.20

FREIGHT DATA-

ITM 1 14 LBS EA, 17X17X5 INCHES EA
ITM 2 27.5 LBS EA, 21X21X6.5 INCHES EA.
ITM 3 90 LBS EA, 36X36X11 INCHES EA.
ITM 4 2.5 LBS EA, 2X2X2 INCHES EA.

OCEAN FREIGHT COST, PORT OF N.Y. TO LONDON - DLR 4,987.50

INSPECTION- INSPECT CHARGES BY SUPERINTENDENT CO. OF GENEVA OR OTHER INTERNATIONALLY RECOGNIZED INSPECTION CO. AT 1-1/2 PCT TO BE ADDED TO ACTUAL AMT OF L/C - DLR 2,551.81

INSURANCE - INSUR CHARGES FRM N.Y. TO LONDON AT 1.75 PCT OF TOTAL AMT OF L/C TO BE ADDED TO ACTUAL L/C AMT. --- DLR 2,977.11

TOTAL CIF LONDON, ENGLAND : DLR 175,649.62

IT IS TO BE UNDERSTOOD THAT THE GOODS WILL BE SHIPPED TO ARYA LINE A/D/OR IRAN AIR IN LONDON AT YR OPTION FOR TRANSHIPMT TO JILFA/EZARGAN AND/OR BANDARABAS ACCORD TO YR INSTRUCTS. ANY AIRFREIGHT/TRUCKING/OCEANFREIGHT FRM LONDON TO FINAL DESTINATION TO BE BORN BY YR ORGANIZ AND BE PD DIRECTLY TO IRAN AIR AND/OR ARYA LINE ACCORD.
IN CASE YU DEER IT NECESS, WE WOULD SHIP THE GOODS TO SCHENKERS IN LONDON OFFICE FOR FINAL TRANSHIPMT TO TEHRAN DIRECTLY BY TRUCK OR RAIL CARS.

REGARDS,
WESTERN DYNAMICS INT'L, INC.

اردوهای آوارگان و توطئه رژیم بورعلیه جنگ زندگان

این روزها دیده میشود که عمال رژیم به عناوین مختلف فشا خود را برای آوارگان جنگ گسترش داده اند. قصد آنها از اعمال این فشا رهسپار وادار کردن آوارگان برای رفتن به اردوهایست. مثلاً خوابگاه ۲۵ بیشتر دستشوییها و حمامها و آشپزخانهها بیض خراب شده و سقف آنها ریخته است. با خوابگاه ۲۲ بسیار رکشیف است و سایر خوابگاهها نیز کمابیش چنین وضعیتی دارند. غذا، پوشاک و کمکیها نیز کمتر شده است. در جواب همه اینها تا رسا شبها ما موران رژیم میگویند: خوزستانها کشیفند. اینها بی فرهنگ هستند و راه حل را هم عزیزمت آوارگان به اردوگاهها میدانند. اما آیا رژیم زغریستان جنگزدگان به اردوهای خیر و صلاح آنها را میخواهد و یا اینکه طبق معمول کاسه ای زیر نیم کاسه اش دارد؟ هموطنان جنگ زده زمانی که می بینند اردوگاه جبریت از شدت با دو بوران در وضعیت است که بونی مدرحتی با همگیو پتروش نمیتوانند بنشینند و وقتی می بینند اردوهای جنگزدگان در نقاط دور افتاده، بسد آب و هوا، بودر حاشیه شهرهای کم جمعیت برپا شده اند و وقتی رفتار ما موران رژیم را با غرور دیده و می بینند... جای شکی برایشان باقی نمیرسد که رژیم از اردوهای آوارگان هیچ قصد و هدفی بجز خلاص شدن از "شر" جنگزدگان، بجز دور کردن آنها از محیط های پر جمعیت بسه نحوی که صدای اعتراض آنها به گوش دیگر زحمتکشان نرسد تا به خیال خود بتوانند صدای حق طلبان آنها را خفه سازد در سر نمی پیروانند. هموطنان جنگزده فقط با اتحاد و تشکل و افشای بی امان توطئه انتقال به اردوگاههای جزیرگان قادر خواهید بود در مقابل رژیم مقاومت نموده و از زهر آکنده شدن خود جلوگیری بعمل آورید.

در جهت خنثی نمودن توطئه انتقال جنگ زندگان به اردوهای متحدانه عمل کنیم! آوارگان جنگ

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

شویم تا مسئولین برای ما کاری کنند یا بسد دست از زندگی بشویم، آنها هیچگاه برای ما کاری نخواهند کرد. تجربه ما این است: برای رسیدن به خواسته های برحقمان، باید متحدانه مبارزه کنیم. در این راه ما خواسته های خود را به شرح زیر اعلام میکنیم:

- ۱- تهیه هر چه فوری تر مسکن برای آوارگان در بیرون وجود،
- ۲- تامین ما یحتاج زندگی از خوار بار تا سوخت،
- ۳- تامین بهداشت برای آوارگان (رایگان)
- ۴- پرداخت حقوق کارگران و کارمندان و معلمان خوزستانی،
- ۵- شبت نامهاش آموزش خوزستانی و تامین مخارج تحصیل آنها (رایگان)،
- ۶- بدست گرفتن کلیه امور آوارگان بوسیله نمایندگان منتخب از بین خوزستانها،
- اتحاد و اتحاد آوارگان اتحاد شما رهزوارها، بنا نه، آزادی مسکن، مسکن، حد، مسلمناست،
- رجسردنخی تا موقع بیگساری برای آوارگان پرداخت با دیگران جمعی از آوارگان خوزستانی - بیرون وجود بنقل از ضربات آوارگان کمیته خوزستان سازمان شماره ۱۲

خطابه آوارگان مبارزه رژیم جمهوری اسلامی:

"خوب گوشه ایتان را با زکندیای گردانندگان مرتجع جمهوری اسلامی، این ندای آوارگان مستقر در اصفهان است که شما را مورد خطاب قرار میدهد... شما که با تمام قدرت مذبحخانه در جهت با زسازی و احیای سرمایه داری وابستهدار ایران تلاش میکنید، امروز بصورت جناحهای مختلف جهت کسب قدرت هر چه بیشتر در حکومت با چماق بزرگدیگر کوبیده و هر کدما خود را حامی مستضعفین جا میزنید. با همپا لکی خود رژیم عراق جهت منحرف کردن افکار مردم عموومی از مشکلات داخلی به مسائل بیرون مرزی جنگ براه انداخته اند... وقتی ما در زیر گلوله و خمپاره و غسه غسه مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدیم در ابتدا در شهرهای مختلف از طریق بلندگوهای تبلیغاتی به شدیدترین وجهی به توهین و آزار ما پرداختید و لوی هنگا میکه با مبارزه و عکس-

العمل هم شهریان ما در شیراز و کرمانشا... روبرو شدید، یکشنبه رنگ عوض کرده و ما را "برادران و خواهران" خود خواندید. اما ما آوارگان شما را از عملکردها بیجان میشناسیم و به شما رهسپار حرفها بیجان اعتماد داریم... ما آوارگان جنگ همراهمان با ساز زحمتکشان و کارگران بتدریج به این واقعیت پی میبریم که حکومت جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه داران است... متحد شویم و خیا نتهای رژیم جمهوری اسلامی را به همه زحمتکشان بشناسیم."

بنقل از ندای آواره "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته اصفهان شماره ۵ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ با اندکی تلخیص.

وضعیت آوارگان در اردوگاه جبریت

اردوگاه آوارگان در ده کیلومتری جبریت واقع شده است. چادرها در منطقه با دیگر قرار گرفته و آوارگان از این جهت هم در عذاب هستند. مانند تمام اردوگاههای دیگر، آوارگان از جهت مواد غذایی و سوختی در مضیقه هستند. کنتسارل پلیسی بر اردوگاه حاکم است و هر ما شینسی از آوارگان که به اردوگاه وارد میشوند از طرف پاسداران مستقر در آنجا تفتیش و آوارگان شناسایی میشوند. رژیم وحشت خود را از اساس آوارگان با دیگر توده ها در این اردوگاه هم نشان میدهد. هر فرد غریبه ای که به اردوگاه وارد میشود با یه درد فترتنگهائی شناسایی شود و بعد داخل اردوگاه راه یابد. اما رژیم با همه فشارهایی که بر آوارگان زحمتکش وارد میکند نمیتواند از او جکیری مبارزات آنها جلوگیری نماید.

نامه فرهنگیان مناطق جنگ زده به "بانه"

اخیرا معلمین مناطق جنگزده تحت عنوان "کمیته هما هنگی منتخب معلمان جنگزده" در شیراز نامه ای به "بانه" وزیر آموزش و پرورش نوشته و در آن درخواستهای خود را بصورت زیر مطرح کرده اند:

"بعلت شرایطی که جنگ غیرعا دلانه بر مردم مناطق جنگی تحمیل نموده است و تمامی آنها را آواره شهرها کرده است، ما فرهنگیان خوزستان نیز به عنوان بخشی از این مردم، آواره شهرها گشته ایم که عده ای از ما در شیراز سکنی گزیده ایم و با گسیل نمایندگان خواسته های بحق زیر بارها داره کل آموزش و پرورش ابراز شده ایم؛"

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

وضعیت مردم در آبادان جنگزده

شدت با بی همبهاران شهر آبادان در ۱۵/۱۵ تا ۲۵/۱۵ وضعیت مردم با قیسا شده در شهر که به نسبت آوارگان کوچک کننده بسیار کمتر هستند بحرا شب و خیم تراست ، به جز نان چیز دیگری برای خوردن پیدا نمیشود چیره غذایی با زهمکا هاش یافته است بطوریکه برای هر فرد راه یک کیلو سیب زمینی و سه کیلو برنج و یک کیلو روغن داده میشود ، بی غذایی پیدا میکند ، مردم با قیمانده در شهر شدت نا راضی هستند ، اکثر خانه ها مورد سرقت قرار گرفته اند ، ارتشیان و وپا سدا ران خانه های مناطق کوی آریا و کوی کوروش و کوی - شیخ را غارت کرده اند و عمو قیبا خانه های آسوی رودخانه خرمشهر را چپا ول نموده اند .

آری این جنگ ارتجاعی برای توده های ما نیز مانند مردم عراق فقط فلاکت و بدبختی به بار میا وردا

و تا مین منافع آنها را درگروکشته شدن خویش می بینند که دیگر به هیچ قیعتی حاضر به رفتن در جبهه های جنگ ارتجاعی نمیشوند ، نمونه زبرتا شیدی برگرفته های بالاست :

دراواسط دی ماه فرماندهان مزدورستانا بر طرح فرستادن عده ای سربازان و "جوانمردان" افسران به جبهه ، باجی به مبلغ ۶ هزار تومان به ۵۵ نفر از سربازان و "جوانمردان" شهر به بهمان که حاضر نبودند به جبهه بروند قرار میدهند ما آنها با زهم حاضر به رفتن به جبهه جنگ ارتجاعی نمیشوند .

بگذار سرمایه داران خود به جنگ ارتجاعی بروند که نمیشوند ، چنانچه کشتان گوشت دم توب شوند ؟

فریاد خود را بر علیه جنگ بلند کنیم

- جنگ غیر عادلانه کنونی برای زحمتکشان ما چاره رسانی آورده است ؛
 - کشتار زحمتکشان و فرزندانشان در زیر بمب ها و توپها و خمپاره ها ،
 - آوارگی یک میلیون و نیم از مردم زحمتکش ما
 - تشدید سرکوب و خفقان
 - هفتای طولانی برای نفت ، روغن ، قند و ...
 - تشدید بیگاری ، گران ، قحطی و ...
 - از دست دادن هست و نیست و خانه و کاشانه
 - بر شدن جیب سرما یه داران و تاجران و ...
- پس نا بودها دا این جنگ ضد مردمی و ارتجاعی!

پرداخت باج برای رفتن به جبهه!

هر روز که از جنگ ارتجاعی ایران و عراق میگذرد توده ها بیشتر به با نیت رژیم های ارتجاعی درگیر جنگ پی میبرند ، توده های ارتش نیز که خود را بعنوان گوشت دم توب سرما یه داران دیده

۱- بر رسمیت شناختن نمایندگان شورای منتخب معلما و عدم دخالت ارگانهای غیر مسئول
۲- ما ... خواهان پرداخت تمام حقوق و مزایای هشتیم که در محل اشتغال به کار به روال شغلی قدیم باشد ،
۳- از آنجائی که مسکن ، آنهم تحت شرایط فعلی از مسائل لاینحل ما بوده ، لذا میتوان تعدادی از خوابگاههای دانشگاه شیراز را که اکثر اخلاقی میباشند و با رتبه های آنها که ما حیان آنها سرما یه داران فراری میباشند ، در اختیار جنگزدگان قرار گیرد .
۴- انتقال به آموزش و پرورش شش سراز و تدریس به کودکان جنگزدگان ،
۵- به روال گذشته شرایطی فراهم گردد که بعنوان فرهنگیان جنگزده ما بحتاج خود را از شرکت های تعاونی بطور اقصاء خریداری نمائیم .

اما مدیرکل آموزش و پرورش استان فارس بجای پاسخگویی به خواسته های برحق ما متوسل به شیوه های پلیسی گشته و ما خورین را چیت پراکندن جمع ما خیر میکنند ، اینک فرهنگیان خوزستانی در شرایط سخت و بحرانی بسر میبرند ، ما موفقیت و پیروزی معلما جنگزده را در دست آوردن حقوقشان خواهانیم .

بنقل از اعلامیه "کمیته هما هنگی منتخب معلما جنگزده" با اندکی تلخیص و تغییر "

در راه برخی تجار محترم

۱- حاجی ابوالفضل توکلی : تاجر میلیونر قماش ، زمین با زوبسا و زوبفروش بزرگ که سده سا یه امنیت شاهان و با شراکت آقای هاشمی - رفسنجانی و تحریریان (صاحب کارخانه مصروف خودکار ربیک) و توسلی (برادر شهردار سابق) و احمد علی بابائی (سرما یه دار با صلاح لیبرال و نماینده شرکت لیلاند و داف ای تالیاسی در تهران) پولهای کلانی به جیب زد ، توکلی همراه همین شرکاء "محترم" شرکتی بنا م البرز جنس و ب نیز دارد ، این یک شرکت خانه سازی و کشاورزی است و جالب است بدانید که پس از قیام مکارگان کشاورزی شرکت علیه ما حیان سرما یه دار "اسلامی" قیام کرده و زمینهای را که بر روی آن جان میکنند ، ما در راه انقلابی نمودند ، توکلی در قم نیز شرکت "دژا زنو" را دار که به همراه یاران مکتبی اش زمینهای را که به ۳۰ تومان از تولید قمش خریداری بودند به متری ۱۰۰ و بعد ۵۰۰ و بالاخره به ۱۰۰۰ تومان فروختند ، تنه سادر قطعه ای از این زمینها منطقه ای بنا م "سالاره" درست شده است منزل چند میلیون تومان توکلی پشت حسینیه ارشاد قرار دارد .

۱- حاجی حبیب الله شفیق : علاوه بر اینکه از سرما یه داران میلیونی در تهران است بسا تاجر شیخ نشین ها و سعودی معاملات بزرگی دارد ، در شرکت "دژا زنو" سهام است و خانه مجلل او نیز پشت حسینیه ارشاد میباشد .

۲- جوان رفیق دوست : میدان دار مصروف میدان تهر با رومیوه تهران و برادر محسن - رفیق دوست (رئیس تدارکات سپاه ساران که در قتل ۴ رهبر خلق ترکمن دست داشته و حواله ۲۰۰ میلیون تومان رفسنجانی برای خرید سلاح بنا م اوصا در شده بود) ، این دو برادر در سال ۵۴ یک قلم ۱۴ میلیون تومان پرتغال از لبنان وارد کردند که پرتغالها در کشتی فاسد شد و البته این فرزند کوچک آنها غارت حاصل کار کارگران و دهقانان جبران گردید ، ضمنا چون ایشان در چپا ول دسترنج دهقانان و کارگران کشاورزی تخصص دارد مورد علاقه نخست وزیر مکتبی قرار گرفته و به ایشان دست رئیس ادارا کشاورزی بنیاد مستضعفین داده شده است .

۳- اکنون پس از نقل خلاصه اعلامیه مزبور یکی دیگر از تجار محترم را معرفی میکنیم :
۴- علی اصغر حاجی بابا : حدود بیست سال بقیه در صفحه ۲۰

چندی پیش کمیته تهران سازمان ماطسی اعلامیه ای تحت عنوان "تاجران میلیونی با زار در راه بنیاد مستضعفین" چهار تن از مکنندگان خون زحمتکشان را افشا کرد ، اینها از جمله "تجار محترم" با زار هستند که همواره از طرف آیت الله خمینی با همین صفت از آنها یاد میشود ، اینها کسانی هستند که نمایندگان سیاسی شان در رژیم فعلی براریکه قدرت (در حزب جمهوری اسلامی ، مجلس و در دولت) سوارند و خودشان هم مشخصا به "رتق و فتق امور" در جاهائی مانند "بنیاد مستضعفین" مشغول میباشند ، ارتش کارخانه ها ، مزارع ، باغات و شرکت های تجاری اشیا و جواهرات گران قیمت که تحت نظارت این بنیاد است سر به میلیاردها تومان میزند ، ما در جای دیگر لیست بیش از ۱۲۰ شرکت را که این بنیاد مالک آنها یا در آنها شریک است منتشر خواهیم کرد .

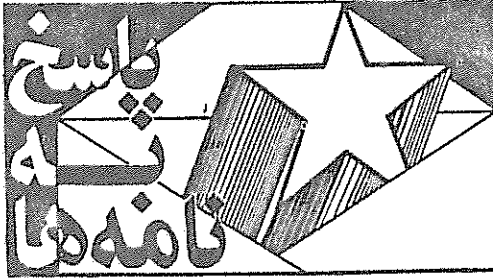
اما چپا سرما یه داری که در اعلامیه مزبور مورد افشاکری قرار گرفته اند عبارتند از :

۱- حاجی مسعود کریمی : عمده فروش قماش ، صاحب دهها میلیون تومان ثروت ، صاحب سهام عمده در شرکت لبا با قلم واقع در جاده ورامین که ۲۰۰ کارگر را استنما میکند (و معاون رجائی در "بنیاد مستضعفین")

درباره آلترا تئو کمونیستی

رفیق ص از اصفهان طینا مدای انتقاد - آمیزیرسیده است آبیابا توجه به ضرورت وحدت و اتحاد عمل و... برای کشانیدن دمکراتها به دنبال بروتاریا و کسب قدرت سیاسی، برخورد همدیگه سازمان که آلترا تئو خود را بجای آلترا تئو حزب تبلیغ میکند، نگوشی سکتاریستی آنچه ان کد رفقای نبرد میگویند نیست؟ و بعد با ذکر جملاتی از بیسمام سازمان به مجاهدین می گوید که ما خودمان را به تنهایی نیروی پیگیر جنبش کمونیستی نمی دانیم و دلیل آن، اینست که حتی اسمی از سایر نیروهای کمونیستی پیگیر دنیا وارد ایم و گفته ایم "تدبیت خانها نه چریکهای فدائیان اکثریت" ما سازمان ما نشانده شدیم آنها ما کل جنبش کمونیستی ایران، ما ما رکسیسم - لنینیسم و طبقه کارگر است" و بعد می گوید: آبیابا بدین ترتیب ما با لایحه به این شعار خرد بورژوازی نمیرسیم که "تنها رهرا می، پیوند با پیکاری!"

رفیق عزیزا در پاسخ به انتقادات تو بدیگوئیم هما نظور که از کلبه مواضع سازمانی ما پیدا است ما تنها خود را نیروی کمونیستی پیگیر نمی دانیم و هرگز چنین ادعائی نیسز نکرده ایم، ما خود را جزو بخش پیگیر جنبش کمونیستی میدانیم و علاوه بر سازمان نیرو - های دیگری نیز هستن که ما آنها را علیر رسم انحراف نشان جزء این بخش بشماریم آوریم. اما آیا طرح ضرورت تبلیغ آلترا تئو سازمان، به معنی نادیده گرفتن سایر اجزای جنبش کمونیستی و جانشین نمودن سازمان بجای حزب است؟ بنظر ما چنین برداشتی بجای آنکه از نگوشی ما رکسیستی نشأت گرفته باشد از زاویه ای انحلال طلبانه و ایده آلیستی صورت میگیرد، زیرا همچنانکه در جامعه خودمان نیز برای تعیین مظاهر میشود، امروزه تبلیغ کمونیسم، بصورت کلی معنی ندارد. ایدئولوژی کمونیسم در تشکیلات کمونیستی مختلف متسلط و ما دیت یافته است امروزه تشکیلات گوناگون اعمار تشکیلات کمونیست های پیگیر دنیا پیگیر و حتی رویزونیستها، خود را کمونیست میخوانند از اینرو طرح آلترا تئو سازمان، به معنی آن است که آلترا تئو کمونیستی پیگیر رنزد توده ها تبلیغ شود و توده ها با شناختن تشکیلات پیگیر کمونیستی از جمله سازمان ما، مرز آنرا با سایر جریانهای مدعی کمونیسم و کمونیستهای نا پیگیر دریا بندا در کهای انحلال طلبانه ما ننند درک نرسد سازمانها را از مضمی ویرنا مه جدا نموده و درکی انتزاعی از مضمی ویرنا مه را ارائه میدهند، با بدرا بطلسه دیا لکتیک مضمی و سازمان را درک نمود، تکیه بر آلترا تئو کمونیسم، بدون آنکه توده ها، حیات سیاسی، نفوذ توده ای، مضمی ویرنا مه معین و آلترا تئو تشکیلاتی معین کمونیستی را دریا بند بی معنا خواهد بود، بهیچوجه کافی نخواهد بود که ایده های عمومی کمونیسم تبلیغ شود علاوه بر آن باید مضمی های مشخص را نیز در میان توده تبلیغ کرد اما برواضح است که مضمی های مشخص سازمانهای معین جدا



مضمی باشند، تنها یک درک ایده آلیستی و انحلال طلبانه این مسئله را نمی میکند، امروز توده ها علاوه بر ایده های عمومی کمونیسم از طریق مضمی یک تشکل سیاسی خاص به کمونیسم روی می آورند مگر میتوانند بطور آگاهانه کمونیسم آلترا تئو تبوی برای توده ها کشته باشد، بی آنکه تشکیلات سیاسی کمونیستی معینی در نزد توده ها آلترا تئو تئو کردا این همان درک ایده آلیستی و انحلال طلبانه است که رفقای نبرد در سال میکنند و میگویند با تحریف نظرات ما، ما را متهم بدان نمایند که جنبش کمونیستی را محدود بکسب خود میداندیم، چه بنظر ما اتفاقا نیروها مضمی امثال "نبرد" تنها با چنین اشکالاتی ها و مرز بندی های کاذب است که میتوانند موجودیت مستقل خود را توجیه نمایند ما همچنان فریاد وحدت طلبی سر دهند.

با رد دیگر تذکر میدهم طرح آلترا تئو کمونیستی، تنها با طرح آلترا تئو سازمانهای کمونیستی امکان پذیر است، اگر چه آنها بتنها آلترا تئو طبقه ای حزب است و حزب پیروان وحدت کمونیستهای راستین امکان پذیر نیست اما لیکن تا تحقق وحدت نباید از طرح آلترا تئو سازمانهای کمونیستی خودداری نمود، این امر برای طرح آلترا تئو طبقه ای (حزب) ضروری است از اینرو هر جریان سیاسی کمونیستی در عین حال که فعلا لانه با بد در راه ما و وحدت جنبش کمونیستی و ایجا دستا دیرولتا ربا بکوشد لیکن هرگز نباید طرح آلترا تئو کمونیستی را موکسول به وحدت نماید کمونیستها با بد با طرح خط مضمی ویرنا مه پیگیر کمونیستی و معرفی و تبلیغ سازمان کمونیستی پیگیر خود، در برآمد آلترا تئو کمونیستی موشربوده و راه تحقق آلترا تئو تئو طبقه ای را هموار نماید، بر همین سباق ما وظیفه هواداران خود میدانیم که در کهای انحلال طلبانه را افشا کرده و با تبلیغ خط مضمی ویرنا مه پیگیر سازمان و تبلیغ و معرفی مضمی سازمان در نزد توده ها، در برآمد آلترا تئو کمونیستی در نزد توده ها با تمام قوا بکوشند. فکر میکنیم توضیحات فوق، روشن نموده باشد که ما تنها رهرا می را پیوند با کمونیستها و اعمال رهبری آنان بر جنبش انقلابی میدانیم و بر این سباق، پیوند سازمان پیکار ربا کارگران و زحمتکشان را، جزئی از پروسه ستابن رهبری کمونیستها میدانیم.

رفیق م - کار از برورد؛
این رفیق طی نامه اش اشاره به شاخه های

کرده که گویا پیکار رشتوریک (۲) بدلیل اختلاف نظر بر سر حاکمیت منتشر نگشته است. رفیق خواهان روشن شدن این مسئله است.
رفیق! ما نمی دانیم این شایعات را چه کسانی رواج میدهند، لیکن برای اطلاع شما با بدیگوئیم، علت اصلی تا خیرا نشنا ریبیکار - رشتوریک ۲، برخی ابهامات و اشکالات موجود در قطعنامه ها بود که اصلاح آنها ضرورت داشت و این تا خیر بهیچوجه بعلت اختلاف در برخورد به قدرت سیاسی مضمی نباشد.
پیروز با شید

رفیق ن.
این رفیق در مورد ضرورت برخورد بکسب مجاهدین خلق ایران "که بزرگترین نیروی انقلابی جامعه ما است" توضیحاتی داده است و برخورد با مجاهدین را از دوزا و به سیاسی (بسه "دو آلیسم" فکری آنان) مطرح ساخته است.
لیبرالی و ایدئولوژیک (به منظور در هم شکستن "دو آلیسم" فکری آنان) مطرح ساخته است.
رفیق عزیزا هما نظور که خود نیز ذکر کردی، امروزه برخورد به مجاهدین از دوزا و به سیاسی و ایدئولوژیک لازم است. این وظیفه جنبش کمونیستی ایران است که با مآرزه ایدئولوژیک فعال با مجاهدین، گرایشات لیبرالی آنها را طرد نموده، دمکراتیسم آنان را ارتقاء داده و این نیرو را بمثابه متحدی قابل اعتماد در صف انقلاب نگاهدارد. از طرف دیگر، امروزه ساجدهین توده های وسیعی را بسوی خود تحت جذب شعارهای "سوسیالیستی" میکشاند. بسیاری از هواداران مجاهدین ساده اندیشانه میپندارند که نمایندگان سیاسی طبقه کارگرند؛ و سوسیالیست های واقعی میباشند؛ و پرواضح است که این تفکروا بین تلقی راهبران سازمان اشاعه میدهند، آنان گاه و بیگاه با نقد "درک خرد بورژوازی" از اسلام (گویا درک پرولتری از اسلام هم وجود دارد) و بهم متعلق به مجاهدین است؛ (با با نقد پورتونیم راست و چپ "به هواداران خود چنین القا میکنند که خود را ای خط پرولتری هستند؛ و کمونیستها دچرا پورتونیم راست یا چپ میباشند؛ بهر حال ما با تکیه بر این امر که ما رکسیسم - لنینیسم در ایران نه تنها در مبارزه علیه رویزونیسم و پورتونیم قوام می یابد بلکه همچنین در مبارزه علیه ناردنیسم (سوسیالیسم خلقی) و وطنی نیز قوام می یابد؛
ایدئولوژی مجاهدین خلق احیای نسوع جدیدی است که همان تفکرات خرد بورژوازی ناردنیکها را دنبال میکند. این ایدئولوژی بر آنست که ما تریالیسم تاریخی آری، ماتریالیسم فلسفی نه؛ تفکر کرا کم بر مجاهدین با پیوند بین ایده آلیسم و ماتریالیسم تاریخی تحت عنوان رتالیسم!! و خط مضمی پرولتری اشا رهای تخیلی "پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی" را دنبال میکنند و اقعیت اینست که مجاهدین دمکراتها میباشند و خود را سوسیالیست جلوه میدهند و از

پیرامون جنبش زنان زحمتکش

ذهنی لازم برای بدست آوردن حقوق از دست رفته فرا هم کرد چرا که کلیه رژیمها دولتها بی که نما بینده استشارگران و سرما به داران می - با شنیده میفرا هندونه میشوا نندکوچکتر بیسن اقدامی در راهها بیجا دزمینه مناسبت برای رها بیی زنان زحمتکش از قید قوانین ظالمانه دوران گذشته بنما بیند .

بدین ترتیب مبارزات زنان زحمتکش میبایست حول هدفهای اساسی طبقه کارگر شکل گیرد که برچسبها را انقلاب تا استقرار جامعه کمونیستی میباید بدون شک کارآموزشی و آگاهانرا نه در باره زنان در جامعه سوسیالیستی همچنان ادامه میباید و از اینجا است که پرولتاریا موظف است برای حرکت پیروز مند بیست جامعه سوسیالیستی و... توده زنان محروم جامعه را که به مناسبتی از ارتش آزادی بخش میباید شناسد تحت آموزش و سازماندهی خود قرار دهد تا پیروزی انقلاب قطعیست بیا بد .

مبارزات زنان زحمتکش حول چه اهدافی انجام میگیرد؟

از آنجا که محل واقعی مسأله زنان زحمتکش بانفشی مالکیت خصوصی، از بین رفتن جامعه طبقاتی و نهاییتانبودی سرما به امکان پذیر است، از آنجا که رهائی کامل زنان ستمدیده در برتوجا معه سوسیالیستی و استقرار کمونیسم، برقرار میگردد، از این لحاظ مبارزات زنان زحمتکش ما تا انجام انقلاب سوسیالیستی هم - چنان ادامه یافته و بطور کلی دارای سمت و سوی سوسیالیستی و دسرما به ای خواهد بود .

"جمع بندی تحلیلی ما به اینجاست ختم میشود که این دقیقاً سرما به است که محدودیت مطلق بیس اجتماعی شدن کارخانه قرار میدهد و از بیسن طریق موجب شرایط نابرابری زنان و دوام و بقا این شرایط میگردد، از اینجا که ملا روشن میگردد که مبارزه زنان برای رهائی واقعی مستلزم مبارزه ای مستقیم علیه سرما به است . وجود کار خصوصی و منفرد در خانه، همراه بنسب موقعیت یا بیسن تریز در تولید اجتماعی، به ای استمادی زن را تحت نظام سرما به داری بنسب می کند . رهائی و برابری حقوق زن با مرد، تنها در جامعه سوسیالیستی که در آن تولید بر بنا مریزی شده، هرنوع جدائی بین تولید

و نیرو براتسا میاتی برای فروش کالا بکسار گرفته شدند در عین اینکه با زهم همسان محروم میشوا از حقوق اجتماعی برجای مانده بود بطور کلی زنان در جوامع طبقاتی حکم کالا را دارند چرا که بصورت محترمانه اما در حقیقت در مقابل پول (مهریه و شیریه) خرید و فروش میشوند . این امر بیستی هم در طبقات مرفه و هم بطور مشخص در طبقات زحمتکش وجود دارد .



همانطور که در جامعه سرما به داری طبقاتی حاکم و استشارگران از طریق قانونی نمودن بهره کشی از طبقات زحمتکش با اختلاف طبقاتی را بصورت آزادی بدیهی جلوه گور نموده و مینماید به همان شکل نیز این ستم آشکار بر زنان را که مربوط به دورانهای ما قبل سرما به داری می - باشد بصورت قوانین گوناگون و تثبیت شده در آورده و در همین رابطه فرهنگ این ستمگری را در اندیشه و تفکر کلیه افراد جامعه (حتی خود زنان) تبلیغ و ترویج نموده و آنرا گریزنا پذیر جلوه گرما خته اند .

حال با توجه به موارد بالا از بین بردن چنین تفکرات بدیهه ای از ذهن توده های مردم وابسته به دوام مل ذهنی همیشه است . ما مل ذهنی عبارت است از تلاش و کوشش بیگیر کمونیستها در جهت توضیح ماهیت این نابرابریها و... و ما مل عینی عبارتست از نابودی عناصر بنسب سرما به داری و نفی مالکیت خصوصی . زنان زحمتکش همبای مردان زحمتکش به مبارزه برای استقرار "جمهوری دموکراتیک خلقی" میگردند پس از آن همیشه عینی و

با توجه به اینکه سازمان ما بعنوان یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی وظیفه خود میداند که در سازماندهی و ارتقاء جنبش زنان زحمتکش بعنوان نسبی از نیروی انقلاب در جامعه قدم برداشته و سهم خود را در حد توان نسبت به توده های زحمتکش ادا نماید . این نیروی فکری "کمیتها زن" تصمیم گرفتند تا به جمع بندی و تئوریزه نمودن مجموعه مسائل بیستی چندین ماهه اخیر خویش پرداخته و با ارائه آن به سطح جنبش این زمینه را فراهم آورند که بین بحث اساسی در میان سازمانها و گروههای مارکسیستیک برقرار باشد . این اتفاقا در طی جمع بندی تجربیات و نمودن یک مجرای مبارزه به دلولوژیک است که میتواند به اساسی مارکسیستی - لنینیستی را در باره جنبش زنان زحمتکش - چگونگی سازماندهی آن و نقش آن (زنان زحمتکش) در تحقق انقلاب دموکراتیک با زنده و به مناسبت به راههای عملی به جنبش کمونیستی عرضه کنیم . از طریق این کوشش جداگانه است که هم میتوان راه رهائی کامل زنان را نمایانده و هم از نیروی این توده های محروم و تحت ستم در جهت تحقق آرمان پرولتاریا بهره گرفت .

با وجودیکه کار "کمیتها زن" بطور ویژه بر روی زنان خانهدار و مهملات انجام شده ولی در نهایت امر بواسطه در هم آمیختن تجارب حاصل از سازماندهی و تئوری های مارکسیستیک حد اقل تا نوسندی از فعالیت در میان زنان بر سر جمع ما دارای دو محور اساسی است :

اول: چرا با وجود مبارزات زنان زحمتکش کار کرد؟
دوم: با چه ابزار و روشهایی با بدترتسان زحمتکش را متشکل نمود؟
البته هر دو محور خود دارای بخشهای مختلفی است که در طی بحث به آنها بپردازیم . برای پاسخگویی به قسمت اول ابتدا ضروری است که بطور بسیار مختصر به علت پیدایش مسئله زن بپردازیم :

زنان در ابتدا و در جامعه امپراتوری اولیسه بواسطه مشارکت در تولید اجتماعی "قبیله سده" دارای مقام خاصی بودند و حتی در یک دوره از تاریخ بصورت نقطه برجسته ای "دوران مساوی بالایی" را بوجود آورده اند . ما بر اثر پیدایش مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات و هم - چنین تقسیم اجتماعی کار و فزونی گرفتار شدن نقش مرد در تولید، زنان به تدریج از گردونه تولید اجتماعی بکناری گذاشته شدند (۲) و نقشی حاشیهای در پیش بردن مورخان نوا ده بیسه میده شان نباشد .

از آن پس از حقوق برابری مردان و سایر حقوق اجتماعی محروم گشته و تنها بنسب مساوی مبارزاتی برای تولید مثل، نگهداری اطفال، خانهداری و نهاییتانبه در جوامع بورژوازی به عنوان ذخیره نیروی کار در باره از کار زحمتی

(۱) بورژوازی طبقه مرفه دوره های قبل زنان را نیز در تولید و موراجتماعی دیگر بکار کشیده و آنرا تحت ستموا استشار قرار داده است ، لیکن این فئودر در تولید و فعالیت اجتماعی بر بنیان ستم نسبت به حقوق وی بی تا بیسر مانده و بدلیل وجود مالکیت خصوصی و وابستگی استشارگران رهائی از آن و همان قوانین ظالمانه در اشکال فریبنده تری بدست و پای وی بند میگذازند .

بقیه از صفحه ۱۷ دریاوو

پیش او و برادر و پدرش در خیا بان بوذرجمهری به شغل آهن فروشی مشغول بودند، آنها از طرفداران آیت الله میلانی بودند در سالهای ۴۰ میلانی بیشتر از طرف لیبرالها حمایت میشد دلالی و فروش آهن و جیب زدن دسترنج زخمکشان هر روز بیشتر کار آنها را سکه کرد و کارخانه ای در جاده کرج برای پرس آهن قراضه و سپس کارخانه پارس متال را راه اندازی کردند.

هم اکنون علی اصغر حاجی با مدیرعامل کارخانه شوقا زکا روهه کارخانه ایران - ناسیونال میباشند، او حدود ۷ ماه پیش حدود ۳۰ میلیون تومان از لوازم پزشکی کارخانه ایران ناسیونال دزدی میکنند ۳ ماه قبل که با اعتراض شدید کارگران بر سر مسائل صنفی رویرو میگردید رژیم حامی سرمایه داران اوراد و خطری بیندو ظاهرها به زندانش میاندازد و مبلغ ۱۸ میلیون تومان خمس و زکات کارخانهایش را که در دوره رژیم گذشته نپرداخته بوده مطالبه میکنند، سپس برای "مصلحه" قضیه به او پیشنهاد میشود که ۹ میلیون تومان به حساب دولت بریزد و یکی از اشخاص "معتبر" نیز او را ضمانت نماید علی اصغر حاجی با با به آیت الله بهشتی پیشنهاد میدهد که ضامن او را بنام بدو بهشتی میگوید: "چون من وضع خوبی ندارم و گفته اند که من حامی سرمایه داران هستم اگر این ضمانت را بکنم بیشتر برویم میریزد".

بهرحال علی اصغر حاجی با با حدود دو هفته پیش با قید ضمانت از زندان آزاد شده است. ضمناً بدینست خاطر نشان کنیم که میگویند تا پوربختیار خان قبل از اینکه در زمان نخست وزیری با زرگان به خارج فرار کند شب در منزل برادر آقای علی اصغر حاجی با با مخفی بوده است!

سرمایه داران چه آنها که با حزب جمهوری دمخوردند چه آنها که همگامه لیبرالها هستند همگی از خون کارگران و زخمکشان تغذیه میکنند و فریب تر میشوند. تنها پتکهای طبقه کارگر و پرچم حزب اوست که سرمایه داران و حامیانشان را از قدرت سیاسی و اقتصادی به زیر خواهد کشید!



به نقل سرگذشت خویش برداخته بخوبی اشاره میکنند که چگونه انجمنهای زنان کارگروسیه را در سال ۱۹۵۳ ایجاد کردند که این خودبیا نگر وجود تشکیلات برای زنان زخمکش در مرحله انقلاب دمکراتیک میباشند.

(ادامه دارد)

(۱) - "پایه های اجتماعی مسئله زن" کولنتای

زنان زخمکش را محول به مرحله انقلاب سوسیالیستی میشوند. برای برخورد به چنین دیدگاهی بچند نقل قول میپردازیم.
لنین در مقاله "کاریکاتور از ما رکیسیم و اکونومیسم امپریالیستی" چنین مینویسد:
"سمکوفسکی (Semkovsky) و کیفسکی (Kievsky) هر دو، در بحث خود پیرامون مسئله طلاق، زدرک مسئله عا جزند و جوهر آنها را ندیده میگیرند فی المثل، تحت نظر سرمایه داری حق طلاق، مانند کلیه حقوق دمکراتیک دیگر بسندون استثناء، مشروط، مقید، محدود، صوری و معصب - الحمول است. با اینحال هیچ سوسیال دمکرات اصیلی، آن کس را که حق طلاق را نفی میکند، نه تنها دمکرات بشمار نمی آورد، چه رسد به سوسیالیست، اصل مطلب همین جاست "دموکراسی" کلا عبارت است از اعلام و تحقق "حقوقی" که در نظر سرمایه داری تحقق آنها محدود و نسبی است، ما بدون اعلام این حقوق، بسندون مبارزه برای معرفی آنها، هم اکنون و بلافاصله بی آنکه توده ها را در بر توانیم مبارزه آموزش دهیم، سوسیالیسم غیر ممکن است..."

منظور ما از آوردن این نقل قول چیست؟ بدون شک وقتی لنین به خاطر اهداف دمکراتیک که سرمایه داری خود عنوان کرده اما از برآورده نشودش خودداری میکند مبارزه های بلا - فاصله و در شرایط حاکمیت سرمایه داران مطرح میکند، این مبارزه بدون وجود تشکیلات تشکیلات ممکن نیست و بدون شک زنا تی که بی - با بست تحت رژیم سرمایه داری به مبارزه برای بدست آوردن همین حقوق بپردازند با بدریک تشکیلاتی متشکل شوند و با لخره اینک متشکل نمودن توده زنان زخمکش بحول چنین خواسته های دمکراتیکی کار مشخص در درون آنان را می طلبد و نه تنها اینک لنین معتقد به کسار مستقیم و مشخص در میان زنان در مرحله انقلاب دمکراتیک فدا امپریالیستی میباشند و در این باره میگوید که "در بر توانیم مبارزه است که میتوان توده ها را آموزش داد و آنها را برای برپایی سوسیالیسم آماده نمود".
همچنین به نقل قولی از الکساندر کولنتای توجه کنیم:

"... با این حال، این بدان معنا نیست که بهبودی های نسبی در زندگی زن، در چهره رچوب نظام سرمایه داری غیر ممکن است حل ریشه ای مسئله کارگران (وزنان) تنها با بازی کاملاً دیگرگونه مناسبات تولیدی نوین امکان پذیر است، اما آیا این می بایست ما را از فعالیت برای اصلاحاتی که مبرمترین منافع پرولتاریا را برآورده میسازد بازدارد؟ برعکس هر توفیق تازه طبقه کارگر نشان دهنده این است که بشریت یک قدم به قلمرو آزادی و تساوی اجتماع می نزدیکتر شده است. هر چقدر که زن بدست میآورد او را یک قدم به هدف مشخص رهایی کاملاً نزدیکتر میسازد" (تا کید و پراختن از ماست)
همچنین الکساندر کولنتای در کتابی که

شروت در کل جامعه و با تولید نوع بشر را از میان میبرد، قابل حصول است. تنها با اتحاد چنین موضعی، یعنی بر مبنای درک بیونسند ناگزیر رهایی زن سوسیالیسم است که میتوان برای دفاع از منافع زن ورهائی کامل او مبارزه شود".

(کولنتای: "پایه های اجتماعی مسئله زن")
بدین جهت دیدگاهها می که بدون شک فتن این مسائله اساسی یعنی جنبه سوسیالیستی مبارزات زنان، فقط مبارزات زنان را در چهره رچوب هدفهای دمکراتیک محدود میکند، در حقیقت جایگزین نگرسی میشوند چرا که با توجه به جنبه اصلی مبارزات زنان زخمکش که همانا جنبه سوسیالیستی است ما نمی توانیم جنبه دمکراتیک مبارزات زنان در این مرحله از انقلاب را نادیده گرفته و مبارزه زنان حول اهداف دمکراتیک چون حق طلاق بطور مساوی، حق قضاوت، حق ارث مساوی بسا برسان و... را نفی کنیم. اما رهایی زنان را نشناختن ما، هم تصور که با مالکیت خصوصی به بند کشیده شده اند همانطور نیز با مبارزه حول هدفهای دمکراتیک و سپس برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، شرایط عینی و ذهنی برای نفی مالکیت خصوصی ورهائی کامل زنان آماده میگردد. یعنی زنان زخمکش همچون کل طبقه کارگر برای دستیابی به اهداف حداکثر خویش در مرحله انقلاب سوسیالیستی میبایست قدمهای اولیه را توسط دست یابی به برنامهداقل پرولتاریا بردارند و بدین جهت نیز هست که مبارزات زنان زخمکش در این دوره دارای خصوصی دمکراتیک فدا امپریالیستی میباشند. چون همانطور که پرولتاریا می بایست برای متشکل نمودن متحدینش منافع آنها را نیز در برنامهمحدود پرولتاریا اهداف دمکراتیک جای اساسی برای خویش دارد. به همین خاطر نیز، رابطه با بسیج توده زنان که از قشار دمکرات و متحد پرولتاریا میباشند در این مرحله از انقلاب هدفهای دمکراتیک برای جنبش زنان زخمکش مطرح میشود تا بتوان زنان این اقشار را نیز بسیج کرده و زیر رهبری پرولتاریا حرکت و مبارزه این اقشار را حول هدفهای دمکراتیک پرولتاریا بی سمت و سودا.

آیا کار بروی زنان زخمکش و متشکل نمودن آنان مستلزم مرحله ای معین در انقلاب است؟

در این رابطه دیدگاههای مختلفی بیان شده و میشود اگر چه بصورت مستند آنها را در دسترس نداریم ولی به جهت وجود چنین دیدگاههایی در جامعه است که به آنها برخورد نمائیم:
۱- دیدگاهی که معتقد است کارخان و سازمانها تنها در گذشته بر روی زنان می بایست پس از استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و زمانی انجام شود که زمینه شرکت کلیه زنان در تولید اجتماعی فراهم گشته است و در حقیقت کار متشکل بر روی

نظرات هواداران سازمان پیکار در شیراز

روز پنجمشنبه دوم بهمن ماه، رأس ساعت ۵/۵ بعد از ظهر نظراتی از سوی هواداران سازمان در شیراز، در خیابان نژاد، مقابل سینما پریسا برگزار گردید. حدود ۴۰ نفر در این نظرات موضوعی شرکت داشتند. نظرات با شعار "اتحاد مبارزه پیروزی" آغاز گردید. و با شعار "انحطاد مبارزه بهمت توده ها، سنگر خود را بگشا"، ادامه یافته رفقا پلاکاردهایی با مضامین "مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران"، "ارتجاعی، از قحطی و گران، مردم به تنگ آمدند" با خود حمل میکردند. در طول نظرات تعداد زیادی اعلامیه بین مردم پخش شد که با استقبال پر شور مردم روبرو گشت. مردم با عطا اعلامیه ها را میخواستند و سپس آنها را تا زرد در جیبشان میگذاشتند تا برای دیگران بپرند.

هنگامیکه صدای شعارها در فضا بلبلین انداخت ارتجاع بوحشت افتاد. حدود ۲۰-۳۰ نفر فاضلا از با چوب و زنجیر به تظاهرات کردند و حملات کردند و به ضرب و شتم شرکت کنندگان پرداختند. اما مرتجعین با تمام تلاش خود نتوانستند مردم را بدنبال خود بکشند. برعکس مردم از نظرات استقبال خوبی کردند و برخی از آنها به صفوف ما پیوستند. چندتن از شرکت کنندگان پس از پایان نظرات توسط عمال ارتجاع دستگیر شدند.

پیکارگران در میان توده ها بذو آگاهی می پاشند

تهران، میدان راه آهن پنجشنبه ۱۸ دیماه بیش از ۲۰۰ نفر از هواداران سازمان برای دادن آگاهی به توده های زحمتکش به میسبان آنان رفته اند. عصر است ولی فعالیت افشاگرانه پیکارگران سکوت هر روز را شکسته است. پخش اعلامیه، فروش پیکار، تابلوهای افشاگرانه، بحث های آگاهی بخش محیط پرشوری ایجاد کرده بود. زحمتکشان ما با علاقه به کسب آگاهی از زینک های آگاهی استقبال میکردند و نشریه و اعلامیه طلب میکردند و به گفتگو میپرداختند اما پاسداران جهل و سرمایه، نگهبانان رژیم ارتجاعی سرسیدند و وحشیانه به جوانان انقلابی یورش بردند. عده ای از رفقا دستگیر شدند اما راه سرخ مبارزه چون افق روشن همچنان در برابر کمونیست ها گشوده است پس زنده بساد پیکار توده ها!

ونا بودی است. تلفیق عملیات نظامی و پارتیزانی با اعتمادات عمومی سیاسی کارگران کشاورزان، کارمندان، دانشجویان و... حیسات اقتصادی کشور را فلج ساخته و رژیم حاکم را کاملاً مستأصل نموده و او را به واردات ساخته تا با اعلام حکومت نظامی و دریافت کمکهای نظامی جدید از آمریکا به مقابله وحشیانه تری روی آورده. امپریالیسم آمریکا نیز پس از شکست در نیکاراگوئه با تمام قوا میکوشد تا رژیم مزدورشان را نجات دهد. اخیراً وزارت امور خارجه آمریکا در اطلاعیه ای اعلام نمود: "ایالات متحده به منظور حمایت از دولت "خوزه ناپلئون دوارت" رئیس جمهور کنتونی السالوادور، معادل ۱۰ میلیون دلار کمک نظامی که شامل مقادیر وسیعی سلاح، مهمات و چند فروندهای کویپتر جدید جنگی به همراه تعداد زیادی مستشار نظامی است، به این کشور تحویل خواهد داد."

بدین ترتیب ما شاهد می کنیم که چنانچه پیکاران و شتگتن چگونه به سرکوب متمرکز انقلاب برخاسته است. البته فراموش نباید کرد که آمریکا علاوه بر کمکهای گسترده نظامی به رژیم ناپلئون کشتیهای جنگی خود را به سواحل السالوادور فرستاده و رژیمهای مزدور همسایه السالوادور مانند "هندوراس" و "گواتمالا" خواستار تسلیحاتی خود را به سرکوب توده ها و انقلابیون السالوادور میباشند. در همین ارتباط در حال حاضر ارتش های این دو کشور شهرهای مرزی که تحت کنترل انقلابیون میباشند را بمباران میسازند. اما در مقابل تمام این جناحیات سرکوب ها انقلاب خلق دلاور السالوادور به پیش می تازد. لیکن فراموش نکنیم که خلق السالوادور تا پیروزی قطعی راه درازی را در پیش دارد و موانع زیادی را باید از سر بگذراند. در حال حاضر نیروهای سازشکار میکوشند تا جنبش را به سازش بکشند و مهمتر اینکه در اوضاع فعلی طبقه کارگر السالوادور فاقد حزب مارکسیستی - لنینیستی خود میباشد. این ضعف اساسی جنبش خطر مهلکی را در بر دارد و آینه تهدید میکند. مبارزات طبقه کارگر و توده های ستمدیده السالوادور سیاست "حقوق بشر" کارتر را رسوا نموده و بر امپریالیسم نکی ضربات مهلکی فرو آورده است. این مبارزات با اتکاء به قهر انقلابی ارتجاع حاکم را به سمت سقوط نهائی گشاده و تترهای رویزیونیستی و ضد انقلابی "گذا رسانی" "خوشحقی" را یکبار دیگر رسوا ساخت. این مبارزات درس دیگری بود برای خلقهای جهان و نشان داد که برای پیروزی بر دشمن باید انقلاب کرد. اما این مبارزات علیرغم تمامی این دستاوردهای گرانبهاکه به قیمت خون هزاران آزادیخواه به چنگ آمده، بسودن رهبری طبقه کارگر نمیتوانند به پیروزی قطعی و نهایی دست یابند.

ولی فلسطینی ها که تلاشی سابق شان بنحوی زنده های به شکست انجامیده بودند هنوز قسبول نکرده اند که عضوان هیات باشند. از طرف دیگر رهبری جنبش فلسطین که بدنبال سیاست غیر انقلابی خود و عدم اتکاء به نیروی انقلابی عظیم توده های فلسطینی میکوشد دنیا زهای جنبش (پیروزی دنیا زهای فراوان مالی آن) را با نزدیکی به رژیمهای نظیر سعودی مرتفع سازد. و با حمایت اینگونه رژیمها برخورداربا شدت درجانه - زدنهای بین المللی از "نفوذ" این رژیمها با صلاح استفاده کنند. در این کنفرانس نتوانست به نتایج مسالمانه فلسطین - ولودرظا هر دستا رودی داشته باشد. مسالمانه فلسطین و قدس به مسالمانه درجه چندم کنفرانس افت کرد و پیشنهاد عرفات برای آنکه این "رهبران دول اسلامی" برای آزادی قدس در مکه با صلاح سوگند یابد کنند، مورد قبول واقع نشد. (لابد رهبری جنبش مقاومت در توجیه اقدام خود، زیر لبی به توده - فلسطینی خواهد گفت، با این پیشنهاد آنها را افشا کردیم و ما هیئتشان را بر ملا ساختیم) در پایان بدنیست اما فکرتیم که رژیم سوریه که "محرمان" رژیم ایران است و حافظ اسد که از با صلاح چهره ای انقلابی پیش سران حزب جمهوری اسلامی برخوردار است چنان از نتایج کنفرانس بی نفع قضیه فلسطین یاد کرده که گوشه فلسطین همین روزها آزاد میشود!

قطعاً ما کنفرانس این پیشنهاد سعودی را تصویب کردیم که یک "صندوق توسعه و عمران اسلامی" تشکیل شود که سعودی یک میلیارد دلار سهم گذاشته است. هدف از این صندوق حمایت از رژیمهای ضد خلقی وابسته به آمریکا و سرکوب جنبش های کمونیستی و ضد امپریالیستی است. رویه هر فته این کنفرانس ارتجاعی یک "گسل" بی نفع آمریکا در دروازه نشاندن ما بدون شک توده ها که با زیرک اصلی و نهائی میدان اند، سرانجام آمریکا و دست نشاندگان و نیز رقیبانش محنت بیرون خواهد کرد. این حکم تاریخ است!

بقیه از صفحه ۲۱ انقلاب...

که برای رهاشی از یوغ مرتجعین باید صلاح بدست گرفت و مسلحانه حکومت ستمگران را نابود ساخت. آری، این توده های مصمماند تا پیروزی را به چنگ آورده و دشمنان خود را شکست دهند. از ابتدای سال جدید میلادی همزمان با روی کار آمدن ریگان تبهکار نیروهای انقلابی السالوادور در حلقه نظامی خود را بطور بیسیایه گسترده ساخته و کارگران و سایر توده ها نیز به مبارزات سیاسی وسیعی پرداخته اند. بنحوی که در حال حاضر پنجاه شهر السالوادور در دست انقلابیون قرار داشته و رژیم حاکم در حال سقوط

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آنکه باید دلیل بیاورد آیت الله خمینی است نه ما!

خوزستان و فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی، این قاتل فرزندان خلق ستم‌پسند عرب و این لیبرال آمریکائی و کاندیدای ریاست جمهوری را بطور مستندا فشا کردیم.

۳ - ما تیمسار را کور رئیس ستاد مشترک ارتش را که در زمان شاه پست مهمی در رکن داشته و رابط بین مستشاران آمریکائی و ارتش بوده است افشا نمودیم پس از چند مساعده بعنوان خائن از کار برکنار نمودیم و ما همچنین فلاخی، علوی مقدم و بسیاری دیگر را فرماندهان دست پرورده آمریکا و شاه را برای خلق افشا نمودیم و این آیت الله خمینی و دیگر سران رژیم بودند که همیشه از انسان دفاع می نمودند. ما را بطنه با آمریکا و دیگر امپریالیستها، خریدار سلاح در همین دوره بسط اصطلاح تحریم افشادی و با اصطلاح قطع رابطه با آمریکا را با اسناد افشا نمودیم (پیکار ۸۷)

ما خیانتهای بسیاری روحانیون بزرگ مراضه خدایان را طی سالهای گذشته و فتوای آنها را بنفع فئودالها، سرمایه داران و روابط نزدیک و تا شید میز آنان با رژیم قاجار و پهلوی را با اسناد غیر قابل انکار افشا کردیم.

ما فرمان عفو و اکیهات توسط آیت الله خمینی را "نازشت به جنان پیکاران ساواک" خواندیم (پیکار ۴۸ مورخه ۱۱ فروردین ۵۹).

رژیم ما دوفریا دبراه انداخت و ما را مجبور داتها مات کونا کون قرار داد دولی پس از چند ماه خود آیت الله خمینی از سرور شکستگی گفت: "این عفو و اکیهات، خلاف واقع شد!"

ما بهمین ترتیب قطب زاده، یزدی، جبران، بنی مدر، بازرگان، معین فروبهرستی و رفسنجانی و اکبر پرورش و بسیاری دیگر از هر دو جناح رژیم یعنی حزبیه و لیبرالها را افشا نموده و توده ها را نسبت به خیانتهای آنها هشیا نموده ایم.

ما برای تمام حرفیه و موضعگیری هایمان دلیل آوردیم. ما کمونیستیم و به توده ها جسز حقیقت نمی گوئیم در صورتیکه این طبقسات ارتجاعی و رژیمهای فدا انقلابی هستند که نسا - کزیرنده توده ها دروغ بگویند تا بشناسند - کرده شان سوار شوند و آنها را استعمار نمایند.

این آیت الله خمینی و دیگر سران رژیم جمهوری اسلامی هستند که با بد برای اتها مسات و قیحا نه خود به کمونیستها و نیروهای انقلابی، دلیل بیا و رندا ما آنها هرگز نخواهند توانست

افشاکری های ما و دیگر کمونیستها و نیروهای انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی را کلافه کرده است. "گرفتن مج مجرم در حین ارتکاب جرم" عوامفریبی رژیم را بارها رسوا کرده است و سران رژیم را مجبور نموده که به برخی از خیانت ها بی که هرگز حاضر به افشایش نبودند اعتراف کنند. مثلا در رابطه با افشاکری های مستند ما آنها مجبور شده اند به شبهه ای از اموال بی حساب "بیت المال" را که به جیب روحانیون شیعه و سنی ریخته اند اعتراف نمایند و بیسایا بپذیرند که آری ۲۵۰ میلیون تومان را رفسنجانی از خارج اسلحه خریده است و با بسیاری رموارد دیگر که هنوز جزا تا اعتراف به برخی از آنها را نیافته اند مثل اسناد جا سوخته اند آمریکا و ملاقات بهشتی با موریس سیا.

آیت الله خمینی در سخنرانی ۲۹ دی ماه خود برای مقابله با اینگونه افشاکری ها میگوید:

"گروههایی هستند که می خواهند یکی یکی اینها را که مشغول خدمت (درواقع خیانت!) به این مملکت هستند از نظر مردم بیاندازند و آنها را از ملت جدا کنند. با بد توجه داشته باشید که اینها که آمدند و مطلبی را گفتند مج ششان را بگیرید که این آقائی که تومی گوئی فسلان است دلیلت چیست؟ و ببینید چه خواهد گفت. آن کسی که مثلا در ارتش هست فرمانده ارتش هست اگر گفتند فلان کار کرده ام چش را بگیرید که دلیل شما برای این مطلب چیست... آنوقت است خواهد فهمید که دلیل در کار نیست. فقط تسلیفات هست که می خواهند شخصیتها را بشکنند... اشخاصی که من بیش از بیست سال است می شناسم و می دانم چه اشخاصی هستند لکه دار می کنند... (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۲۵)

ما بر اساس وظیفه انقلابی و کمونیستی مان دشمنان زحمتکشان را در هر چهره ای با شناسد افشای کنیم و تا آنجا که در توانمان است کرده ایم. سیر و تاریخ طی دوسال گذشته تنها صحت تحلیل ها و موضعگیری ها و افشاکریهای ما را ثابت میکنند.

۳ - ما فرماندهان دست پرورده آمریکا را که طی "توطئه سازش بیک شبه" مسلحان و مردمی شدند بیک افشا نمودیم ولی شما وقیحا نسه ما را بخاطر این حقیقت گوئیها "ریکائی" و فدا انقلابی" نامیدید اما سرانجام صحت سخنان ما ثابت شد.

۳ - ما تیمسار را در رفسنجانی را در پیکار ۶ (۱۴ خرداد ۵۸) افشا کردیم و بهیزا دنیوی پس از متجاوزانیکسال در سخنرانی نماز جمعه دانشگاه علام کرد که او را ما بیونر بوده است.

۳ - ما تیمسار را قری را در پیکار ۴۷ مورخه ۲۷ اسفند ۵۸ افشا کردیم و چیزی نگذشت که او به عنوان کسی که با سیا ارتباط داشته دستگیر شد.

۳ - ما در شما ره های متعدد پیکار، تیمسار سید احمد مدنی، "دست راست امام" استاندار

برای دروغهای گویلیزیشان دلیل بیاورند. این دروغها از کینه طبقاتی آنان نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی مایه میگردد و همین گویندگان را افشای می نماید.

رژیمها بد برای ادعای وقیحا نسه اتی دلیل بیاورده میگوید:

کمونیستها و نیروهای انقلابی "فدا انقلاب" هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "امریکائی" هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "ساواکی" های "دیروزند!"

کمونیستها و نیروهای انقلابی با بختیار و اویسی در کردستان همدستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی خرمسار روستاکیان را آتش میزنند!

.....

شما از سرعجز و درماندگی به بازی کردن با احساسات و عواطف اخلاقی توده ها پرداخته اید. کردید که "قرص فدا ملکی" و "روابط نامشروع" را در بین کمونیستها و انقلابیون سراغ کرده اید. زهی بیشرمی!

کمونیستها از سرمایه داران و دیگر نیروهای ارتجاعی سرگزانتظار رحمت و راستگوئی را ندارند. منطق مبارزه طبقاتی بین کارگران و سرمایه داران، بین خلقهای تحت ستم از یک طرف و امپریالیستها و عمال و همدستان آنها از طرف دیگر حکم میکند که قهر انقلابی بین دو دسته حکمفرما باشد.

ما مصممانه به افشای ارتجاع و دشمنان خلق ادامه خواهیم داد. سرانجام این کارگران و زحمتکشان هستند که آگاهانه مواضع ما را تا شید خواهند کرد و دشمنان خود را به زیاده ان تا ریخ خواهند افکند و جمهوری دمکراتیک خلق را به رهبری طبقه کارگر جهت نیل به جوامع سوسیالیستی برپا خواهند داشت.

بقیه از صفحه ۱۰ چراغی

انقلابی هستند نه آمریکائیها! شما در انواع شکنجه ها اساتاد شده اید که یکی از آنها هم شکنجه ای است که ۱/۵ میلیون آواره این جنگ ناعادلانه از دست شما می بینند، مگر "مجلسیان" خود شما در "مجلس شورای اسلامی" تان اعتراف نمیکنند که بیش از ده روز به هزاران تن از آنان غذا نداده اید، آیا اینها شکنجه نیست؟ شما صدها نوع شکنجه دیگر را نیز که بصورت فقرگرانی و فلاکت نصیب میلیونونها تن از توده های زحمتکش میهن ما ست بلیدید.

لازم نیست قسم بخورید که آمریکا شیها را شکنجه نکرده اید، این را توده های آگاه میدانند آنها اینرا نیز میدانند که چرا زبان "هیسات بررسی" شایعه شکنجه" در مورد شکنجه کمونیستها و انقلابیون بند آمده است و با همه وقاحت ششان هنوز جزا تا تکذیب آن را نیافشاند. در منطق شما مگر نه این است که "شکنجه ای که به انقلابیون میتوان داد، هرگز و گانهای آمریکایی حرام است؟"



هر روز که بیکدر در چشمه نازهای از عقاب - ماندگی، ارتجاعی بودن، و ضد خلقی بودن رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن اصل ولایت فقیه استوارتر میسرود.

هر روز که بیکدر در زمانه هیت فدا نقلابی - رژیم کدو "ولایت فقیه" استوار است بسرود - شکری کما رمبرود.

هر روز که بیکدر در کارن دهقان و عیوم زحمتکشان میهن ما بیشتر درک میکنند که آنچه بنا طورش انقلاب کردند در سیاسی بدان، در این رژیم فریبکار ریسر نیست.

هر روز که بیکدر در رژیم سوسی مستتری بکار میگردند با برخی عقب نشینی تا راکه تحت فشار توده های انقلابی انجام داده چمران کنند آنچه راکه بیرو را زو گرفتند است، پس بگیرد.

هر روز که بیکدر برای سوده های بیشتر روی میگردند که سوسیستهای راستین که از روز اول بدین رژیم همدا دنگرند و به جمهوری می رای نداند چگونگی بدستی ماهیت رژیم را درک میکنند.

روز به جمهوری اسلامی تحت فشار انقلابی سوده های زحمتکش میگردند، گاه قوا شینی وضع کنند که برای کارگران و زحمتکشان حقیقی شامل نیست، منجمله تصویب طرح اصلاحات ارضی.

در میهنها به سوده دسته تقسیم میکنند، دسته اول مربوط سوده تقسیم سوده های با بر، دسته دوم زمینهای را در بر میگردند که قبلا "متعلق به فئودالها و زمینداران بزرگ بوده و حالا به فئودالها و زمینداران بزرگ فراری هستند در اختیاری دولت میماند اما ما دسته سوم مربوط به زمینهای موجود و حاصلخیزی است که هم اکنون در اختیار زمینداران بزرگ است و سالهاست دهقانان زحمتکش روی آنها کار میکنند و استثماری میشوند.

اصل دعوا هم بر سر همین مسئله سوم است. پس او تصویب این طرح در "شورای انقلاب" ز طرف مجتهدین بزرگ و شخص آیت الله خمینی فشار برده شده که برای این طرح متوقف شود و بهیشتی هم در او مثل آذرما ۵۹ه مودیا نه گفت که مسام گفته اند که تلاش روی دسته اول و دوم متوقف میگردند.

بعضی دسته سوم که اصل فقیه است فعلا هیچ اثری در چینه های اجرای اصلاحات ارضی و اقداسات اساسی به نفع دهقانان و دیگر زحمتکشان از این رژیم ندارد! منتظرانست و هر چند این قوا شینس عمدتاً از مرحله حرف خارج نشد و اگر چیزی عملی گشت سخا طرفیست توده های زحمتکش بود تا این رژیم را طرفدارها مطلق "مستضعفین" بیندارند.

ولی هر چه زمان میگذرد و رژیم جس میکند که سوسیست مطلق "حرف از بل گذشته" است عقب نشینی - های خود را پس بگیرد.

ما در پیکار ۷۴ مورخه ۷ مهر ۵۹ دوسند یکی با همای آیت الله کلبا یگانی و دیگری با مری ضرب ۵۹ شماره مدرسین برجسته "حوزه علمیه قم" که اغلب آنها مورد اعتماد دوشا یبند "امام" هستند، چا کردیم که ما در زمینهای بزرگ به نفع کثرتوران را "خرا" مرمده بودند! اینگونه

ما در پیکار ۷۴ مورخه ۷ مهر ۵۹ دوسند یکی با همای آیت الله کلبا یگانی و دیگری با مری ضرب ۵۹ شماره مدرسین برجسته "حوزه علمیه قم" که اغلب آنها مورد اعتماد دوشا یبند "امام" هستند، چا کردیم که ما در زمینهای بزرگ به نفع کثرتوران را "خرا" مرمده بودند! اینگونه

ما در پیکار ۷۴ مورخه ۷ مهر ۵۹ دوسند یکی با همای آیت الله کلبا یگانی و دیگری با مری ضرب ۵۹ شماره مدرسین برجسته "حوزه علمیه قم" که اغلب آنها مورد اعتماد دوشا یبند "امام" هستند، چا کردیم که ما در زمینهای بزرگ به نفع کثرتوران را "خرا" مرمده بودند! اینگونه

ما در پیکار ۷۴ مورخه ۷ مهر ۵۹ دوسند یکی با همای آیت الله کلبا یگانی و دیگری با مری ضرب ۵۹ شماره مدرسین برجسته "حوزه علمیه قم" که اغلب آنها مورد اعتماد دوشا یبند "امام" هستند، چا کردیم که ما در زمینهای بزرگ به نفع کثرتوران را "خرا" مرمده بودند! اینگونه

جماعت ولایت فقیه در سرده مقافان

بزرگان نظر و مرجع بالقد و حضرت آیت الله العظمی آخوند خا ح شیخ بهاء الدین، خلاص مدظله العالی راجع به طرح غیر اسلامی اصلاحات ارضی، مرمده تورق انقلاب

بسم الله تعالی

بند بزرگوار و شکر گزار این است که در این زمان

در این کشور که در آن همه مردم در یک کشورند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

و در آن همه مردم در یک سرزمینند و در آن همه مردم در یک سرزمینند

متعددی مثل آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله کلبا یگانی و آیت الله قمی به نفع زمینداران و علیه دهقانان و زحمتکشان فتوا داده اند.

و اینک فتوای دیگر را ملاحظه میکنید، که از جانب آیت الله محلاتی (بزرگترین مجتهد شیراز) حدود ۳ ماه پیش صادر شده است. توجه داشته باشید که روابط نزدیک آیت الله محلاتی با فئودالها و خوانین فارس زبا نزد مردم شیراز می باشد. او به خاطر آنکه ادعای رهبری دارد، حاضر به تسلیم در برابر آقای خمینی نیست و در یکی دو سال گذشته تقریباً عزلت گزیده است. در فتوای که کلیشه آن را ملاحظه میکنید آقای محلاتی بسا استفادها از "حق ولایتی" که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد، اجرای اصلاحات ارضی "قلابی شورای انقلاب" را هم حرام می شمارد و میگوید که روستائیان حق ندارند از آبی که "متعلق به مالک" است حتی "وضو بگیرند".

روستائیان بر اساس حکم شرع و ولایت فقیه نه تنها حق دارند بلکه با ید در زمین "مالک و فئودال" جان بکنند و عرق بریزند! ولی حسی ندارند با آب جوی مالک دست و صورتشان را بشویند!

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

زمینها به استکار دهقانان و شوراهای انقلابی آنها در دوره قیام پس از آن صادر شده بود و رژیم زترس توده ها فتوا بسته بود صدایش را در پها و روجه بعضی برای این عمل دهقانان توجیه شرعی هم پیدا کرده بودند، ولی مجتهدین بزرگی که حق "ولایت" دارند (!) وقتی که بتدریج آب از آسیا با افتاد در فایا خودشان را بتفصیح فتوا دلها و زمینداران بزرگ بلند نمودند.

بر اساس اصل ولایت فقیه این مجتهدین "قیم" مردم هستند و هر چه رای شان تقاضا کرد و تیغشان بر برید میتوانند اجرا نمایند.

ما طی سلسله مقالاتی در پیکار مهر و آبان ۵۸ ارتجاعی بودن اصل ولایت فقیه را روشن کردیم و آن را بمشابه قانونی که میتوان آن را به رسوم ملوک الطوائفی و قاشون جنگل تشبیه کرد افشا نمودیم و گفتیم:

"... تازه مشکل اینجا است که کار "ملست" به یک "قیم" ختم نمیشود که بقول معروف بگوئیم "مرگ بیکبار، رشون بیکبار" بلکه فاجعه اینجا آغاز میشود که حتی اگر قاشون اساسی هم تصویب شود و در کشور فقیه علم و رسمی هم داشته باشیم بر اساس همین "ولایت فقیه"، آن فقیه علم و رسمی و حاکم نمیتوانند جلوی فقیه دیگری را که نظری مخالف او را رد بگیرد و آن فقیه میتوانند بر اساس تشخیص خود "حدا سلام" را اجرا کنند..."

تاکنون غیر از آیت الله خمینی که در تقدیس مالکیت (زمین) (۰۰۰) یعنی به نفع زمینداران بزرگ و سرما به داران فتوا داده است (رجوع شود به پیکار ۷۵ دهم شهریور ۵۹ کلیشه چند فتوای امام)، مجتهدین درجه اول

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۹

سندرا بدقت بخوانید که خود گویاست! مرگ بر سر ما به داران و زمینداران بزرگ مکنده خون کارگران و دهقانان!

مصاحبه "مجاهد" با قاسم ملو: ضربه‌ای بر جنبش انقلابی

دمکرات همان نیروی است که بطور پنهانی با عوامل بیعت عراق همکاری داشته و مترصد موقعیت مناسبی است تا به اقدام خائنانانه تجزیه طلبی دست بزنند. حزب دمکرات همان نیروی است که پیوسته کوشیده است از تعمیق مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد جلوه‌گیری کرده و این جنبش را فرباسی منافع فدا انقلابی و بورژوازی خود بنماید. آری ارکان مرکزی سازمان مجاهدین با سرکرده چنین نیروی به معنای حبه نشسته و تمام اقدامات فدا انقلابی و تمام سازشکاریهای حزب دمکرات را تطهیر نموده است. مجاهدین از موضع باثبات میروند و "تاییدات" در مورد حزب را از زبان قاسم ملو "تکذیب" کرده و بدون هیچگونه مرزبندی با مشی سازشکارانه و فدا انقلابی حزب، عملاً به حمایت از حزب دمکرات دست زده‌اند. جالب است که سازمان مجاهدین در کنار همان مجاهدین در طلب دیگری و قبحا نه به نیروهای کمونیستی فعال در کردستان بعنوان "گروههای چپ رو" حمله کرده و آنها را فراهم کننده "شرایط سرکوب خشن" حلی کرده معرفی کرده و با زمین نیروها را در کنار خائنین فداگرایان اکثریت قرار داده و در نتیجه آنان را به "محیز کوبی قدرت مداران" متهم نموده است.

براستی چرا سازمان مجاهدین از یکسویه حمایت از حزب دمکرات برداشته و از طرف دیگر به حمله علیه کمونیستها و انقلابیون اقدام نموده است؟ برآستی چرا این سازمان از مشی سازش در برابر مشی انقلاب حمایت میکند؟ آری این

سازمان مجاهدین خلق ایران بخاطر آنکه در حمایت از خلق دلاور گردیده و دچارانفعال بوده و به وظایف انقلابی خود در قبال این خلق ستم دیده عمل نمی کند با رها و به درستی مسورد استفا دشوهای جنبش کمونیستی فرار گرفته است. اسن واقعیتی است که در طی دوره ۲ ساله حکومت شکن جمهوری اسلامی، در مقابل جنایات و کشتارهای گداین رژیم نسبت به خلق کرد و نیروهای انقلابی و کمونیستی فعال در کردستان رو داداشنه، سازمان مجاهدین اساسا ساکوت کرده است. به عبارتی دیگر سازمان مجاهدین نه تنها به وظیفه خود جهت شرکت در جنبش مقاومت خلق کرده هیچگونه اقدامی ننموده، بلکه همچنین از مبارزه این خلق دلیرو پیشرگان انقلابی آن حمایت ننموده است و نیز پیوسته فعالیت انقلابی کمونیستهای را که فعلا لانه در کردستان پیکار کرده اند به عنوان "چپ روی" تخطئه نموده است. این امر ناشی از کدام واقعیت بوده است؟ این امر انعکاسی از ناپیگیری طبقاتی و مشی راست روانه مجاهدین است. عدم برخورد انقلابی مجاهدین به قدرت سیاسی و ویژه مماشات طلبی با لیبرالهای خائن رابطه مستقیمی با عدم حمایت فعال از جنبش خلق کرد دارد. البته رهبری سازمان مجاهدین پیوسته این ادعا را داشته است که از مبارزه خلق کرد پشتیبانی نمی نماید، اما زمانی واقعبینان ادعا روشن می شود که می بینیم سازمان مجاهدین تا بحال حتی یک مقاله در تائید جنبش مسلحانه خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی منتشر نکرده است، تا بحال حتی یک مقاله افتخارانه در باره جنایات تمام می جناحهای هیئت حاکمه ارتش و سپاه پاسداران حکومت در کردستان انتشار نداده است و تا بحال حتی یک مقاله در تائید حرکت انقلابی کمونیستها مانند کومه له و سازمان مادرچ ننموده است. آری اسن مماثلت تفاتی نیست، هما طور که حمایت از نیروی سازشکاران مانند حزب دمکرات و فردی چسبون قاسم ملو اتفاقی نمی باشد.

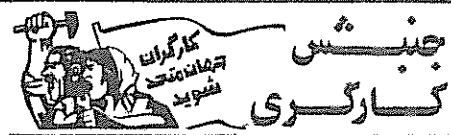
اخیرا تشریح مجاهد شماره ۱۰۷ بدرج مصاحبه ای با قاسم ملو اقدام نموده است و به یکباره بر روی تمامی حرکات سازشکارانه و فدا انقلابی حزب دمکرات آب تطهیر ریخته است. حزب دمکرات همان نیروی است که با رها کوشید با رژیم جمهوری اسلامی سازش کرده و منافع خلق کرد را به قیمت گرفتن امتیازاتی چند از بورژوازی قربانی نماید، اما زیر فشار جنبش مسلحانه خلق کرد نتوانست به جنبش خباثت عریانی دست بزنند. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس مشی سازشکارانه و فدا انقلابی خود با مصادره انقلابی زمین های مالکان توسط دهقانان زحمتکش شدیداً مخالفت کرده و عملاً به حمایت از مالکین دست زده است. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس مذهب طبقاتی خود به خلق سلاح نیروهای انقلابی مانند کومه له سازمان ما و راهکارگردست زده است. حزب

مسئله اتفاقی نیست. این سیاست ابورتونیستی و راستروانه مجاهدین نشان می دهد که مشی مترلزل و راست حاکم بر این سازمان است. این سیاست انعکاسی از ستمگری مجاهدین بسوی سازش طبقاتی و بورژوازی است. نیروی که در مقابل کمونیستها از نیروی بورژوازی دفاع میکند. تنها شما ییل طبقاتی خود را به نمایش می گذارد. ما در برابر حملات ارتجاع حاکم و رویزیونیستهای خائن به سازمان مجاهدین، از این سازمان حمایت میکنیم، اما ما سبوسه خود در برابر ناپیگیریها، مماشات طلبی، اسن واقدا ماتی عمیقاً انحرافی مانند حمایت از حزب دمکرات شدیداً بسیار زده دست میزنیم، ما این حرکت مجاهدین را در تضاد آشکار با منافع انقلاب قلمداد نموده و آنرا محکوم می نمائیم.

سازمان مجاهدین در توجیه عدم همکاری خود با نیروهای کمونیست چه برای نوده های خود چنین دلیل بیاورد که ارتجاع از این مسئله سوءاستفاده میکند، اما وقتی نوبت مصاحبه قاسم ملو پیش می آید تا تبتدر درشت در صفحه اول مجاهد درج میگرد و دیگر مسئله سوءاستفاده ارتجاع هم مطرح نیست! واقعا علت این سر خورد چیست؟ در حقیقت مجاهدین اگر به همکاری با کمونیستها دست نمی زنند در اساس خود ناشی از آنست که دارای خط مشی مترلزل و ناپیگیری و متمایل به بورژوازی میباشند. و بسبب همین خاطر است که عدم همکاری با کمونیستها مترادفاست با پشتیبانی از نیروی فدا انقلابی مانند حزب دمکرات و مماشات طلبی و سازشکاری با لیبرالهای خائن و وابسته. اسن برای علاوه بر اینکه این اقدام مجاهدین ناشی از مشی ناپیگیرانان می باشد، در عین حال در انطباق با حرکت و تاکتیک لیبرالها نیز قرار دارد. لیبرالها پیوسته کوشیده اند تا از طریق سرکوب و منزوی ساختن نیروهای انقلابی از یکسو و سازش با حزب دمکرات از سوی دیگر جنبش خلق کرد را به شکست کشانند و بسبب اصطلاح بطریق مسالمت آمیز در کردستان مسلح برقرار کنند. ملاقات اخیر ما بینندگان حزب دمکرات با بنی صدر در باره اجرای طرح ۶ ماده ای نیز بیان این کوشش مزورانه است (رجوع شود به انقلاب اسلامی ۹ بهمن) حال آنکه خط مجاهدین در انطباق با چنین سیاستی قرار نمیگیرد؟ آیا مجاهدین با مخالفت با نیروهای کمونیستی فعال در کردستان و با حمایت از حزب دمکرات به اهداف لیبرالها خدمت نمی کنند؟ سیر حال مجاهدین چنین هدفی را چه آگاهان و چه نا آگاهان ندانند. اسن در نتیجه محتوم آن خدمت به بورژوازی است و پرواض است که این امر ضربه ای است بر منافع انقلاب دمکراتیک - فدا مبر بالیستی خلقهای ما. و اضا فه کنیم که حزب دمکرات بسبب عنوان یک نیروی فدا انقلابی هرگز جنبش امتیازی را کسب نکرده بود که از آنال شربه ای مثل مجاهد در برابران معرفی شود و کسب وجهه نماید!

پیروزی با جنبش مقاومت خلق کرد





بقیه از صفحه ۴ نگاه می...

البته عملکردهای غلط و انحرافی کانون
ستوانت موجب جذب اینعده گردیده و حقانیت
خود را بدان ثابت کند.

نقش کانون در کسب حقوق کارگران

عملکرد یک اتحادیه را میتوان به دو بخش
تقسیم نمود: یکا در محدوده دفاع از حقوق یک یا
چند کارگر و یکا در حد اکثر کارگران یک کارخانه
ساقی میماند و گاه به منظور کسب حقوق کارگران
در سطح وسیعی، صورت میگیرد. یک بخش از عمل -
کردهای اتحادیه جنبه تدافعی دارد و از حقوق
کارگران در مقابل آنها چم کارفرما دفاع میکند
بجز جنبه تفریحی و تهاجمی دارد که بستگی
به شرایط جامعه دارد (شدت بحران، اعتسلائی
انقلابی، موقعیت انقلابی و...) البته وظیفه
اتحادیه است که مبارزات بخش اول را بسمت
مبارزات نوع دوم ارتقاء دهد.

در شرایط بعد از قیام زمینه مبارزات جمعی
و تهاجمی طبقه کارگر وجود دارد، اما غالباً خود
را بشکل تنگ جوشهایی نظیر مبارزه متشکل ۴۵
کارخانه در گیلان در سال گذشته، بروز می دهد
این بخاطر توهمی است که بعد از قیام مردم در همین
کارگران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بوجود
آمده بود، اما نیروهای متزلزلی که جنبه
تدافعی و عقب نشینی طبقه کارگر را عمده می -
کنند، قادر نخواهند بود در صورت فراهم شدن
زمینه یک حرکت تهاجمی آنرا سازمان دهند
بنحویت مثال سال گذشته هنگامیکه مبارزات
کارگران برای کسب سود ویژه در همه جا اوج
گرفت، رهبری کانون که در دست نیروهای
متزلزلی بود، در خواب خرگوشی فرو رفته بود.

بنابراین عملکرد کانون را در عملکردهای
پراکنده بخش اول میتوان خلاصه کرد که آنهم
بصورت بی برنامها، ناپیکرانه و مصلحت طلبانه
بود، اگرچه در جلسات عمومی کانون با رها به
وسیله عناصر انقلابی مطرح میگردد؛ کانون
میبایست موضع فعالی نسبت به مبارزات کارگران
در کارخانجات داشته باشد و با بدمثلا به کارگران
اعتما بی رهنمود بدهد، باید تاجرب کارگران
کارخانجات مختلف یکدیگر انتقال یابد...
ولی هیئت مدیره محافظه کار و مصلحت جوسوی
کانون به بیانه اینکه خواهند گفت کانون باعث
اعتما بات شده و آنرا تعطیل خواهند کرد! از
زیر مسئولیت خویش شانه خالی میکند.

بطور کلی باید گفت که اگر چه دامنه ترکیب
کانون بصورت منطقه ای (بجای اینکه به اتحادیه
- های بر حسب رشته های صنعتی تبدیل شود)
مانع بزرگی بر سر راه پیشبرد مبارزه در
کانون بود، و اگر چه تجمع کارگران در کانون

ارتباط پیدا کردن آنها با یکدیگر و دفاع بر -
اکنده کانون از مبارزات کارگران ایجاد چندشورا و
شرکت در چند حرکت اعتراضی، تا شیرات مثبتی
بودند که کانون بر مبارزات طبقه کارگر بجا
میگذاشت، ولی با این وجود، غلبه مشی انفعالی
و مصلحت طلبانه بر رهبری کانون باعث شد که
کارگران از کسب تاجرب با ارزش و پیشبرد
چشمگیر مبارزاتشان، محروم گردند. این مسئله
با ردیگر اهمیت نقش رهبری را در مبارزات
طبقه کارگر، بنمایش میگذارد. و نشان میدهد که
مبارزات این طبقه تا به آخر انقلابی اگر از
رهبری انقلابی واقعی خویش برخوردار نشد
نتیجه ای جز شکست نخواهد داشت.

حال به بررسی عملکردهای کانون در سه
جنبه اساسی آن میپردازیم:

۱- حرکت از بالا، نگرش غیر توده ای

و ناپیکری در کارها

حرکت از بالا و در نتیجه دید غیر توده ای، دیدگاه غالب
بر کانون بود. عدم همکاری نمایندگان کانون بر سر تبلیغ
اهداف کانون و ایجاد پیوند مستحکم با توده
کارگران، موجب توده گیر شدن فعالیت کانون
میگردید. زمانیکه نمایندگان کانون حاضر به
همکاری با یکدیگر نمی شوند، باید در فکر انجام
شیوه هایی بود که بوسیله آنها بتوان اهداف
کانون را بمیان کارگران برد، با آنها نزدیک
شدنشان داد که کانون یک تشکیلات خودی است
و برای تحکیم اتحاد کارگران با پیداز آن حمایت
کرد، ماهیئت مدیره نسبت به این مسئله بی -
توجه ماند.

ذکر یک نمونه نشان میدهد که چگونه کانون
میتوانست در توده ها نفوذ کند: بعد از فروردین
۵۹ مسئله تدوین قانون کار مسئله روز شده بود و
وزارت کار برای عوامفریبی مسئله مشارکت
کارگران در تدوین قانون کار را عنوان کرده
بود. کانون هم این مسئله را در دستور کار قرار
داد و برای جمع آوری نظرات و پیشنهادات
کارگران در این مورد اقدام به تهیه و پخش فرمی
در میان کارگران کارخانجات نمود که در ضمن
جنبه آگاهی دهنده نیز داشت. همچنین از هر
کارخانه نماینده ای انتخاب شد که پیرامون
مسائل مربوط به قانون کار برای کارگران
خود توضیح داد و مسئله را تشریح نماید. بدین -
ترتیب ارتباط مستقیمی بین کانون و کارگران
برقرار شد و کارگران از این عمل استقبال خوبی
کردند، اما دیدگاه انحرافی حاکم در رهبری
کانون قادر به درک اهمیت چنین شیوه ای نبود و
لذا ناپیکری خود را نشان داد. ویس از چند
مسئله بدست فراموشی سپرده شد. این امر تا شیر
منفی بر روی کارگران باقی گذاشت، آنها که
با شوق و ذوق فرم را پر کرده بودند، سؤال می -
کردند: "پس چی شد؟" و طبیعتاً بیاد کارهای
فرمانیستی وزارت کار میافتادند.

۲- کم بهادادن به مبارزات اقتصادی و دنباله روی از سیاستهای بورژوازی

اتحادیه کارگری تیلور مبارزات خودی -
خودی کارگران است که همواره از کانون مبارزه
اقتصادی آنان میگذرد، و در واقع واکنشی
است که کارگران بر اثر فشار سرمایه داران و
افزایش شدت استثمار، از خود نشان میدهند.
تشکیلاتی که بدین ترتیب بوجود میاید و محور
آن مبارزات اقتصادی است، مسائلی سیاسی
در آنها جنبه ثانوی بخود میگیرد. البته با رشد
مبارزه طبقاتی زمانی فرا خواهد رسید که محور
اقتصادی به سیاسی و اشکال عالیتر مبارزه
ارتقا یابد اما نشاندهنده های کارگری بولیوی
که چند ماه پیش مسلحانه در مقابل کودتای
آمریکائی در کشورشان، ایستادگی کردند، اما
اوضاع کشورها امروزه به گونه ای دیگر است.
اولا مبارزات کارگران عمدتاً اقتصادی است
و ثانیا مبارزات سیاسی کارگران با دیدیه
پیروی از مشی انقلابی بوده و نباید دنباله رو
سیاستهای بورژوازی باشد. حتی در شرایطی
نظیر اوضاع حاکم بر بولیوی هم که مبارزات
کارگران ارتقا میابد، بدون اعمال رهبری
انقلابی مبارزات مسلحانه کارگران نمیتوانند
به پیروزی برسند. بنابر این بهادادن به
مبارزات اقتصادی در شرایط مشخص ایران از
طرفی و کارگران را به دنبال سیاستهای
بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم انداختن
(توسط رهبری کانون) از طرف دیگر چنان کرد
که موجب سلب اعتماد کارگران نسبت به کانون
از یکسو و ایجاد آشفته فکری کارگران در مورد
مسائل سیاسی از سوی دیگر گردید. کارگرانی
که درک نادرست کانون از مسائل اقتصادی
و بی توجهی آنرا نسبت به این مسائل می -
دیدند، کم از دور کانون پراکنده شدند و حتی
بسیاری از نمایندگان نیز دیگر در جلسات
کانون شرکت نمیگردند.

۳- عدم وجود تشکیلات لازم و حرکت خود بخودی کانون

یکی دیگر از خصیصه های بارز کانون بی -
برنامگی آن بود که یکی از نتایج بوجودتیا -
وردن تشکیلات لازم برای هدایت حرکتش
بود. با نظرا فکندن به جلسات عمومی کانون که
جزا تلاف وقت، انجام بحثهای پراکنده و غیر
ضروری و خسته کردن شرکت کنندگان شمسی
نداشت، بروشنی به عمق این بی برنامگی پی -
میبریم. جلساتی که میبایست موجب جذب هر چه
بیشتر کارگران به کانون میشدند، نتیجسه ای
معکوس بجای میگذاشتند، و این در حالی است
که حتی بورژوازی در جلسات ضد کارگری خود، می -
تواند تا حدودی کارگران نا آگاه را جذب کند.
حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر
کانون شوراهای شرق تهران را بیان میکنیم:
بقیه در صفحه ۲۹



بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

بسته کفیل وزارت نفت (سا دا تم) خواهد بود. در قسمتی از قطعنامه چنین آمده است: "ما کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خوزین شهر مستقر در شیراز با تفریق نمایندگان شورای سراسری و به نمایندگی از طرف کلیه کارکنان جنگزده مستقر در شهرهای امپهان، ماه شهر، تهران، بوشهر، اراک و... اعلام میداریم که تجمع یکپارچه امروز ما در اداره پیش شیراز هشدار می دهد و بدو به شما (کفیل وزارت نفت) و سایر مسئولین که هر چه زودتر جهت آزاد نمودن همکاران زندانی ما و تحقق سایر خواسته های برحقمان حرکت کنید."

موارد سه گانه قطعنامه:

۱- آزادی بی قید و شرط و هر چه سریعتر کارکنان زندانی و رفع توقیف از سایر کارکنان جلب شده.

۲- معذرت خواهی از کارکنان جنگزده به خاطر حمله و توهین هائی که در این مدت به جنگ زدگان شده است.

۳- اجرای فوری و سریع خواسته های ماده ای مندرج در قطعنامه مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۵ کارکنان مبارزان!

تجمع کارکنان شیراز و نمایندگان شورای سراسری به حمایت از نمایندگان زندانی مشت محکمی بود. بردها در رژیم که قصد داشت با دستگیری نمایندگان به خیال خام خود، رعب و وحشت در دل کارکنان ایجاد کرده و آنها را برانگیزد.

کارکنان صنعت نفت عموماً و کارکنان جنگزده آبادان و خرمشهر خصوصاً از مبارزات دو ساله گذشته در سهای گرانبهای آموخته اند. آموخته اند که در رژیمهای سرمایه داری همچون رژیم جمهوری اسلامی، هیچ سلاحی جز حرکت آگاهانه، متشکل، یکپارچه و سازمان یافته قادر به تحقق اهداف منفی - سیاسی کارگران نمیشاند. بنابراین همچنان که یکی از نمایندگان آگاه بدرستی اشاره کرده از آنجا که اتحاد و یکپارچگی و حرکت متشکل و سازمان یافته شما ضامن آزادی نمایندگان و دست یافتن به سایر خواسته های شماست.

۱- با تشکیل اجتماعات هر چه مستمتر و گسترده تر و افشای سیاستهای حال و آینده رژیم در قبائل نوده های کارگری و بیوزنه کارکنان جنگزده صنعت نفت در هر چه متشکل کردن و سازماندهی حرکتی اعتراضی تلاش کنید.

۲- در جلب حمایت شوراهای کارکنان شاغل بیوزنه کارکنان شاغل صنعت نفت و سایر

يك خبر از قائم شهر

قرارت ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه شماره یک نساجی را بتدریج تا عید بازنشسته کنند طبق "قانون" میبایست به هر کارگری که بازنشسته میشود به ازای هر سال کار ۱۵ روز پاداش پایان خدمت بدهند. اما رژیم قصد دارد همین "قانون" را زیر پا گذاشته و به هر کارگر فقط ۳ ماه پاداش بدهد (کارگری که ۳۰ سال کار کرده طبق قانون میبایست ۱۵ ماه پاداش بگیرد). روز ۱۵/۲۹ حدود ۵۵ نفر را بازنشسته میکنند. کارگران که به تصمیم ضد کارگری رژیم اعتراض دارند مصمم هستند که در صورتیکه بخواهند طرح مذکور را اجرا کنند بسرکار بازرگیده و از بازنشسته شدن بقیه کارگران جلوگیری کنند.

بقیه از صفحه ۲۸ نگاهی ...

حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر کارکنان شوراهای شرق تهران را بیابان میکنم:

۱- عدم شناخت رهبری کارکنان از ماهیت و وظایف اتحادیه های کارگری و عدم توجه به این مسئله که کارکنان یک اتحادیه منطقه ایست و میبایست در جهت تبدیل آن به اتحادیه های رشته ای تلاش شود.

۲- حاکمیت دیدگاههای راست بر کارکنان و در نتیجه نا پیگیری، محافظه کاری و مصلحت گرایی که بشکل بارزی در اعمال کارکنان خود را نشان میداد.

۳- دید غیر توده ای و حرکت از بالا که نه تنها منجر به محروم شدن کارکنان از حمایت توده ها گردید، بلکه جو غیر دمکراتیکی را در کارکنان بوجود آورده بود که باعث بدبینی و عدم اعتماد نمایندگان و عناصر مبارزان نسبت به این تشکل میگردد (مانند تصمیم گیری های خودسرانه و شرکت ندادن سایرین در این تصمیم گیریها، توسط عناصر مسلط بر کارکنان)

۴- ضعف تشکیلاتی و عدم وجود سازماندهی مناسب برای پیشبرد هر چه بیشتر امر مبارزه و بطور کلی حاکمیت بی برنامه کاری بر کارکنان

۵- بی توجهی به مسائل اقتصادی و داشتن کارکنان به دنبال روی از سیاستهای بورژوازی حاکم بر جامعه. پایان

شوراهای جنگزده در هر منطقه برای آزادی نمایندگان فعلاً تلاش نمایند.

۳- با افشا و طرد نمایندگان سازشکاری که سعی در کند کردن و بیابان کردن جنبش مبارزات کارکنان دارند و با جایگزینی نمایندگان آگاه و مبارزان، در راه دیگالیزه کردن شوراهای جهت پیگیری خواسته ها و در برابر آنها آزادی نمایندگان بگویند.

(بمنقل از "فریاد آوارگان" ۱۲ - کمیته خوزستان)

بقیه از صفحه ۳ کارگران ...

۳/۵ بعد از ظهر تا ساعت ۶ بعد از ظهر میبایست در کارخانه ها باشند.

این دستور مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه ما که به نظر وزارت منابع و معادن هم رسیده است نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی و عوامل آن چگونه سعی دارند با توجه به احتیاج کارگران، آنها را بیشتر استعما رکنند. بدنیال این اعلامیه شما مکارگران در ساعت ده صبح همین روز دست از کار رکشیده و به مخالفت با آن بلند شوئید آنها میگویند ما اضافه حقوق میخواهیم اینها به ما اضافه کاری میدهند تا زه اگر ما اضافه کاری کنیم زحمت میکشیم و حقوق خودمان را نمیگیریم در صورتیکه ما خواهان اضافه حقوق هستیم. حقوق ما کم است و مخارج زندگی بالاست و تا زه شب عید هم نزدیک است، ما خودمان هیچی، ولی باید برای بچه هایمان لباس و کفش ... تهیه کنیم، این حقوق ما خرج ده (۱۰) روز ما را هم کفاف نمیکند چه برسد به مخارج دیگر. آخر

مگر ما انقلاب کردیم که اینطور بدم ما برس اگر ما از کوره در برویم هیچکس جلودار ما نخواهد شد. چند تن از کارگران میگفتند اگر ما اتحاد داشتیم همان روز اول حقمان را گرفته بودیم، حیثیت اتحادی بین ماها نیست اما مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه ما، بلافاصله دست به کار توطئه شکستن اعتماد شدند، آنها توسط شما زحمت ظهر که تعداد حدود صد و پنجاه نفر در آن شرکت داشتند بین کارگران نفاق انداختند آنها میگفتند که شما بعد از نمازتان بروید سر کارتان چونکه دولت دستور داده به هیچ وجه اضافه حقوق پرداخت نشود، و از این جور حرفها، تا اینکه بالاخره این برادران ما را قریب داده و آنها بعد از نماز به سرکار خود رفتند، گریسه کارگران دیگری به آنها اعتراض میکردند، روز سه شنبه هم تعداد حدود پنجاه در صد کارکنان برای اضافه کاری از ساعت ۳/۵ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر ایستادند، و متأسفانه با ردیگر عدم اتحاد تشکل ما کارگران و نا آگاهی گروهی از میان ما، باعث شکست مبارزه برحقمان شد. گرچه فردا چنین نخواهد بود و بیزودی سیل خروشان کارگران، تمام این خائنین و دشمنان طبقه کارگر را درهم خواهد کوبید.

دوستان کارگر!

ما کارگران کارخانه لیلانند موتورز، تنها با اتحاد و تشکل خود با آگاهی به توطئه های مدیریت و شورای قلابی و انجمن اسلامی که بر علیه منافع ما انجام میدهند، میتوانیم مقابله کنیم.

شورای واقعی ایجاد بید کرد انجمن اسلامی این چشم و گوش حزب جمهوری منحل بید کرد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

«ملاحظات کوتاه»

را بیستریس ندادند و میترزا همه "توبه" هم نکردند تا "تکا مل معنوی" پیدا کنند! (تکا مل و ارتفاع مادی مهم نیست، مال دنیاست و نباید به آن دل بست!) پس دیگر چه میخواهند؟

میخواهند که هر چه زودتر دولت "فدامیریا" - لیست "روایت آسکار" را آنها برقرار کنند و جاسوखा به راه آنها بازگردانند... واقعا که آمریکا شیبا بجزنا سیاسی بودن عجل هم هستند آخر با یک کمی صیرداست با شید مگر نسیده اید که آقای رفسنجانی گفت مردم الان قبول نمی کنند که ما با آمریکا رابطه برقرار کنیم، پس آمریکا شیبا با بد مقداری "صیرا نقلایی" پیشه کنند، تا مردم با بیوی "فدا میریا لیستی رژیم و جنایات امیریا لیسم آمریکا با دنا ن برود، در آن موقع خود رژیم جمهوری اسلامی فی الفور بد بکار خواهد شد و به پینوا ز آمریکا خواهد رفت.

نکته: اما یک نکته بسیار بی اهمیت و کوچک ممکن است محاسبات رژیم جمهوری اسلامی را در هم بریزد و آن نظارت آمریکا را برای باز پس گرفتن سفارتش ابدی سازد و آن اینست که از بد شانس رژیم جمهوری اسلامی و امیریا لیسم آمریکا کارگران و زحمتکشان ایران فرا موکدا رنیستند و برخلاف رژیم و افعا فدا میریا لیست هستند و املا شوخی هم گالیان نیست و از "محبت" نسبت به امیریا لیستها هم هیچی سرشان نمیشود

کمونیستهای و انقلابیون "لمنتی" هم می به آتش آنها دامن میزنند

پدرشان را در آورده ایم!

یکی از نامه جمعه در خطبه نماز ش از آواز آدی کروگا آنها با رضایت خاطر و نیش باز گفته است: "آقدر آادی کروگا آنها را عقب انداختیم و داغ بدل کارتر گذاشتیم تا با لآخره شمساعت بس از آنکه او از "کاخ سفید" خارج شد کروگا آنها را آزاد کردیم البته ما مجمه مذکور با خنگی تمام میخواستیم است خنگی دل خود را به شتوندا نشان منتقل کند ولی این قضیه ملاحظه نویس را به یاد داستانی انداخت که میگویند: مردی با زنش در راهی میرفت راهزنان به او حمله کردند و بسا دایره ای بر زمین کشیدند و او را گفتند که حق نداری با ازدا بره بیرون بگذاری و خودیسه دزدی اموال و هنگ ناموسش بر داری خند و سیس رفتند زن فریاد کشید که بی غیرت چرا مدامت در دنیا مد مردم گفت: هس! پدرشان را در آوردم وقتی آنها به کارسان مشغول بودند من حدیابا با ایزدا بره بیرون گذاشتم!



رژیم جمهوری اسلامی و درسی که از گوبلز گرفته است!

گوبلز وزیر تبلیغات هتلر بود، او معتقد بود دروغ را چنان با صد بزرگ گفت که کسی باور نکند چنان دروغ بزرگی هم می توان گفت و بناچار آن را باور کنند!

رژیم، سازمان برافتخار ما را که طی سالهای ن دراز مبارزه انقلابی و آشتی نا پذیر، لایق غلبه امیریا لیسم آمریکا و مزدورانش بیکار کرده است به ملاقات با بختیا مزدور متهم میکند در آن روزها شی که بهشتی و همگامهای حزب، یعنی لیسرا لیسمای خاش با بختیا و مردور شد عشق مساختند و سسایش خاشا نه ای را تدارک میدیدند که تحت نظر سولویان و ما موران سیاه انتقال سلامت آمیز قدرت از رژیم شاه به رژیم جمهوری اسلامی بیانجامد، قاطعانه علیه هرگونه مازنی مبارزه میکردیم و بس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نیز علیه او روسته بختیا روبا نسند اوبسی و ارتجاعیون حاکم پیوسته افناگری و مبارزه کرده ایم، این از افتخارات سازمان ماست که کوچکترین لکه ننگی از زان با دشمنان خلق بردا من آن ننشسته است.

این حقیقتی است که بختیا رخا شن چون در صف مقابل توده ها بودند نیال شاه مزدور به زباله سددا ن تاریخ انگندند و سرتوشت رژیم جمهوری اسلامی نیز که در صف فدا انقلاب است جز همان سرتوشت نیست. ما بر اعلا انقلابی، سربز ش فزاینده توهیم توده ها، بر ضرورت جا بگزین شدن مشی کمونیستی و بر ضرورت تعرض انقلابی علیه رژیم فدا خلقی کنونی بیای میفرسوم و هیچک از اینگونه دروغها که میگویند رژیم را نجات خواهد داد، دونه به مشی انقلابی کمونیستی ما کزندی خواهد داد و توده به خینیت انقلابی ما کوچکترین لطمه ای وارد خواهد آورد.

هم اکنون او حکیری جنین انقلابی و عرونا توانی رژیم در سرکوب آن، نقش فعال و بیشترا نه سازمان ما در اتخاذ مشی تعرضی انقلابی و کمونیستی در علیه رژیم فدا خلقی حاکم، رژیم را کلافه کرده است و اونا کز بسو بر اساس ما هیت فدا نقلایی خویش سپه وسله چننگ میزند و هیت و دروغ و سرکوب را بشدترین وجه خود بکار میگیرد تا جلوی رشد جنین کمونیستی و انقلابی را سد کند.

رژیم از سرعزبه تلاشهای مذبحانهای دستت میزند و ارتجاعیون بورژوازی جهان کمک میگردند که از این تحارب تبلیغات گوبلزی است، تبلیغات نسو بر پایه دروغ بزرگ و ابجا ست که روزنا مه های رژیم با مطلاع خیرات "ملاقات رهبران سازمان پیکار و بختیا رخا شن در پاریس سمیان میا ورتند! (کیهلیان ۵۹/۱۱/۵)

طبقات! ارتجاعی آقدر عقب مانده اند که مثنهان و ا شده شان را بگمان اینکجه چیزی در آن نهان است، با رها به نمایش میگذارد و بدین ترتیب است که بس از با مطلاع "ملاقات رهبران سازمان ما هدین بسا بختیا و در پاریس" (چند ما پیش) نوبت به رهبران سازمان ما زمان پیکار در راه آزادی تبلیغ کارگر میرسد، رژیم جمهوری اسلامی با بخش این اخبار را بلیها نه و و فعا نه هیچ چیز جز ربونی خود را در برابر جنین فزاینده خلق جزو حشت خویش را از مادی گامهای کوبنده انقلاب را آشکارا نمیکند.

دشمنان خلق را در هر چهره افشاء کنیم
به استقبال جنبش او جگیرانده توده ها بشتابیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۱/۶

اعلامیه شماره ۱۰۶

با شکوه شرد و مین سالگرد قیام نیز مینه مناسی برای اتحاد عمل این نیروها و حتی نیروهای انقلابی بزریر کمونیستها و پلاتفرم مورد نظر آنها میتواند باشد، این اتحاد عمل در شرایط اعتلای انقلابی و ویژگیهایی که در بالا از آن سخن گفتیم، گامی است در جهت مطرح شدن هر چه بیشتر آلترنا تیو کمونیستی و حرکتی است در جهت افشای آلترنا تیوهای ارتجاعی حزب جمهوری، لیسرا لیا، بختیا ریا، رویزیونیستها و افشای ترلز دموکراتهای نابیگیر.

رفقا! بگوئیم سالگرد قیام خونین بهمن را به ما ملی جهت طرح آلترنا تیو کمونیستی و افشا و مبارزه علیه آلترنا تیوهای ارتجاعی و فدا نقلایی و انشای نابیگیریهای ماهدیس تبدیل نمائیم!

بقیه از صفحه ۲ سوره مقاله

مرز بندی با گرایشات و تجربانات ایور تونیستی در درون جنبش کمونیستی و مبارزه جدی علیه رویزیونیستها، ایفا کنند، تا آنجا که بس ملزومات عدلی بر میگردد، از دیدگاه ما تمام می سازمانها و گروههای کمونیستی با دید دور از هر گونه گرایش انحلال طلبانه و با حفظ هویست سازمانی خود به فعالیت در میان طبقه و توده ها بر داخته و در جها رچوب این فعالیت مستقل در موارد و مواظع معین دست به اتحاد عملیاتی مینی بر پلاتفرم مشخص بزنند. نمونه ان اتحاد عمل را میتوان در آکسیون ۲۳ دی که بطور بسر عملی جسته ای آلترنا تیو کمونیستی را در برابر سار سیر آلترنا تیوهای برای توده های کنیری مطرح نمود، مثال آورد، از نظر ما بزرگداشت هر چه

بنی صدر باستادار دیکتاتوری و سرمایه داری است

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

آزادی گروگانها و کوس رسوایی رژیم

سرمایه داری امروز در موضع ضعف سرشار
گرفته است. مکتوب استبداد فعال با حرسها و
سواران صدر، با خمیس بودن آنها بیهم‌بسنتری از قدرت
سورسد. آنها در پیش صدر، در مقابل آن درهفتصد
تکلیف جلودار و غیره از مقابلت به حریبهها و عوام -
غریبی های بسیار برای بریب، دی و سوار
صدر در خمیس آنان سود می هد که در این راه
سرمایه داری حاشی و درنگ، چیسها به سر کوب
خمیس طی و خمی و دمگرا تک سوره ها برداشته و
تمام عوامها را برای سرمایه داری گندیده
ها که در حکم میسان با امیربالیسم است زده
است در خمیس خود در و راه خویش را نظر کردار
دگرگونی بسادی و آزادی برای مردم و مخالفت
استبدادشان میدهد. بنی صدر این لیبرال
روما و عدت میگویند با طرح نا رضایتی های مردم
مقط حریب را مضرا و اصاع فلاکت با رتوده ها نشان
داده و چیزی در شب خود را از مردم رسا جلوه دهد و
سوده ها را رسد سال خود بکند.

بنی صدر ها ثنا نه دیکتاتوری بیرونتاریا
در شوروی را "استبداد استالین" جلوه داده و
این "استبداد" را مترادف "استبداد درخا خانی"
و "استبداد در حرسها" قرار میدهد و سپس میگوید
سندعه همه آنها "مقر و شاهسی و عقب ما ندکی
شسیا است". او میگوید: "سه عنوان رئیس جمهوری
خویرا با سدا و آزادیها" و "با سدا و استقلال" می -
شام (امضات اسلامی ۸۰۷ ۸۰۷) هدف بنی صدر
شسیا است، او می گوید با سدا و فدیت علیسه
خوسیم رسوالتیم و با مخالفت با "استبداد
حرسها" خود را فرسند، رادی سان داده و توده -
خانی را کتار دیکتاتوری طماتی موجودیسه
سک آمده اندیسوی خود بکشاند. ولی مگر می -
سوان اس حقیقت استقلال را یونان ندکسد
دیکتاتوری بیرونتاریا در شوروی زمان لنین و
استالین کا ملسرین نوع دیکراسی بود؟ مگر
می سوان اس حقیقت انقلابی را سوانا ندکسه
دیکتاتوری بیرونتاریا در شوروی دیکتاتوری
عقبه سوا به داران مرتجعین و امیربالیستها
سود و آزادی برای کارگران و زحمتکشان؟ مگر
می سوان اس حقیقت را سوانا ندکسه استبداد درخا
خانی، سدا و خانی و جمهوری اسلامی در خدمت
امیربالیسم و سرمایه داری و سرعلیه سوده ها و

استبداد است؟ مگر می سوان این حقیقت را
یونان ندکسه استبداد جزئی از دیکتاتوری
لیفهای است که لیبرالهای خائن نمرخزو آن
مسند؟ چه کمی مسا و جنابات رژیم جمهوری
اسلامی و سرزدسان عرفه در خون لیبرالها و در
راس آن بنی صدر را فرا خوش کند؟ مگر بنی صدر
نیودکده در سرکوب و گشتا رسوده همنسای دلاور،
کمونسیتها و سایر انقلابیون در کردستان، ترکمن
محر و در سراسر ایران دست داشته است؟ آری
بنی صدر در نما می جنابات و کشتا رهای رژیم
خائن جمهوری اسلامی شرکت داشته و هرگز
نمی تواند مدافع آزادی و دیکراسی باشد.
بنی صدر خواهان آنست که فتنه ر حزب بیس روی
انگرا لیاها کاشی یابد، والا او هرگز خواهان
آزادی برای توده ها نمی باشد. منظور او از
آزادی، آزادی برای لیبرالهاست، نه آزادی
جاری توده ها.

بنی صدر در سخنرانی خود می گوید: "آن
پژوهی که واقعا بکند و مستضعفان باشد، خواهان
دگرگونی اساسی نظام اجتماعی میشود، بیسک،
امتیازات و امتیازات را از مردم محروم دادن
که فلان چیز را با انتزاعی کردن فلان کار از بسدون
پرداخت یول می کنید، به بیگما رستان مجانی
بروید، اینها چیزها نمیستند که بتنا پیش تغییر
نظام اجتماعی باشد، اینها نوعی مردم فریبی
است... آنچه انقلاب ما خواهد است، بیسک
بنیادهای اجتماعی ما بیسک است که در
در این کشور جانی برای مستکبر و استبداد
نماند." (همانجا)

ببینید عوام فریبی بنی صدر تا بکجا می
طبقه کارگر و توده های آگاه ما هیچگاه فراموش
نخواهند کرد که همین لیبرالها در سازش با
امیربالیسم، قیام را متوقف کرده و از مقسوط
و فریوایشی نظام منخط سرمایه داری وابسته
جلوگیری نمودند. کسی خواهان دگرگونی نظام
اجتماعی است که خواهان انقلاب و درهم شکستن
ماشین دولتی باشد. مگر لیبرالها و از جمله
بنی صدر نبودند که از تحقق انقلاب جلوگیری
کردند و ارتش و پلیس را همنشاها را از زیر ضربات
نا بودکننده خلق در امان نگه داشتند؟ مگر
همین لیبرالها نبودند که به دفاع از سیستم
سرمایه داری بلند شدند؟ مگر همین لیبرالها
نمودند که خراها ن تردیکترین روابط بسا
بقیه در صفحه ۶

هما نظور که هفت هفته بیس خوسیم ساری تمام
شد و "انقلاب دوم" جمهوری اسلامی سر از سر آمد
رژیم جمهوری اسلامی سر از سر آمد که ساری کمال
به حول گروگانگیری حاسوان امریکا شسی
تعلیقات مردم فریبنا به خود را کرد، سارا اینکه
طی یکسال کوشیدنا با شعارهای درویش مسد
امیربالیستی خود جنین توده ها را به انحراف
بکشد، اینک آنجنان را رها از برده بیرون اساده
که حتی خود رژیم هم دیگر رغبتی در زنده نگاه -
داشتن مسئله سفارت از خود نشان نمیدهد. السد
لیبرالها که در این میان بازنده هستند در
جریان سفارت گیری تا امروز اکثر مواضع
اصلی خود در قدرت را بیسفع حزبها از دست
داده اند، در حالیکه آزادی حاسوان خوشحال
می باشند، اما "امتیازات" حقیرانه ای را که
بدست آمده به رخ حریف می کنند و میگویند
اگر حاسوان را زودتر آزاد کرده بودیم -
"امتیازات" بیشتری بدست می آمد و ما سب
سیاسی اقتصادی محکمتری با امیربالیستهای
غریبی می توانستیم داشته باشیم.
لیکن حزبها که با انکا به گروگان گیری
طی یک روند توانسته اند موضع مسلط را در دولت
بدست آورده و اساعدهای لازم را از این مسئله
ببرند، میگویند: دیگر گروگانگیری به مسئله
مردهای تبدیل شده است و به مردها بسا بدحسب
زدا نبوی سخنوی دولت میگوید: "دولت در
جمع سختی قرار گرفته، مسئله گروگانها را نظر
دولت خاتمه یافته است و اینرا تبدیل نمیکند
مسئله جدید کردن آن، برای مصالح انقلاب کار
درستی است." (انقلاب اسلامی ۸ ۸ ۵۷)
آری آنرا می با امریکا خفت، با بود دو
آمریکا "امتیازات" بدست آمده خبر و نا جبر
بوده که در روی دولت حزبها از دست رفتند و
بنا بر این خفت نبوی و با رها س خفت -
ها برای مصالح دولت مکتبی و حزبها کار درستی
نیست
درواع همگدا در شرط های اسوان از
جانا امیربالیسم امریکا صرفتند که
امریکا توبه ما (۱۰) سوانا نه بولینای
را بازگشت داد اگر چه رژیم عوام فریبنا به سب
نمود که امیربالیسم امریکا نکست بود و تسلیم
بقیه در صفحه ۶

مبارزه با امیربالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست